

فهرست مطالب

مجله اقتصاد و مدیریت

۲..... سر مقاله: کام دوم توانمندی.....

۳..... توسعه‌ی ساختمان خوارزمی: تقویت اعتبار حرفه‌ای و تخصصی.....

۴..... آکپی پذیر منویسی افزایش سرمایه شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی.....

۵..... زمانی برای باز شدن گره‌های ساختاری اقتصاد.....

۷..... پنجمین همایش مدیران گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی.....

۸..... بررسی سناریوی تغییر نرخ سودبانکی و تاثیر آن بر بازار سرمایه.....

۱۰..... اجماع خبرگان بانکی برای خروج از رکود.....

۱۲..... طراحی مکانیزم ظرفیت برای بازار برق ایران.....

۱۵..... اهمیت رمزنگاری اطلاعات در امنیت فضای «وب».....

۱۷..... آیا برای دوران پساتحریم برنامه داریم؟.....

۱۸..... تشکر و قدردانی از کارکنان: مزایا و روش‌ها.....

۲۰..... راهنمای صفر و یک برای سرمایه‌گذاری.....

۲۲..... نظرات بر موسسات مالی و اعتباری ضعیف است.....

مجله فرهنگ و خانواده

۲۴..... جشنی که دنیا در آن بخندد.....

۲۵..... چقد جنگل خوسی.....

۲۶..... پولتیک‌ها جواب نداد.....

۲۷..... جویزی به شکل خرس و خروس.....

۲۸..... بازگشت به خوشبختی؟ یا زندگی پس از تحریم.....

۳۰..... لطفا دور نریزید.....

۳۲..... یک و جب خاک، یک دنیا حرف.....

انعکاس نظرات اشخاص حقیقی و حقوقی در قالب مقالات، مصاحبه‌ها و گزارش‌ها، لزوماً به معنای تایید محتوای تمامی آن‌ها از سوی ماهنامه نیست.

۵

گره‌های ساختاری اقتصاد
زمانی برای باز شدن

۱۲

طراحی مکانیزم ظرفیت برای بازار
برق ایران

۲۰

راهنمای صفر و یک برای
سرمایه‌گذاری

۲۶

پولتیک‌ها جواب نداد

۲۸

بازگشت به خوشبختی؟ یا
زندگی پس از تحریم

ضوابط درج مقالات در ماهنامه "وخارزم"

ماهنامه وخارزم از دریافت مقالات علمی، تخصصی و کارشناسی در حوزه‌های مرتبط با اهداف راهبردی گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی به ویژه در زمینه‌های اقتصاد کلان، تحولات بازار سرمایه، فناوری اطلاعات، برنامه ریزی و مدیریت منابع انسانی استقبال می‌کند. مقالات ارسالی باید شامل این موارد باشد:

عنوان مقاله، نام و مشخصات نویسنده یا مترجم (شامل عنوان اصلی علمی و شغلی، شماره تلفن تماس و نشانی الکترونیکی).

چکیده و متن کامل مقاله (مقدمه، متن، نتیجه) در قالب نرم افزار Word - فهرست منابع و پیوست‌های احتمالی.

حجم مقالات ارسالی حداکثر تا ۱۰ صفحه (A4 معادل ۳۳۰۰ کلمه) باشد که با احتساب تصاویر، جداول، نمودارها و تیتراژ، نهایتاً از ۴ صفحه نشریه بیشتر نخواهد بود.

تحریریه ماهنامه وخارزم، در ویرایش محتوایی و شکلی مطالب واصله آزاد است و اصل مقاله نیز به ارسال کنندگان محترم مسترد نمی‌گردد.

مسئولیت محتوای علمی - حقوقی مطالب با نویسنده یا نویسندگان است و ماهنامه از انتشار مقالات منتشر شده در سایر نشریات و رسانه‌ها معذور می‌باشد.

زیر نظر شورای سردبیری

دبیر اجرایی تحریریه: سینا قلیچ‌خانی
همکاران این شماره:

شرمین نادری، فرید دانش‌فر، علی پویا، شهرزاد همتی، المیرا حصارکی، مجید مرادی، رضا اسدآبادی، علی ماندگار، روزبه یاسایی، چیا فواد

طراح جلد: سهیل نوری

گرافیک و صفحه‌آرایی: نادر قبله‌ای

ویراستار: شیدا محمدطاهر، مرجان ابری

امور دفتری: وحیده بهزادی

نشانی: خیابان ملاصدرا، شیراز جنوبی، بزرگ بلوار غربی، شماره ۲۵

تلفن: ۸۸۶۲۳۸۹۵ - **فاکس:** ۸۸۶۲۳۸۹۶

نشانی الکترونیک:

vakharazm@kharazmi.ir



ماهنامه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی
برای خانواده بزرگ شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی



شماره پانزدهم - خرداد ۱۳۹۴

گام دوم توانمندی

• دکتر حجت اله صیدی، مدیر عامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی

روزهای کاری بهار سال گذشته، روزهایی فراموش‌نشده‌ای برای سهام‌داران گروه خوارزمی و کارکنان آن بود. گام نخست توانمندسازی گروه، با افزایش سرمایه تا میزان یک هزار میلیارد تومان برداشته می‌شد و این البته مصادف بود با دوران افت‌خیز - و بیشتر البته افت - شاخص بازار سرمایه، که طبیعی است در دل سرمایه‌گذاران تردید ایجاد می‌کند. اما سهام‌داران خوارزمی و سرمایه‌گذاران فعال در بازار اوراق بهادار، بدون آن که تردیدی جدی به دل راه دهند، با شرکت در افزایش سرمایه و پرداخت حصة نقدی آن، شرکت خود را برای برداشتن گام نخست برنامه راهبردی هفت ساله گروه در مسیر ثروت‌آفرینی پایدار برای نسل‌ها یاری کردند تا حتی در کوتاه‌مدت، با تحقق بخشی از برنامه، پاداش اعتماد خود را دریافت کنند و شاهد افزایش قیمت مناسبی در سهام خود باشند، در حالی که شاخص بورس روزی‌به‌روز رکورد جدیدی در افت خویش به ثبت می‌رساند.

اکنون گروه خوارزمی در سال دوم برنامه هفت ساله ثروت‌آفرینی قرار دارد و برای آن که در سال جاری به تمامی اهداف عملیاتی تعریف‌شده خود دست یابد، مرحله دوم افزایش سرمایه را به اجرا گذاشته است. اگر چه بر اساس تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده سال ۰۹ و دو امکان افزایش سرمایه تا یک‌هزار و پانصد میلیارد تومان در این مرحله وجود داشت و سازمان بورس و اوراق بهادار نیز در مجوز اخیرش، راه رسیدن به این میزان از سرمایه را باز گذاشت، اما سهام‌داران عمده با در نظر گرفتن شرایطی که بر اقتصاد کشور، به‌ویژه بازارهای پول و سرمایه حاکم است، مصلحت را در آن دیدند که تنها بخشی از افزایش پیش‌بینی‌شده را محقق سازند و در این راستا، هیئت مدیره نیز اگر چه علاقه‌مند به استفاده تام از مجوز صادرشده برای تحقق برنامه‌های شرکت بود، اما با تأیید نظر سهام‌داران ارجمند و لحاظ سایر شرایط پیرامونی، برای آن که گام دوم لریزان برداشته نشود و هم‌چنان راه را با استواری ببیماید، رأی به استفاده نسبی از افزایش تصویب‌شده داد و با موافقت سازمان محترم بورس و اوراق بهادار، پذیره‌نویسی را برای رسیدن به رقم سرمایه یک‌هزار و دویست و پنجاه میلیارد تومانی آغاز کرد.

هر چند پیشرفت طرح‌های توسعه‌ای گروه، اعم از طرح‌های نیروگاهی منتظر قائم، نفت و گاز و پتروشیمی، ساختمان، معدن و صنایع معدنی، فناوری اطلاعات، دارو، بانک‌داری، فعالیت‌های بین‌المللی و تجاری و گسترش فعالیت گروه در بازار سرمایه - اعم از بازارهای اولیه و ثانویه - هر کدام به مبالغی به مراتب بیشتر از کل مبلغ افزایش سرمایه فعلی نیاز دارند، اما مدیریت شرکت بر آن است تا با پرهیز از تحمیل هزینه‌های گران بر سهام‌داران، عمده این مبالغ را از طریق ابزارها و روش‌های تأمین مالی دیگر به دست آورده و با اندک وجه نقدی که در این مرحله به دست خواهد آمد، بنیان‌های گروه را در حد توان، قدرتمند سازد. این مهم با شرکت تمامی سهام‌داران و استفاده از همه حق تقدم‌های منتشرشده تحقق می‌یابد. استفاده همه سهام‌داران از حق تقدم‌ها در کوتاه‌ترین زمان ممکن، ثبت سریع افزایش سرمایه را قبل از آن که مجمع عمومی سالانه تشکیل شود، میسر می‌سازد، تا بتوان با سود تحقق‌یافته‌ای که با وجود رکود حاکم بر نگاه‌ها، به مراتب از رقم سال گذشته بیشتر است، نتیجه اعتماد و پشتیبانی سهام‌داران را در رخشان‌تر به نظاره نشست. به ثمر نشستن افزایش سرمایه تا یک‌هزار و دویست و پنجاه میلیارد تومان، همراه با جدید گروه برای تحقق برنامه‌های عملیاتی تدوین‌شده برای سال ۰۹، شرکت را آماده قرار گرفتن در باشگاه هلدینگ‌های بزرگ چند رشته‌ای می‌کند و تنها از این طریق است که می‌توان در دنیای بزرگ، پیچیده و البته رقابتی کسب‌وکار، حرفی برای زدن داشت.

در دنیای کسب‌وکار امروز، خیال توسعه، افزایش سود پایدار و تحکیم جایگاه رقابتی، بدون نگاه مدبرانه به بازار بین‌الملل و تعامل با شرکت‌های مطرح جهان، سربایی بیش نیست. به گفته توماس فریدمن روزنامه‌نگار، پس از فروریختن دیوارهای معروف دنیا، فروپاشی جوامع بسته پیشین و ظهور شبکه جهانی اینترنت، اکنون دنیا مسطح شده است و جامعه کوچکی بیش نیست که اعضای آن مانند ساکنان یک روستا، ناگزیر از تعامل پیوسته با هم‌اند. برای تعامل کشورمان با سایر کشورها دو سناریو بیشتر قابل تصور نیست. یا در هفته‌ها و ماه‌های پیش رو، توافق هسته‌ای حاصل شده و محدودیت‌های اقتصادی بین‌المللی رفع می‌شوند - که رویدادهای اخیر و مجموعه‌ای اعلام‌شده، این سناریو را محتمل می‌سازند - یا توافق حاصل نمی‌شود و شرایط سال‌های اخیر - بیش و کم - تداوم می‌یابد. بدیهی است که در هر دو حالت، کسب‌وکار توسعه‌ای و ارزش‌آفرینی کشور نباید تعطیل شده یا دچار وقفه شود. نقش گروه جوان و در حال رشد خوارزمی هم در این میان روشن است. اگر توافق حاصل شد، هجوم سرمایه‌ها و شرکت‌های بین‌المللی به ایران سرعت خواهد گرفت. ایجاد مشارکت‌ها، کنسرسیوم‌ها، قراردادهای همکاری کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت، راه ناگزیر توسعه اقتصادی است و در آن شرایط، شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی و شرکت‌های تحت پوشش آن، باید شرایط پیوستن به این مشارکت‌ها و همکاری‌ها را احراز کنند که یکی از شرایط ابتدایی این موضوع، میزان اقلامی مانند سرمایه، دارایی و سودآوری است. اگر چه سرمایه یک‌هزار و دویست و پنجاه میلیارد تومانی برای یک شرکت سرمایه‌گذاری جوان در ایران رقم کمی نیست و در مقایسه با شرکت‌های همانند، شاید رقم قابل ملاحظه‌ای نیز به نظر برسد، اما واقعیت این است که این رقم در سطح بین‌الملل تنها حدود چهارصد میلیون دلار است و از این روست که اگر قصد رقابت در عرصه بین‌الملل و ارتقای سطح سودآوری و رتبه شرکت وجود دارد، باید مقدمات افزایش سرمایه‌های دیگر را فراهم ساخت. رسیدن به دارایی ده میلیارد دلاری و سود سه میلیارد دلاری، سرمایه‌های دست‌کم دو و نیم میلیارد دلاری را طلب می‌کند.

به همین ترتیب، اگر در نگاهی بدبینانه توافقی حاصل نشود، باز فعالیت در عرصه بین‌الملل و مشارکت با شرکایی از آسیا، خاور دور، آمریکای جنوبی و همسایگان باید توسعه یابد، که در این صورت نیز ضرورت آماده‌سازی شرکت برای فعالیت‌های فرامرزی با شدت تمام وجود خواهد داشت. بر این اساس کارکنان گروه خوارزمی، به‌عنوان امانت‌داران صاحبان سهم، سعی خواهند کرد تا با اتکال به فضل بی‌کران الهی، پشتیبانی بی‌دریغ سهام‌داران و تلاشی بی‌وقفه در میدان اجرا، با دست‌یابی به رقم سودی رضایت‌بخش در سال جاری و پیشنهاد تقسیم درصد مناسبی از آن، زمینه رضایت سهام‌داران از مشارکتی که در افزایش سرمایه داشته‌اند، فراهم شود. بدین ترتیب است که گام‌های بعدی توانمندی را می‌توان استوارتر برداشت تا به سرمنزل مقصودی که بارها در این صفحات از آن سخن رفته است، دست یافت. گرچه منزل بس خطرناک است، اما از آن‌جا که مقصد به روشنی تمام‌پدیدار گشته، بهار جاری را می‌توان فصل برداشتن گام دوم توانمندی گروه خوارزمی از سوی سهام‌داران ارجمند، همکاران و همه ذی‌نفعان راهبردی گروه تلقی کرد تا برگ مبارک زرین دیگری بر کارنامه ارزش‌آفرینی افزوده شود. این چنین تر باد.

توسعه‌ی ساختمان خوارزمی؛ تقویت اعتبار حرفه‌ای و تخصصی

این حواله



* نامزدی این شرکت برای دریافت لوح عملکرد مناسب در گروه انبوه‌سازی املاک و مستغلات ملی در بین سال‌های ۸۷ الی ۹۲

* اهدای تندیس و لوح سازه‌ی برتر فاخر به شرکت توسعه‌ی ساختمان خوارزمی در اولین همایش ملی مهندسی سازه‌ی ایران

سیاست‌های سال ۹۴

با توجه به تدوین برنامه‌ی استراتژیک ۷ ساله از سوی شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی، مقرر گردید تمامی شرکت‌های مجموعه با توجه به صلاحیت گروه خوارزمی، مسئولیت بخشی از این برنامه را بر عهده گرفته و با حداکثر توان خود، گروه خوارزمی را در تحقق این اهداف یاری کنند. البته تحقق این اهداف مستلزم فراهم کردن مقدمات و زیرساخت‌هایی است که این بسترها شرکت را به سمت گسترش کمی فعالیت‌ها و ارتقاء اعتبار حرفه‌ای و تخصصی آن هدایت می‌کند.



این اهداف به شرح ذیل است:

- * مطرح شدن شرکت به عنوان برند برتر سرمایه‌گذاری و ساخت در بخش ساختمان.
- * ادامه‌ی سیاست گسترش کمی و کیفی شرکت در چارچوب برنامه‌های تدوین‌شده.
- * ایجاد و تکمیل ساختار مدیریت داخلی شرکت مانند معاونت طرح و برنامه و کمیته‌ی حسابرسی داخلی و ریسک.
- * تعریف پروژه‌های جدید در راستای برنامه‌ی کلی شرکت و اهداف تعیین‌شده توسط هیئت مدیره مانند پروژه‌ی ولیعصر، المپیک و ...
- * طراحی و پیاده‌سازی سیستم مدیریت یکپارچه و تحت وب در تمامی بخش‌های شرکت.

اشاره

شرکت توسعه‌ی ساختمان خوارزمی (سهامی خاص) شرکت ساختمانی زیرمجموعه‌ی هلدینگ سرمایه‌گذاری خوارزمی است. این شرکت در مدت زمان کمتر از هفت سال، توانسته اجرای پروژه‌های ساختمانی تجاری، اداری و مسکونی مختلفی را با موفقیت کامل در شهر تهران به اتمام برساند و هم‌اکنون تعدادی پروژه‌ی جدید در دست اقدام و اجرا دارد.

با توجه به نیاز روزافزونی که به ساختمان‌های مهندسی‌ساز از لحاظ طراحی، محاسبات فنی، اجرا و همچنین شناسنامه‌دار در بخش‌های مسکونی، اداری و تجاری و ... به وضوح دیده می‌شود، شرکت ضمن لحاظ نمودن موارد مطرح‌شده با این هدف پیش می‌رود تا در سال‌های آتی بتواند به تعداد پروژه‌های خود افزایش داده و در نهایت با داشتن سهم بزرگ‌تری از بازار ساخت‌وساز کشور، سود بیشتری در جهت منافع سهامداران کسب کند.

شرکت توسعه‌ی ساختمان خوارزمی در اردیبهشت سال ۱۳۸۶، با هدف ورود به تمامی حوزه‌های مرتبط با بخش ساختمان از جمله سرمایه‌گذاری، مشاوره، نظارت، طراحی، مشارکت و اجرای انواع پروژه‌های ساختمانی با سرمایه‌ی ثبتی یک میلیون ریال به ثبت رسیده و از مهرماه ۱۳۸۶ رسالت خود را به‌طور جدی آغاز کرده است. این شرکت تاکنون با سرمایه‌ی ثبتی ۱۰۰۰ میلیارد ریال توانسته بیش از ۲۳۰,۰۰۰ متر مربع بنا را با کاربری‌های مختلف احداث کرده، تحویل قطعی داده و هم‌اکنون در دست ساخت و اجرا داشته باشد و همچنین با تلاش مداوم، با استفاده از دانش روز و با به کارگیری کارشناسان و افراد مجرب در بخش‌های گوناگون، به ساخت‌وساز مدرن و حرفه‌ای دست یابد.

افتخارات ملی کسب‌شده‌ی شرکت در سال ۹۳



حضور شرکت توسعه‌ی ساختمان خوارزمی در میان ۵۰۰ شرکت برتر اقتصاد ایران شرکت توسعه‌ی ساختمان خوارزمی در سال ۹۲ که اوج دشواری‌های ساخت‌وساز و رکود اقتصادی در دهه‌ی گذشته‌ی کشور به‌ویژه در این عرصه‌ی کاری بوده است، توانست با عملکرد اثرگذار و مثبت خود، از رتبه‌ی ۵۹۰ به ۴۴۲ ارتقای جایگاه داشته و با ۱۴۸ پله صعود، خود را میان ۵۰۰ شرکت برتر اقتصادی ایران مطرح کند. پیش‌بینی می‌شود با توجه به روند رو به رشد شرکت و نیز بهبود نسبی وضعیت صنعت ساختمان در مقایسه با سال گذشته، این شرکت بتواند جایگاه بهتری را در ارزیابی‌های آتی به خود اختصاص دهد.

آگهی پذیرهنویسی افزایش سرمایه شرکت سرمایه گذاری خوارزمی

(سهامی عام)

ثبت شده به شماره ۱۳۱۷۲۲

این حواله



خوارزمی
سرمایه گذاری
شرکت (سهامی عام)

به نشانی تهران، خیابان ولیعصر، خیابان بزرگمهر، پلاک ۱۶، ساختمان اداری - تجاری بزرگمهر، طبقه اول، واحد ۱۱۰، کدپستی ۱۴۱۶۹۳۴۹۸۱ ارسال نموده و یا مدارک را مستقیماً به آدرس ذکرشده بالا تحویل و رسید دریافت نمایند. بدیهی است در صورت عدم ارسال مستندات یاد شده یا عدم واریز بهای اسمی، سهام جدید به آنها تعلق نخواهد گرفت.

۱۴) حق تقدم سهامدارانی که در مهلت مقرر از حق تقدم خود استفاده ننموده‌اند و همچنین پاره سهم‌های ایجاد شده، توسط شرکت از طریق شرکت بورس اوراق بهادار تهران عرضه و مبلغ حاصل از فروش پس از کسر هزینه‌ها و کارمزد متعلقه به حساب بستانکاری سهامداران منظور خواهد شد.

نکات مهم:

* مسئولیت صحت و قابلیت اتکای اطلاعات اعلامیه پذیرهنویسی بر عهده ناشر است.
* ناشر، شرکت تأمین سرمایه، حسابرس، ارزشیابان و مشاوران حقوقی ناشر، مسئول جبران خسارت وارده به سرمایه‌گذارانی هستند که در اثر قصور، تقصیر، تخلف و یا به دلیل ارائه اطلاعات ناقص و خلاف واقع در عرضه اولیه که ناشی از فعل یا ترک فعل آنها باشد، متضرر گردیده‌اند.

* ثبت اوراق بهادار نزد سازمان بورس و اوراق بهادار، به منظور حصول اطمینان از رعایت مقررات قانونی و مصوبات سازمان بورس و اوراق بهادار و شفافیت اطلاعاتی بوده و به منزله تأیید مزایا، تضمین سودآوری و یا توصیه و سفارشی در مورد شرکت‌ها یا طرح‌های مرتبط با اوراق بهادار توسط سازمان نمی‌باشد.

* با توجه به زمان برگزاری مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت، این افزایش سرمایه تا تاریخ برگزاری مجمع عمومی عادی سالیانه نزد مرجع ثبت شرکت‌ها به ثبت خواهد رسید.

* سایر افرادی که تمایل به خرید حق تقدم عرضه شده در شرکت بورس اوراق بهادار تهران را دارند جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص فعالیت شرکت، می‌توانند به سایت اینترنتی شرکت به آدرس www.kharazmi.ir مراجعه و یا با شماره تلفن ۰۲۱-۹۶۶۴۸۵۹۰۸ تماس حاصل نمایند.

* گزارش توجیهی هیئت مدیره در خصوص افزایش سرمایه، گزارش بازرس قانونی در این خصوص و همچنین بیانیه ثبت سهام جدید در سایت اینترنتی شرکت به آدرس www.kharazmi.ir و سیستم جامع اطلاع‌رسانی ناشران به آدرس www.codal.ir در دسترس می‌باشد.

هیأت مدیره

سهام جدید، فاقد مطالبات بوده و یا مطالبات آنان، بهای سهام جدید را تأمین نمی‌کند، می‌بایست ظرف مهلت مقرر بهای سهام یا مابه‌التفاوت آن را به حساب شماره ۰۲۰۷۶۹۵۵۷۲۰۰۸ این شرکت نزد بانک صادرات شعبه مرکزی کد ۳۰۴۶ واریز و رسید بانکی مربوطه را به انضمام گواهینامه حق تقدم خرید سهام جدید، ظرف مهلت استفاده از حق تقدم، با پست سفارشی به نشانی تهران، خیابان ولیعصر، خیابان بزرگمهر، پلاک ۱۶، ساختمان اداری - تجاری بزرگمهر، طبقه اول، واحد ۱۱۰، کدپستی ۱۴۱۶۹۳۴۹۸۱ ارسال نموده و یا مدارک را مستقیماً به آدرس ذکرشده بالا تحویل و رسید دریافت نمایند.

* سهامدارانی که به موجب گواهینامه حق تقدم خرید سهام جدید، دارای مطالبات به میزان بهای سهام جدید می‌باشند، می‌بایست ظرف مهلت مقرر ضمن تکمیل گواهی حق تقدم، مبنی بر اعلام موافقت با تبدیل مطالبات به سرمایه، مراتب را با پست سفارشی به نشانی تهران، خیابان ولیعصر، خیابان بزرگمهر، پلاک ۱۶، ساختمان اداری - تجاری بزرگمهر، طبقه اول، واحد ۱۱۰، کدپستی ۱۴۱۶۹۳۴۹۸۱ ارسال نموده و یا مدارک را مستقیماً به آدرس ذکرشده بالا تحویل و رسید دریافت نمایند.

۱۳) در صورت عدم تمایل به مشارکت در افزایش سرمایه، سهامداران می‌توانند در مهلت تعیین شده برای پذیرهنویسی نسبت به واگذاری حق تقدم خود از طریق شرکت بورس اوراق بهادار تهران اقدام نمایند. با توجه به قابلیت معامله مکرر حق تقدم خرید سهام شرکت، خریداران نهایی می‌بایست قبل از پایان مهلت پذیرهنویسی نسبت به واریز بهای سهام جدید به حساب شماره ۰۲۰۷۶۹۵۵۷۲۰۰۸ این شرکت نزد بانک صادرات شعبه مرکزی کد ۳۰۴۶ اقدام کرده و رسید بانکی مربوطه، به انضمام گواهینامه حق تقدم خرید سهام جدید را ظرف مهلت مقرر با پست سفارشی

به اطلاع می‌رساند، به استناد مصوبه مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی (سهامی عام) در تاریخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۰ و مصوبه هیئت مدیره شرکت در تاریخ ۱۳۹۴/۰۲/۲۰ و مجوز شماره ۱۲۱/۳۱۲۴۱۱ مورخ ۱۳۹۴/۰۲/۱۹ سازمان بورس و اوراق بهادار، مقرر گردید سرمایه شرکت از طریق صدور سهام جدید از مبلغ ۱۰٫۰۰۰ میلیارد ریال به مبلغ ۱۲٫۵۰۰ میلیارد ریال، منقسم به ۱۲٫۵۰۰ میلیون سهم ۱٫۰۰۰ ریالی به شرح زیر افزایش یابد:

- ۱) سرمایه فعلی شرکت: ۱۰٫۰۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰ ریال،
- ۲) مبلغ افزایش سرمایه: ۲٫۵۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰ ریال،
- ۳) مبلغ سرمایه پس از افزایش: ۱۲٫۵۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰ ریال
- ۴) ارزش اسمی هر سهم: ۱٫۰۰۰ ریال
- ۵) تعداد سهام عرضه شده: ۱۲٫۵۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰ سهم،
- ۶) نوع سهم: عادی

۷) محل افزایش سرمایه: افزایش سرمایه شرکت از محل مطالبات حال شده سهامداران و آورده نقدی به مبلغ ۱٫۵۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰ میلیون ریال و از محل اندوخته سرمایه‌ای به مبلغ ۱٫۰۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰ میلیون ریال انجام خواهد شد.

۸) موضوع افزایش سرمایه: تأمین منابع مورد نیاز به منظور جبران مخارج سرمایه‌ای انجام شده در شرکت‌های سرمایه‌پذیر و تأمین مالی مخارج مورد نیاز جهت تحصیل سرمایه‌گذاری‌های جدید.

۹) به هر صاحب سهم، در ازای هر ۱۰۰۰ سهم متعلقه در تاریخ ۱۳۹۴/۰۲/۲۰ تعداد ۱۰۰ سهم جایزه از محل اندوخته سرمایه‌ای و تعداد ۱۵۰ حق تقدم خرید سهم جدید تعلق می‌گیرد. بدیهی است تعداد دقیق سهام و حقتقدمهای متعلقه هر سهم در گواهینامه حقتقدم محاسبه و به سهامداران اعلام خواهد شد.

۱۰) سهامدارانی که ظرف مدت هفت روز از تاریخ انتشار آگهی به علت تغییر آدرس و یا به هر دلیل، گواهینامه حق تقدم خود را دریافت ننمایند، می‌توانند جهت دریافت گواهینامه مربوطه به آدرس مندرج در بند ۱۲ این آگهی مراجعه نمایند.

۱۱) مهلت استفاده از حق تقدم در خرید سهام جدید، ۶۰ روز از تاریخ انتشار این آگهی می‌باشد.

۱۲) سهامداران محترمی که تمایل به استفاده از حق تقدم خود دارند، حسب مورد باید بر اساس موارد بیان شده زیر اقدام نمایند:

* سهامدارانی که به موجب گواهی حق تقدم خرید

زمانی برای باز شدن گره‌های ساختاری اقتصاد

تحلیلی اجمالی درحاشیه کاهش نرخ های سود بانکی
علی پویا

بالاخره شورای پول و اعتبار نرخ سود بانکی را کاهش داد و یکبار دیگر اقتصاد ایران در شرایطی قرار گرفت که کارشناسان در دو جبهه مختلف قرار بگیرند و هر گروه از منظری آینده را برای اقتصاد کشور خوش رنگ و یا کدر ترسیم کنند. نرخ سود بانکی از آن مولفه‌هایی است که در بساط توسعه ایرانی همیشه محل مناقشه بوده است. البته این تفاق تا حد زیادی طبیعی است. در اقتصاد ایرانی بانک‌ها بیش از آن که باید در حوزه تامین مالی در صدر قرار گرفته‌اند و از آن سو بازار سرمایه و بنگاه‌های سرمایه‌گذاری آن طور که باید نتوانسته‌اند در شکل دهی اقتصاد مولد ایفای نقش کنند. برای همین نرخ سود تسهیلات و همچنین نرخ سود سپرده‌ها به واسطه محوریتی که در جهت دهی اقتصاد کشور داشته‌اند، همواره در اوج حساسیت‌های اقتصادی مورد ریزنی‌های کارشناسی قرار گرفته‌اند. به تازگی نیز کاهش نرخ های سود بانکی باعث شده است تا دوباره کارشناسان اقتصادی هر کدام به نوعی برداشت خود را از آینده شاخص‌ها ارایه دهند. بر اساس آخرین تصمیم اعضای شورای پول و اعتبار، نرخ سود سپرده به ۲۰ و سقف سود تسهیلات در قالب عقد مشارکتی به ۲۴ درصد کاهش یافته است.

سال ۹۴ بسته شد و آن طور که رییس کل بانک مرکزی اعلام کرد قرار است هر سه ماه یکبار کارایی نرخ های سود مورد ارزیابی مجدد قرار بگیرد اما این همه ماجرا نیست. مسئولین دولتی یکی از اصلی ترین دلایل کاهش نرخ سود و نرخ تسهیلات بانکی را گردش اقتصاد کشور به سمت تولید و یا محور قرار گرفتن اقتصاد مولد اعلام کرده‌اند. همین رویکرد باعث شده است تا چالش های زیادی در مقابل کاهش نرخ سود بانکی شکل

منابع در اختیار بانک‌ها نیم درصد کاهش دهند.

موضوع دیگر مورد تصویب اعضای شورای پول و اعتبار کاهش نرخ جریمه اضافه برداشت بانک‌هایی بود که تسهیلات تکلیفی بر عهده آنها قرار دارد. براین اساس متناسب با مانده تسهیلات آنها تا پایان سال ۹۳ این نرخ نیز کاهش می‌یابد.

پرونده ای پر چالش

بر این اساس پرونده نرخ سود بانکی برای

به عبارتی بر اساس تصمیم شورای پول و اعتبار نرخ سود سپرده از ۲۲ به ۲۰ درصد کاهش یافت. همچنین نرخ تسهیلات بانکی در قالب عقد مشارکت و مبادله‌ای نیز کاهش یافته است به گونه ای که سقف وام مشارکتی از ۲۸ درصد به ۲۴ درصد و همچنین وام‌های مبادله‌ای از ۲۲ به ۲۱ درصد تصویب شد. اعضای شورای پول و اعتبار همچنین تصمیم گرفتند که نرخ سپرده قانونی بانک‌ها نزد بانک مرکزی را به منظور قرار گرفتن بیشتر

بگیرد. در واقع گروهی از کارشناسان این پرسش را مطرح می کنند که در شرایط حاضر و در زمانی که رکود در اقتصاد وزن زیادی دارد آیا حتی اگر کاهش نرخ های سود بتواند وضع تامین مالی را برای تولید مطلوب کند می توان امیدوار بود که شرایط تولید صنعتی در اقتصاد کشور تغییر کند؟ به باور این گروه از کارشناسان در چنین شرایطی کاهش نرخ های سود تنها باعث می شود تا بازار غیر متشکل پولی و سایر بازارهای حاشیه ای با اضافه وزن مواجه شوند. یعنی پدیده ای که طی سال های گذشته بارها اقتصاد ایران شاهد آن بوده است اما با این وجود این نکته را نباید فراموش کرد که بر حسب تجربه هایی که از آزمون تغییر نرخ های سود طی سال های گذشته به دست آمده است این بار مسئولین دولتی سعی داشته اند تا با سرعت کمتری اقدام به کاهش نرخ سود بکنند. به عنوان مثال کاهش ۲ درصدی نرخ سود سپرده انقدر بار روانی ندارد که بتواند با سرعت منابع بانکها را به سمت بازارهای موازی هدایت کند. این روند نرم کاهش نرخ سود بانکی شاید یکی از نقاط مثبت کاهش دستوری نرخ های سود سپرده باشد که اقتصاد ایران به تازگی شاهد آن بوده است. اما با این وجود تحلیل گران اقتصادی باز هم دستوری عمل کردن برای کاهش نرخ های سود را بر نمی تابند و می گویند اتفاق قابل ملاحظه ای برای اقتصاد کشور نمی افتد. این اما یک

روی سکه است. در سوی دیگر، این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که اقتصاد ایران به واسطه گره هایی که تجربه کرده است، چاره ای ندارد جز این که با استفاده از استانداردهای جهانی دامنه عمل تولید را گسترده کند. در شرایط فعلی به نظر می رسد کاهش نرخ های سود یکی از این الگوهای استاندارد است اما مشکلات ساختاری باعث شده است تا نتوان با خیالی آسوده به بازخورد مثبت این تصمیم امید بست. شاید بهتر بود که دولتی ها از یک سو بازار سرمایه را تقویت می کردند و از سوی دیگر فضایی را به وجود می آوردند که تسهیلات بانکی به شکل عادلانه ای در اختیار متقاضیان منابع بانکی قرار بگیرد. به عبارتی وقتی نرخ سود سپرده کاهش می یابد اگر دولت تمام قدرت خود را برای هموار کردن مسیر رسیدن منابع آزاد شده بانکی به بازار سرمایه صرف نکند، بازار غیر متشکل پولی به سادگی این سرمایه های را می رباید در نقطه مقابل تسهیلاتی هم که قرار است در اختیار تولید قرار بگیرد، می توان بر حسب تجربه های گذشته گفت که بیشتر به افرادی می رسد که می توانند منابع را با ارتباط از بانک ها دریافت کنند. این دو گره ساختاری باعث شده تا فضای تحلیل کاهش نرخ های سود تا حد زیادی کدر باشد. اقتصاد ایران به خوبی به یاد می آورد که هر گاه نرخ های سود کاهش یافته است، صف تقاضا برای منابع گسترش یافته و از سوی دیگر کسانی در این صف پیروز شده اند که فعالیت آنها خیلی هم به تولید مربوط نبوده است. این مساله در واقع می تواند نه تنها مشکلات تولید را کم نکند بلکه باعث افزایش تورم در تولید نیز بشود. برای همین کارشناسان اقتصادی می گویند حالا که کار به اینجا رسیده است، دولت باید بیشترین تلاش خود را معطوف بازار سرمایه کند که از یک سو این بازار بتواند سپرده های مردمی که از بانک ها خارج می شود دریافت کند و از سوی دیگر به کارآمدترین ابزار برای تامین مالی تولید تبدیل شود.

مشکلات ساختاری را جدی بگیریم

مهدی جهانگیری، نایب رئیس اتاق بازرگانی تهران از کارشناسانی است که معتقد است دولت قبل از اقدام به کاهش نرخ های سود باید گره های ساختاری را تا حد زیادی ترمیم می کرد. او می گوید: «یکی از مشکلات ساختاری در اقتصاد ایران وجود بازار غیر متشکل پولی است که به خوبی می تواند سرمایه هایی که از بانک ها آزاد می شوند ببلعد چون تعهدی به

مصوبات رسمی شورای پول و اعتبار ندارد برای همین جایگاه بسیار بهتری برای مواجه با سرمایه ها دارد. یعنی با قدرت بهتری در رقابت برای جذب سرمایه ها حاضر می شود».

وی ادامه می دهد: «وقتی چنین مشکلی وجود دارد به نظر می رسد ضرورت داشت تا بانک مرکزی مقابله با این بازار را در دستور کار خود قرار دهد و یا در اولویت نخست بگذارد. چون وقتی نرخ سود کاهش یابد و سرمایه ها در مسیر بازار قرار بگیرند بازار غیر متشکل می تواند این سرمایه ها را در اختیار بگیرد آن وقت سیستم بانکی حتی برای پرداخت تعهدات خود مشکل خواهند داشت. این سیکل باعث بدهکاری بانک ها به بانک مرکزی و بانک مرکزی به دولت می شود و آسیب این روند نیز در نهایت به کل اقتصاد سرایت می کند».

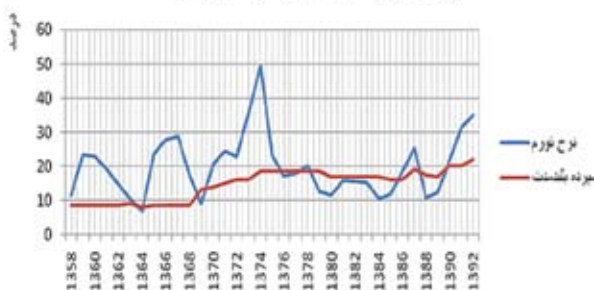
نایب رییس اتاق بازرگانی تهران می گوید: «برای همین بهتر بود دولت به مشکلات ساختاری برای کاهش نرخ سود توجه می کرد. کسی با کاهش هزینه پول مخالف نیست اما این کاهش نباید به خاطر وجود مشکلات ساختاری به گره ای تازه برای اقتصاد کشور تبدیل شود. این نکته را نیز نباید فراموش کرد که اگر کاهش نرخ های سود که به شکل دستوری رخ می دهد، قرار است بازار بخشنامه های دستوری را در سیستم بانکی گرم کند حتما نتیجه این کار هم زیان سپرده گذار را در پی خواهد داشت و هم باعث می شود تا گیرندگان تسهیلات ضرر کنند».

در شرایط فعلی حتما کاهش نرخ های سود بانکی می تواند برای اقتصاد ایران مفید باشد اما چالش هایی که وجود دارند باعث شده است تا این تصویر از اقتصاد کشور به چشم بنشیند که کاهش دستوری نرخ ها نیز نتواند به تنهایی توسعه را از مدار صفر درجه و یا رکود بزرگ نجات دهد

آیا این تصمیمات یک جانبه است؟

به نظر می رسد مشکلات ساختاری در اقتصاد ایران چیزی نیست که بشود به سادگی از کنار آن عبور کرد. در شرایط فعلی حتما کاهش نرخ های سود بانکی می تواند برای اقتصاد ایران مفید باشد اما چالش هایی که وجود دارند باعث شده است تا این تصویر از اقتصاد کشور به چشم بنشیند که کاهش دستوری نرخ ها نیز نتواند به تنهایی توسعه را از مدار صفر درجه و یا رکود بزرگ نجات دهد. نظریه پردازان اقتصادی بر این باورند که نرخ سود باید رابطه مستقیم با نرخ تورم داشته باشد به عبارتی کاهش نرخ تورم باید همواره منجر به کاهش نرخ سود شود اما نمودار تورم و نرخ سود در اقتصاد ایران نشان می دهد که به طور میانگین همیشه و در همه حال نرخ سود کمتر از تورم بوده است. نمودار زیر در مورد نرخ های سود سپرده بلند مدت به وضوح این امر را نشان می دهد.

شکاف تورم و نرخ سود بانکی در سال های گذشته



در واقع می توان گفت رابطه ای که میان نرخ تورم و نرخ سود در اقتصاد ایران وجود داشته هم پوشانی مشخصی با تجربه های جهانی از یک سو و همچنین دستورالعمل های علمی از سوی دیگر نداشته است. برخی

پنجمین همایش مدیران گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی پنجم تا هفتم خردادماه برگزار می‌شود



پنجمین همایش مدیران گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی پنجم تا هفتم خردادماه سال جاری در کرمانشاه برگزار می‌شود. در این همایش مدیران ارشد گروه خوارزمی، مدیران عامل و اعضای هیئت مدیره همه شرکت‌های تابعه حضور خواهند داشت.

سخنرانی آقایان دکتر اسماعیل لله‌گانی مدیرعامل بانک صادرات، دکتر احمد عزیزی مشاور رئیس کل بانک مرکزی، دکتر سیدعلی حسینی مدیرعامل بورس انرژی، دکتر مهدی برکچیان استاد اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف، دکتر محمد سلطانی‌فر رئیس مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، سعید جمشیدی‌فر نایب رئیس شورای عالی جامعه حسابداران رسمی ایران، دکتر سیاح عضو هیئت مدیره شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی، مهندس ریاحی عضو هیئت مدیره توانیر، دکتر کاظمی عضو هیئت مدیره شرکت توسعه برق و انرژی سپهر و مهندس اسلامی عضو هیئت مدیره شرکت توسعه برق و انرژی سپهر از جمله برنامه‌های پیش‌بینی‌شده این همایش است.

میزبانی پنجمین همایش مدیران شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی را شرکت توسعه برق و انرژی سپهر بر عهده گرفته است.

گفتنی است، همایش مدیران گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی برای نخستین بار بهمن‌ماه سال ۹۲ در شیراز برگزار شد. خرداد، مهر و بهمن‌ماه سال ۹۳ نیز دومین، سومین و چهارمین همایش مدیران گروه خوارزمی به ترتیب در شهرهای مشهد، تبریز و کرمان برگزار شد.

از جمله اهداف برگزاری همایش‌های ادواری مدیران گروه خوارزمی، ارتقای سطح همکاری و هم‌افزایی برای تحقق اهداف مرحله‌ای برنامه راهبردی هفت‌ساله و کمک به افزایش سطح آگاهی و دانش تخصصی مدیران در زمینه‌های مرتبط با برنامه‌های این گروه سرمایه‌گذاری است.

مشروح گزارش‌های مربوط به این همایش مانند ادوار گذشته، علاوه بر ماهنامه و خارزم (نشریه داخلی خانواده بزرگ شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی)، در وب‌سایت رسمی گروه خوارزمی نیز منعکس خواهد شد.

کارشناسان بر این باورند که دلیل اصلی این ماجرا را باید در نحوه رفتار بانک‌ها در اقتصاد ایران جستجو کرد. بر اساس این برداشت از تراز نا متناسب نرخ تورم و نرخ سود می‌توان گفت که بانک‌ها چون فعال اقتصادی هستند و در بازارهای مختلف نیز با فعالان اقتصادی رقابت می‌کنند، این کسب و کار بانکی باعث به وجود آمدن این خلل شده است. پدram سلطانی، نایب رییس اتاق بازرگانی ایران بعد از اعلام کاهش نرخ سود بانکی پا را از این فراتر برد و بانک‌ها را متهم به تبانی کرد. او گفت در هر جای دیگر دنیا اگر بانک‌ها بنشینند دورهم و برای نرخ سود تصمیم بگیرند دادگاهی می‌شوند! به نظر می‌رسد انگشت اتهامی که بانک‌ها را نشانده رفته است بسیار جدی به این موضوع اعتقاد دارد که بانک‌ها بر اساس حیطه بنگاهداری خود این تصمیم را گرفته‌اند که هم خواسته‌های دولت را جامه عمل بپوشانند و هم به گونه‌ای رفتار کنند که کمترین آسیب را از ناحیه کاهش نرخ سود متحمل شوند. چنانچه پدram سلطانی می‌گوید بانک‌ها با مکانیزمی خاص که آنها را هماهنگ می‌کند این تصمیم را برای نرخ سود گرفته‌اند. اگر قرار بود بر حسب واقعیت‌های علمی و اقتصادی نرخ سود کاهش یابد بسیار بیشتر از این باید پایین می‌آمد چون در حال حاضر میزان تورم از ۴۰ درصد به ۱۵ درصد رسیده است. این دقیقاً همان چیزی است که نایب رییس اتاق بازرگانی ایران وعده داد تا در اتاق و طبق قانون پیگیری شود. اتهام زنی به بانک‌ها اما به اینجا ختم نمی‌شود. بعد از اعلام کاهش نرخ سود بانکی یکی از رسانه‌های اقتصادی در گزارشی مفصل از کارشناسان اقتصادی سعی کرد که ثابت کند هر گاه بر حسب تصمیم بانکی‌ها نرخ سود کاهش یافته است در روندی معکوس هزینه تولید و یا به عبارتی نرخ تورم تولید افزایش یافته است. معنای این سخن این است که با کاهش نرخ سود بانکی تولید گران تر می‌شود و هر گاه نرخ سود در اقتصاد ایران بالا می‌رود هزینه تولید و یا تورم تولید پایین می‌آید، یعنی تولید به صرفه تر می‌شود. این اتفاق عجیبی است که شاید فقط در اقتصادی نظم‌گریز مانند اقتصاد ایران بتواند رخ دهد (نمودار زیر):



اگر چنین استدلال‌هایی را بپذیریم باید گفت که نوسان نرخ سود بانکی نقش یک ابزار راهبردی را برای فعالیت اقتصادی بانک‌ها ایفا می‌کند که لزوماً به نفع تولید نیست بلکه در ساختار اقتصادی ایران می‌تواند برای تولید آسیب‌زا نیز باشد. در این شرایط اما شاید بهتر باشد که برنامه ریزان اقتصادی دولت سعی کنند تا با باز کردن گره‌های ساختاری مسیر را برای هرگونه انحراف در اقتصاد ایران مسدود کنند. به طور قطع اما کمک به برطرف شدن ریسک‌های سیستماتیک در بازار سرمایه و واقعی کردن نسبت قیمت به درآمد در این بازار می‌تواند موجب شکل گرفتن بازاربوری مبتنی بر استانداردها برای تامین مالی اقتصاد مولد شود. اگر چنین فضایی شکل بگیرد به قول کارشناسان اقتصادی از این بن بست که در آن حتی تصمیم‌های اصولی اقتصاد نیز می‌توانند آسیب‌زا باشند، عبور می‌کنیم.

بررسی سناریوی تغییر نرخ سود بانکی و

تأثیر آن بر بازار سرمایه



محمد ربیع زاده، صاحب‌نظر در امور بانکی و عضو هیئت مدیره گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی

مجموع فعالان اقتصادی به دنبال کاهش نرخ سود بانکی هستند که به طور حتم این افراد یعنی نمایندگان مجلس، دولتمردان و نمایندگان اتاق بازرگانی خواهان کاهش نرخ سود سپرده‌ها نیستند، بلکه خواهان کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی هستند. یکی از هزینه‌های عمده شرکت‌های تولیدی، هزینه‌های مالی آن شرکت‌ها است به همین دلیل اگر تولیدکنندگان با کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی منابع مالی مورد نیاز خود را ارزان‌تر تامین کنند بی‌شک با تولید محصول ارزان‌قیمت می‌توانند با محصولات خارجی و داخلی مشابه در بازار رقابت کنند و همچنین سودآوری بیشتری داشته باشند.

به طور حتم کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی بر ادامه حیات واحدهای تولیدی موثر خواهد بود، اما مهم‌ترین نکته در حال حاضر این است که باید تمام بنگاه‌های اقتصادی مورد حمایت قرار گیرند. یکی از مهم‌ترین بنگاه‌های اقتصادی خود بانک‌ها هستند به طوری که بانکداری یک صنعت فعال محسوب می‌شود، بنابراین اگر در راستای کاهش نرخ سود بانکی، به تمام عوامل به غیر از خود بانک‌ها توجه شود بی‌شک طرح بانک مرکزی و دولت در خصوص کاهش نرخ سود بانکی شکست خواهد خورد. حمایت از واحدهای تولیدی و بنگاه‌های اقتصادی به منظور رونق در تولید و رشد اقتصادی کشور بسیار ضرورت دارد، اما باید توجه شود که بزرگترین بنگاه اقتصادی که باید مورد حمایت همه جانبه مسئولان و سیاستمداران قرار گیرد خود بانک‌ها هستند، به همین دلیل

اگر در طرح کاهش نرخ سود اصلی‌ترین بنگاه اقتصادی که سرچشمه حیات سایر بنگاه‌های اقتصادی کشور است مورد توجه قرار نگیرد، بی‌شک سیاست‌های مبتنی بر کاهش نرخ سود بانکی با شکست مواجه خواهد شد. به طور کلی هدف اصلی طرح کاهش نرخ سود بانکی این است که منابع مالی به صورت بهینه در اختیار تمام فعالان اقتصادی و ذینفعان قرارگیرد، بنابراین حمایت از اصلی‌ترین بنگاه اقتصادی یعنی خود بانک‌ها بسیار ضرورت دارد. نمایندگان مجلس شورای اسلامی باید نماینده ملت باشند، بنابراین به همان میزانی که از واحدهای تولیدی حمایت می‌کنند باید از نظام بانکی کشور هم حمایت کنند، به طوری که اگر در برنامه ششم توسعه یا قوانین بودجه کشوری، ماده‌ای به منظور حمایت از تولید

تصویب می شود باید ماده ای دیگر به منظور حمایت از صنعت بانکداری تصویب شود.

نرخ سود سپرده ها هزینه و نرخ سود تسهیلات درآمد بانک ها است به همین دلیل اگر فقط نرخ سود تسهیلات بانکی کاهش پیدا کند و بانک ها مجبور شوند که وام را با بهره پایین تخصیص دهند در واقع بانک ها از کسب بخشی از درآمد خود محروم شده اند، به همین دلیل در بسته کاهش نرخ سود بانکی، نرخ سود سپرده ها نیز به منظور کاهش هزینه بانک ها حدود ۲ درصد تقلیل پیدا کرد.

بانک ها از شورای پول و اعتبار در راستای کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی، خواهان کاهش نرخ سود سپرده ها به منظور کاهش هزینه ها شدند، اما کاهش نرخ سود سپرده های بانکی به دلیل فرار سپرده ها به سوی موسسات مالی و اعتباری فاقد مجوز به راحتی میسر نخواهد شد، به طوری که احتمال رونق بازارهای غیرمستقل و غیرقانونی بسیار وجود دارد.

کاهش هم زمان نرخ سود تسهیلات بانکی و نرخ سود سپرده ها هیچ گونه اثری بر صورت های مالی بانک ها نخواهد گذاشت، اما اگر فقط نرخ سود تسهیلات بانکی کاهش پیدا کند و نرخ سود سپرده ها همچنان رقابتی باشد، بی شک طرح شورای پول و اعتبار در خصوص کاهش نرخ سود بانکی شکست خواهد خورد.

موسسات مالی و اعتباری فاقد مجوز حجم بالایی از بازار پول را به خود اختصاص داده اند که برخورد جدی و قانونی بانک مرکزی با این موسسات مالی و اعتباری فاقد مجوز به دلیل ازدیاد شعب، فعالیت نیروی انسانی، ریسک پذیری و اعتماد مردم به این موسسات بسیار مشکل است. تعداد این موسسات مالی و اعتباری فاقد مجوز در رسانه ها اعلام شده است، بنابراین به همان میزانی که دولت مردان و سیاستمداران از بانک مرکزی برای کاهش نرخ سود تسهیلات حمایت می کنند، باید از بانک مرکزی برای برخورد جدی و قاطع با موسسات مالی و اعتباری فاقد مجوز حمایت همه جانبه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کنند.

به عنوان کارشناس مسائل بانکی عقیده دارم که اقدامات قهرآمیز یعنی تعدیل یا توقیف کوتاه مدت پاسخگو نخواهد بود، به همین دلیل بانک مرکزی به منظور برخورد قاطع با موسسات مالی و اعتباری فاقد مجوز باید سیاست و راهکار موثر و جدی تری اتخاذ کند، به عنوان مثال اخذ مالیات بر روی سود سپرده های موجود در موسسات مالی و اعتباری فاقد مجوز باعث می شود که فرد پول خود را از آن موسسه مالی غیرمجاز خارج و در موسسات مالی و اعتباری مجاز و بانک های دارای مجوز سپرده گذاری کند. همچنین اگر وزیر اقتصاد

یا رئیس کل بانک مرکزی اعلام به عدم تضمین از پول سپرده گذاری شده در موسسات مالی و اعتباری فاقد مجوز کنند، باعث خروج سپرده از موسسات غیرمجاز و انتقال پول به سمت موسسات مالی و اعتباری و بانک های دارای مجوز خواهند شد.



موسسات مالی و اعتباری فاقد مجوز حجم بالایی از بازار پول را به خود اختصاص داده اند که برخورد جدی و قانونی بانک مرکزی با این موسسات مالی و اعتباری فاقد مجوز به دلیل ازدیاد شعب، فعالیت نیروی انسانی، ریسک پذیری و اعتماد مردم به این موسسات بسیار مشکل است

کاهش نرخ سود سپرده بانکی باعث سراز بردن نقدینگی به سمت بازارهای سرمایه یعنی بورس می شود، اما پول از مجموعه نظام بانکی خارج نخواهد شد، به طوری که کارگزاران بورس نیز پول سهام داران را در بانک ها سپرده گذاری می کنند.

بیشتر سپرده گذاران بانکی ریسک گریز، بازنشسته یا سالمند هستند که سود بانکی تنها منبع درآمد آن ها است به همین دلیل در راستای کاهش ۲ درصدی نرخ سود سپرده بانکی این اقشار ضعیف جامعه با ضرر مواجه خواهند شد به طوری که شاید حتی نتوانند قبوض آب، برق و تلفن خود را پرداخت کنند. به طور حتم در راستای کاهش نرخ سود سپرده بانکی، اجاره بهای مسکن هم افزایش پیدا

خواهد کرد که این امر به ضرر مستأجران تمام می شود.

در مجموع کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی برای تولیدکنندگان به صرفه است، اما برای افرادی که سود سپرده های بانکی به عنوان تنها منبع درآمد آن ها است به صرفه نخواهد بود، به طوری که ممکن است این افراد برای کسب درآمد وارد بازار سکه و ارز شده و به دلیل نداشتن تخصص کافی با ضرر مالی شدیدی مواجه شوند.

ساماندهی نرخ سود تسهیلات بانکی فقط برای حمایت از بنگاه های تولیدی نیست، بلکه مشمول تمام مردم می شود به طوری که اگر فردی بیمار است می تواند با مراجعه به بانک از تسهیلات قرض الحسنه با بهره صفر درصد استفاده کند اما کاهش غیرمعقول نرخ سود تسهیلات بانکی تبعات منفی به همراه خواهد داشت.

در حال حاضر مجموع بانک ها به بانک مرکزی اعلام می کنند که وقتی با کسری مواجه می شوند، هزینه های آن ها با پرداخت ۳۴ درصدی نرخ جریمه بسیار افزایش پیدا می کند، بنابراین باید نرخ ۳۴ درصدی جریمه کاهش پیدا کند تا بتوانند نرخ سود تسهیلات را کاهش دهند، اما ممکن است بانک مرکزی نرخ ۳۴ درصدی جریمه را کاهش دهد، اما عده ای تشویق شوند و کسری نقدینگی در نزد بانک مرکزی ایجاد کنند که این امر باعث افزایش نرخ تورم خواهد شد که با افزایش نرخ تورم، نرخ سود سپرده های بانکی نیز مجدد افزایش پیدا خواهد کرد، بنابراین مسائل پولی و بانکی کشور معادله یک مجهولی نیست که با یک متغیر حل شود.

یکی دیگر از تبعات منفی کاهش غیرمعقول نرخ سود تسهیلات بانکی این است که صف های کاذب در بانک ها ایجاد می شود و برای یک واحد پولی ۱۰ نفر در صف قرار می گیرند، که این صف های کاذب قابل اداره برای بانک ها نیستند، به طوری که ممکن است افرادی در اخذ تسهیلات و وام بانکی حرفه ای باشند و این تسهیلات را دریافت کرده اما در مواردی که منجر به توسعه اقتصادی کشوری می شود، استفاده کنند بنابراین اداره این امر باید به عهده خود بانک ها باشد و مسئولان باید به نظرات کارشناسان هیات مدیره بانک ها و کارشناسان مسائل بانکی توجه کنند.

متأسفانه افراد سرشناس کشوری و سیاستمداران بیش از حد بانک ها را مورد نقد قرار می دهند که این امر بر روی سپرده گذاری اثر منفی دارد، به همین دلیل باید در راستای جلب اعتماد مردم با اخبار مثبت، توجه به تصمیمات مدیران ارشد بانکی و ارائه اختیارات به هیات مدیره بانک ها حمایت همه جانبه از بانک ها شود.

بانک مرکزی چگونه کاهش نرخ های
سود بانکی را تحلیل می کند؟

اجماع خبرگان بانکی برای خروج از رکود

بانکداری



در حال بازسازی

لطفا منتظر بمانید...

کاهش نرخ سود بانکی شاید پر بیننده ترین خبر در سایت های خبری اقتصادی طی چند هفته گذشته باشد. رویکردی که کارشناسان، فعالان اقتصادی و حتی مردم به این خبر داشتند باعث شده است تا این خبر در صدر اخبار پر سر و صدای اقتصادی قرار بگیرد. البته همیشه کارشناسان و فعالان اقتصادی با همین حساسیت به کاهش یا افزایش نرخ سود بانکی توجه می کردند اما به نظر می رسد، این بار که اقتصاد ایران در حال پوست انداختن است و رفع احتمالی تحریم های اقتصادی نیز آینده ای روشن را در دسترس اقتصاد ایران قرار داده است، این حساسیت با وضوح بیشتری شکل گرفته است. در روزهای گذشته هر یک از کارشناسان به گونه ای به این تصمیم شورای پول و اعتبار نگاه کرده و یا آن را مورد ارزیابی قرار داده است اما در نهایت می توان به جرات گفت که همه کارشناسان یک بحث مشترک داشتند و آن هم این که ای کاش قبل از این اتفاق دولت قدم بزرگی در رفع مشکلات ساختاری اقتصاد کشور بر می داشت و بعد تصمیم ماندگاری برای نرخ های سود اتخاذ می کرد. البته این نکته را نباید فراموش کرد که اعضای شورای پول و اعتبار این دوره به دور از هر گونه هیجانی سعی کرده اند با شیبی آرام نرخ های سود را کاهش دهند و در مقابل هر سه ماه یکبار نیز به معاینه نرخ های سود بپردازند با این وجود نگرانی ها در مورد مشکلات ساختاری مانند رانت در استفاده از منابع بانکی، ضعف بازار سرمایه، بنگاهداری بانک ها و... همچنان وجود دارد. مطلب زیر بخشی از نقطه نظر بانک مرکزی در مورد کاهش رسمی نرخ های سود است. مطالعه آن برای فعالان اقتصادی می تواند مفید باشد تا با ایده های بانک مرکزی حتی در مورد تحولاتی که می توانند در راه باشند، آشنا شوند. بانک مرکزی می گوید اولویت نخست تامین مالی برای تولید است، اما آیا بالاخره نظام بانکی می تواند این کار را به نحو مطلوبی انجام دهد؟

بر اقتصاد کشور نبوده است. در همین راستا نیز دستگاه های اقتصادی دولت، در اوایل سال ۱۳۹۳ تدوین بسته خروج غیرتورمی از رکود را در دستور کار قرار دادند و مجموعه مدونی از راه کارهای غیرتورمی برای حمایت از فعالیتهای تولیدی کشور و رفع موانع موجود در این زمینه ارائه گردید. از میان راه حل های تنظیمی، آن بخش که در حوزه تصمیم گیری دولت قرار داشت با فاصله زمانی کوتاهی اجرایی گردید. بانک مرکزی که در مراحل تنظیم مجموعه سیاستی مزبور نیز مشارکت مستقیم و فعالی داشت، با اقداماتی از جمله اولویت بخشی به تامین مالی سرمایه در گردش واحدهای تولیدی، کاهش و یکسان سازی نسبت سپرده قانونی بانک ها و اتخاذ رویکردهایی در جهت افزایش توان تسهیلات دهی بانک ها، سعی نمود تا در عین رعایت انضباط پولی، شرایط بهتری را برای تامین مالی واحدهای تولیدی کشور فراهم سازد. در نتیجه اقدامات اتخاذ شده، شرایط فعالیتهای اقتصادی نیز تا حدود زیادی بهبود یافت و رشد اقتصادی

تجربه هشت فصل رشد اقتصادی منفی در سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ و رکود شدید اقتصادی در این دوره به همراه نرخ های تورم بالای ۴۰ درصد، مجموعه سیاستگذاری کشور را در معرض یک انتخاب اساسی میان اتخاذ سیاستهای ضد تورمی یا حرکت به سمت رویکردهای حمایت از رشد اقتصادی قرار داد. در انتخاب میان این دو رویکرد متفاوت، اولویت سیاستگذار بر کنترل نرخ تورم قرار گرفت و تصمیم سازی در حوزه های مختلف سیاستهای پولی، مالی، ارزی و تجاری به شکلی سازگار و هماهنگ بر این اولویت سیاستی متمرکز گردید. پیگیری و تمرکز بر رعایت انضباط پولی و مالی و همچنین حفظ ثبات نسبی در بازار ارز، در مجموع شرایط مناسبی را برای مهار فشارهای تورمی فراهم آورد و نرخ تورم با کاهشی قابل ملاحظه (۱۹,۱ واحد درصد) از ۳۴,۷ درصد در سال ۱۳۹۲ به ۱۵,۶ درصد در سال ۱۳۹۳ رسید. در عین حال، اولویت سیاستگذار بر مهار نرخ تورم به معنی غفلت از رکود حاکم

کشور پس از دو سال رشد منفی، در سه فصل متوالی سال ۱۳۹۳ ارقام مثبت را تجربه نمود. لیکن، علیرغم بهبودهای حاصله در این زمینه و با وجود رشد اقتصادی ۳٫۶ درصدی کشور در ۹ ماهه اول سال ۱۳۹۳، سطح تولید کشور در ۹ ماهه سال ۱۳۹۳ در سطحی کمتر از مقادیر مشابه آن در سالهای ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ قرار دارد که حاکی از وجود ظرفیتهای خالی در اقتصاد کشور می‌باشد. از سوی دیگر، در حوزه بازار پول پس از یک دوره طولانی سرکوب مالی، نرخ سود واقعی تسهیلات و سپرده‌های بانکی به دلیل تداوم روند کاهشی نرخ تورم، از میانه سال ۱۳۹۳ مثبت شد و به تدریج افزایش یافت؛ به طوری که نرخ بازدهی بازار پول با فاصله قابل ملاحظه‌ای بالاتر از بازدهی دیگر دارایی‌ها از جمله مسکن، ارز، طلا و سهام قرار گرفت. علیرغم شرایط مزبور و با وجود روند کاهشی نرخ تورم، نرخ‌های سود بانکی نه تنها کاهش نیافت بلکه فشارهای رو به بالایی را نیز برای نرخ سود بانکی شاهد بودیم. این امر در حوزه سپرده‌گیری به صورت تخطی برخی بانک‌ها از سقف‌های مورد توافق شبکه بانکی و در حوزه اعطای تسهیلات نیز به شکل نرخ‌های سود غیرمتعارف و ناسازگار با بازدهی فعالیتهای بخش واقعی اقتصاد و نامتناسب با شرایط اقتصاد کلان کشور نمود داشت که در مجموع حاکی از ورود فعالیتهای پربیسک به ترازنامه بانک‌ها بود. علاوه بر الزامات احتیاطی، این شرایط با پیش‌نیازهای بهره‌برداری از ظرفیتهای خالی اقتصاد و تسریع فرایند خروج از رکود اقتصادی نیز همخوانی نداشت که در مجموع بازبینی نرخ‌های سود بانکی و ورود بانک مرکزی به این مقوله را الزامی می‌نمود.

علیرغم توجیهاات موجود پیرامون بازبینی در نرخ‌های سود بانکی، در خصوص زمینه‌های بروز چنین شرایطی در بازار پول باید به وجود برخی مشکلات ساختاری در ترازنامه بانک‌ها توجه داشت. در حال حاضر شبکه بانکی کشور با مشکلات فرابخشی و درون بخشی زیادی مواجه است که به واسطه کاهش کیفیت دارایی بانک‌ها، در مجموع به کاهش عرضه منابع مالی در بازار پول و کاهش توان تسهیلات دهی شبکه بانکی منجر شده است. مواردی همچون تمرکز تامین مالی اقتصاد بر بانک‌ها، رکود بازار املاک و مستغلات که چرخش نقدینگی در بانک‌ها را با مشکل مواجه ساخته، عدم ایفای به موقع مطالبات پیمانکاران توسط دولت که در نهایت به افزایش مطالبات غیرجاری بانک‌ها منجر می‌شود، فعالیت موسسات اعتباری غیرمجاز در بازار پول، پایین بودن حجم سرمایه بانک‌ها، بدهی انباشته دولت و شرکتهای دولتی به بانک‌ها، رسوب اوراق مشارکت شرکتهای دولتی در ترازنامه بانک‌ها به دلیل عدم ایفای به موقع تعهدات شرکتهای دولتی در این زمینه، حجم بالا و قابل ملاحظه مطالبات غیرجاری و ساختار ضعیف

حاکمیت شرکتی در بانک‌ها، در مجموع توضیح دهنده بخش زیادی از مشکلات موجود در بازار پول و واگرایی نرخ‌های سود بانکی از تحولات نرخ تورم می‌باشند. بدیهی است که در چنین شرایطی توجه صرف به نرخ سود بانکی و تعدیل آن فارغ از مشکلات موجود در شبکه بانکی نه تنها توجه به معلول به جای عوامل موجهه می‌باشد، بلکه به دلیل تشدید شرایط عدم تعادل در بازار پول، در عمل نیز راه حلی پایدار نخواهد بود.

با توجه به توضیحات فوق باید مجموعه سیاستهای پولی و اعتبار جدید مصوب شورای پول و اعتبار را به صورت برنامه‌ای از رویکردهای سیاستگذاری برای کاهش هزینه‌های تامین مالی و توجه به حل همزمان مشکلات موجود در شبکه بانکی و بازار پول تلقی کرد که در مجموع تکالیفی را برای اضلاع سه گانه شامل شبکه بانکی، بانک مرکزی و دولت ایجاد می‌نماید. در حالی که اعمال

سقف ۲۴ درصدی بر نرخ سود تسهیلات عقود مشارکتی، کاهش یک واحد درصدی نرخ سود تسهیلات عقود غیرمشارکتی و اعمال سقف ۲۰ درصدی بر نرخ سود سپرده های بانکی یک مجموعه تکالیف سازگار و هماهنگ در جهت انضباط بخشی به فعالیت واسطه‌گری مالی بانک‌ها را به دست می‌دهد؛ لحاظ مواردی مانند اعطای خط اعتباری به بانک‌ها، تبدیل اضافه برداشت برخی بانک‌ها (ناشی از تسهیلات تکلیفی دولت) به خط اعتباری، سپرده‌گذاری در بازار بین‌بانکی و کاهش نسبت سپرده قانونی نیز الزاماتی را برای بانک مرکزی در جهت رفع تنگنای اعتباری بازار پول و حمایت از نرخ‌های تعادلی سود در بازار پول ایجاد می‌نماید. در راستای حل و فصل تدریجی مشکلات موجود در بازار پول کشور، سیاستهای پولی بانک مرکزی حسب شرایط اقتصادی کشور، در مقاطع سه ماهه مورد بازبینی قرار خواهد گرفت.

با توجه به مشکلات ناشی از پرداخت تسهیلات بانکی با نرخ‌های غیرمتعارف و نامتناسب با بازدهی فعالیتهای بخش واقعی اقتصاد، اعمال سقف بر نرخ سود تسهیلات عقود مشارکتی، اقدامی در جهت ارتقای سلامت و شفافیت بانکی و کمک به تولید قلمداد می‌شود که با روح حاکم بر اصول اقتصاد مقاومتی نیز سازگاری دارد. لازم به ذکر است که این اقدام به معنی اعمال محدودیت بر اعطای تسهیلات با نرخ‌های بالاتر نیست بلکه پرداختن به وظیفه اصلی بانک مرکزی به عنوان ناظر و حافظ منابع سپرده‌گذاران در نظام بانکی است که نسبت به میزان ریسک و مخاطره‌ای که بانک‌ها بر عهده می‌گیرند، دامنه مجازی را تعریف نموده است که می‌تواند متناسب با شرایط واقعی اقتصاد و بازدهی فعالیتهای مولد اقتصادی باشد. این رویکرد، با مداخله مستقیم دیگر

بانک‌ها ی مرکزی دنیا در بازار پول در مواقع لزوم نیز همخوانی دارد و در چارچوب شرایط بازارهای مالی کشور و الزامات و مقررات بانکی کاملاً موجه است. علاوه بر این، الزامات نظارتی شدیدتر مصوبه شورای محترم پول و اعتبار در خصوص رعایت سقف‌های نرخ سود تعیین شده از سوی بانک‌ها و موسسات اعتباری و همچنین الزام بانک مرکزی به تعیین و اعلام رتبه اعتباری بانک‌ها و موسسات اعتباری، در نهایت

شرایط بهتری را برای انتظام بخشی به موسسات اعتباری غیرمجاز و برخی بانک‌ها ی خاطی فراهم خواهد ساخت.

ضلع سوم این برنامه نیز دربردارنده توصیه‌هایی برای دولت به منظور افزایش سرمایه بانک‌ها ی دولتی و تسویه بدهی خود به بانک‌ها و بانک مرکزی می‌باشد که به اهداف سیاستگذار در زمینه رفع مشکلات ساختاری بازار پول و ارتقای توان تسهیلات دهی بانک‌ها و رفع مضایق‌های مالی واحدهای تولیدی کمک خواهد نمود.

لازم به ذکر است که اولویت اساسی سیاستهای پول و اعتباری بانک مرکزی در سال جاری نیز بر تامین سرمایه در گردش تولیدکنندگان و تشویق فعالیتهای تولیدی به ویژه بنگاه‌های کوچک و متوسط و در راستای اشتغال‌زایی می‌باشد. در پایان خاطر نشان می‌سازد که مجموعه مصوب شورای محترم پول و اعتبار در جلسه مورخ ۸/۲/۱۳۹۴ نتیجه بررسی‌های کارشناسی و فنی مشترک بانک مرکزی و تبادل نظر این بانک با فعالین و سیاستگذاران اقتصادی و خبرگان بانکی و مدیران عامل بانک‌ها بوده که با تشریح مساعی مجموعه‌های ذیربط می‌تواند گامی مهم در جهت رفع مشکلات کنونی و تسریع در فرایند خروج از رکود اقتصادی به حساب آید.



طراحی مکانیزم ظرفیت برای بازار برق ایران



اشاره: در شبکه‌های برق تجدید ساختاریافته، سیاست‌های گوناگونی برای ایجاد رقابت در بازار برق اعمال می‌گردد. استفاده از «مکانیزم ظرفیت» به عنوان یکی از سیاست‌های تشویقی برای تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران مطرح شده که در آن پرداخت‌های مکمل با پرداخت بازار انرژی، برای پوشش مقداری از هزینه‌های غیر قابل اجتناب در تامین انرژی مصرفی به کار می‌رود. هدف مکانیزم‌های ظرفیت علاوه بر کاهش هزینه‌ها و ایجاد رقابت در بازار برق، حمایت از تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران است. در این میان، نهاد تنظیم‌کننده بازار سعی در پوشش دادن هزینه‌های پایه‌ی واحدهای عرضه‌کننده در مکانیزم ظرفیت و حمایت مالی و اعتباری از تولیدکنندگان را دارد تا به این وسیله، بستری مناسب و مطمئن برای سرمایه‌گذاری در صنعت برق فراهم شود. هزینه‌های پایه‌ی تولیدکنندگان شامل کلیه‌ی هزینه‌های ثابت نیروگاه، اعم از هزینه‌ی سرمایه‌گذاری ترازشده برای هر سال و هزینه‌ی ثابت تعمیرات سالانه به علاوه هزینه‌های متغیر اعم از هزینه سوخت و مواد شیمیایی و هزینه‌ی متغیر تعمیرات و نگهداری است. با جبران هزینه‌های ثابت، سرمایه‌گذاران با اعتماد از امنیت اقتصادی در سرمایه‌گذاری، مطمئن می‌شوند که حتی اگر از ظرفیت ارائه‌شده‌ی آن‌ها در تمام طول سال برای تامین انرژی و خدمات جانبی مورد استفاده واقع نشود، به واسطه‌ی آمادگی ظرفیت خود، می‌توانند هزینه‌های ثابت را پوشش دهند.

در حال حاضر بررسی‌ها پیرامون مکانیزم ظرفیت تحت عنوان پروژه‌ی «مطالعه و طراحی مکانیزم ظرفیت در بازار برق ایران»، توسط پژوهشگاه نیرو در حال انجام است. شرکت سرمایه‌گذاری آتی‌نگر سپهر ایرانیان، به عنوان همکار بخش مالی و سرمایه‌گذاری، در انجام این پروژه مشارکت دارد.

سید محمدهادی رضوی، امیر وفایی
کارشناسان شرکت سرمایه‌گذاری آتی‌نگر سپهر ایرانیان

صنعت برق در جهان و ایران

خالص تولید برق در جهان از ۲۰۲ هزار میلیارد کیلووات ساعت در سال ۲۰۱۰ با رشد سالانه‌ی ۲٫۲ درصدی به ۳۹۰ هزار میلیارد کیلووات ساعت در سال ۲۰۴۰ افزایش می‌یابد. برق سهم فزاینده‌ای از تقاضای کلی انرژی در جهان را به خود اختصاص

داده و رشدیابنده‌ترین نوع انرژی نهایی در جهان است. در حالی که متوسط رشد سالانه‌ی کل انرژی نهایی برابر ۱٫۴ درصد است، برق تحویلی به مصرف‌کننده‌ی نهایی با رشد سالانه ۲٫۲ درصد از سال ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۴۰ رشد می‌کند. ظرفیت نیروگاهی نصب‌شده در جهان حدود ۵٫۳۰۰ گیگاوات است. از این ظرفیت به صورت سالانه ۲۱٫۰۰۰ میلیارد کیلووات ساعت انرژی الکتریکی خالص تولیدشده و حدود ۹۲ درصد این مقدار به مصرف سالیانه می‌رسد. در حال حاضر از کل تولید خالص برق در جهان تقریباً ۴۰ درصد از منابع ذغال‌سنگ، ۲۳ درصد از منابع گاز طبیعی، ۲۱ درصد از منابع تجدیدپذیر، ۱۲ درصد از منابع هسته‌ای و

دامنه‌ی حضور گروه خوارزمی در صنعت برق

شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی با ارزش بازار حدود ۱۵ هزار میلیارد ریال به عنوان بزرگ‌ترین شرکت در گروه «سرمایه‌گذاری‌ها» در بورس اوراق بهادار، با ارزیابی کارشناسی تحولات و روندهای شکل گرفته در صنعت برق، در راستای اساسی‌ترین شعار گروه «ثروت‌آفرینی پایدار برای نسل‌ها»، طی سالیان گذشته به افزایش میزان

ایران با ظرفیت حدود ۷۰ گیگاوات پس از کره‌ی جنوبی، در رتبه‌ی ۱۴ جهان به لحاظ ظرفیت، به لحاظ تولید خالص پس از تایوان در رتبه‌ی ۱۸ جهان، به لحاظ مصرف پس از ترکیه در رتبه‌ی ۱۹، به لحاظ اتلاف انرژی برق پس از مکزیک در رتبه‌ی ۸ قرار دارد. سهم نیروگاه‌های بخاری، سیکل ترکیبی و گازی از کل ظرفیت نیروگاه‌های کشور به ترتیب ۳۵ درصد، ۲۵ درصد و ۲۲ درصد است. سوخت مصرفی سالانه‌ی این نیروگاه‌ها متشکل از گاز طبیعی، نفت کوره و نفت گاز به ترتیب برابر ۳۷ میلیارد متر مکعب، ۱۵ میلیارد لیتر و ۱۲ میلیارد لیتر است

سرمایه‌گذاری در این صنعت اقدام کرده است. تملک نیروگاه ۱۶۰۰ مگاواتی منتظر قائم و شرکت تولید و توسعه‌ی ایستگاهی نیرو پارسه، دو سرمایه‌گذاری اصلی شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی در صنعت برق است، به گونه‌ای که بیشترین ارزش سرمایه‌گذاری در کل پرتفوی شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی، به سرمایه‌گذاری در صنعت برق تعلق گرفته است. سرمایه‌گذاری در صنعت برق به دلیل گستردگی این صنعت و مسائل مربوط به آن، نیازمند توسعه همه‌جانبه‌ی (فنی، سرمایه‌گذاری، حقوقی، تامین مالی و ...) است. توسعه در جنبه‌های تامین مالی پروژه‌های صنعت برق نیز یکی از بخش‌های مهم و مغفول‌مانده در این زمینه است. مقاله‌ی حاضر می‌کوشد تا به معرفی یکی از ابزارهای مالی نسبتاً جدید در صنعت برق با نام «گواهی ظرفیت برق» بپردازد. کار روی مکانیزم ظرفیت برق هم‌اکنون تحت عنوان پروژه‌ای با همین نام در پژوهشگاه نیرو در حال انجام است. شرکت سرمایه‌گذاری آتی‌نگر سپهر ایرانیان به عنوان همکار بخش مالی و سرمایه‌گذاری، در انجام این پروژه‌ی تحقیقاتی مشارکت دارد.

مکانیزم ظرفیت و گواهی ظرفیت برق

در یک سیستم قدرت تجدید ساختار یافته، میحث خصوصی‌سازی و نیز ایجاد رقابت بین شرکت‌کنندگان در بازار برق به تدریج در سطوح مختلف و در قالب خدمات مختلف معرفی شده است. علاوه بر معرفی بازار

انرژی به منظور تامین انرژی روزانه‌ی مصرف‌کنندگان در یک محیط رقابتی توسط انواع نیروگاه‌ها با هزینه‌های متغیر مختلف، انواع خدمات جانبی همانند تامین ذخیره‌ی بهره‌برداری (شامل ذخیره‌ی کنترل فرکانس، ذخیره‌ی تنظیم‌کننده و دنبال‌کننده‌ی تغییرات بار و ذخیره‌ی پیشامد)، خدمات تامین توان راکتیو به منظور حفظ ولتاژ و غیره به تدریج استفاده شده‌اند. به این منظور مکانیزم‌های مختلفی برای تامین انرژی و خدمات جانبی به کار گرفته می‌شوند، که از آن جمله می‌توان تشکیل حراج (۱) در بازار انرژی و خدمات جانبی، استفاده از قراردادهای دوجانبه (۲) در بازه‌های زمانی متفاوت و سایر مکانیزم‌ها را نام برد.

یکی از مهم‌ترین عوامل در تامین موفق انرژی و خدمات جانبی در شبکه‌های برق تجدید ساختار یافته، مسئله‌ی تامین و برخورداری از میزان مناسب ظرفیت است. عبارت «ظرفیت» در مراجع بازار برق، هم به عنوان «مقدار مگاوات آماده توسط نیروگاه‌ها برای عرضه در مکانیزم انرژی و خدمات جانبی در مرحله بهره‌برداری یا فاز زمانی کوتاه‌مدت برای تامین انرژی مصرفی روزانه و ذخیره‌های بهره‌برداری» استفاده شده و هم به عنوان «مجموع میزان مگاوات نصب‌شده‌ی آماده توسط تولیدکنندگان با لحاظ کردن مسئله‌ی خروج و تعمیرات و مگاوات قابل‌پیش‌بینی برای نصب در مرحله برنامه‌ریزی یا فاز زمانی بلندمدت برای تامین پیک بار سالانه و ذخیره‌ی برنامه‌ریزی» به کار گرفته شده است. این‌جا، مقصود از «ظرفیت» غالباً اشاره به تعریف دوم است، که برای تامین پیک بار سالانه (یا ماهانه) و ذخیره‌ی برنامه‌ریزی استفاده می‌شود. بنابراین با این تعریف، «مکانیزم ظرفیت» (۳)، باید برنامه‌ریزی لازم برای عرضه‌ی ظرفیت تولیدکنندگان را در بازه‌ی زمانی طولانی برای تامین بار با کفایت (۴) لازم انجام دهد، به طوری که در پی پیاده‌سازی چنین مکانیزمی، بهره‌برداران شبکه و بازار برق، برای تامین انرژی مصرف‌کنندگان هنگام بهره‌برداری (هم در حالت نرمال شبکه و هم هنگام بروز شرایط اضطراری) با مشکل خاصی روبه‌رو نشده و با ارائه‌ی انواع خدمات جانبی، بتوانند اصطلاحاً امنیت شبکه را به لحاظ تامین انرژی حفظ کنند. تامین ظرفیت با چنین مشخصه‌ای، در برخی مراجع به عنوان امنیت عرضه‌ی ظرفیت به منظور تامین انرژی و خدمات جانبی تلقی می‌شود.

با توجه به موارد ذکر شده، مقدار ظرفیت مطلوب در یک شبکه‌ی قدرت باید حداقل برابر با مجموع پیک بار در بازه‌ی بلندمدت تامین ظرفیت (مثلاً پیک سالانه یا ماهانه‌ی بار) و مقداری ذخیره‌ی برنامه‌ریزی شده باشد، به طوری که این ظرفیت علاوه بر تامین کل بار در فصول مختلف سال، شاخصه‌های کفایت و قابلیت اطمینان شبکه را نیز تامین کند. در برخی از بازارهای برق معمولاً بازه‌ی زمانی برای اجرای هر مکانیزم ظرفیت توسط برنامه‌ریزان، طوری تنظیم می‌شود که عرضه‌کنندگان ظرفیت، علاوه بر برنامه‌ریزی برای عرضه‌ی ظرفیت آماده‌ی خود (با توجه به برنامه‌ریزی خروج و تعمیرات)، می‌توانند برای طرح توسعه‌ی خود از جمله تصمیم‌گیری به منظور ساخت و ساز ظرفیت‌های جدید و نیز تکمیل ظرفیت‌های در حال نصب برنامه‌ریزی کنند. در این صورت، علاوه بر افاق زمانی مکانیزم‌های ظرفیت، فواصل زمانی بین هر





اجرا و تسویه حساب‌ها برای تامین ظرفیت از اهمیت زیادی برخوردار است. چراکه تاخیرهای زمانی برای کسب مجوز ساخت و نیز مدت زمان لازم برای ساخت انواع نیروگاه‌ها معمولاً زیاد بوده و سرمایه‌گذاران، افق زمانی طولانی را برای ارائه ظرفیت‌های قابل ساخت و در حال ساخت مطلوب می‌دانند. به عنوان مثال در مکانیزم ظرفیت PJM (۵)، هم قرارداد‌های بلندمدت ظرفیت و هم بازار ظرفیت با افق زمانی سه ساله (برای تامین ظرفیت سه سال بعد) در نظر گرفته شده است و فواصل زمانی بین هر اجرای مکانیزم، یک سال است. همچنین مشوق‌های مالی موجود در مکانیزم ظرفیت باید به گونه‌ای باشد که سرمایه‌گذاران به بازگشت هزینه‌های ثابت خود امیدوار باشند. مبنای پیشنهاد قیمت برای بازار انرژی با طراحی حراج یکسان (۶)، بر اساس هزینه‌های متغیر تامین انرژی یا هزینه‌های بهره‌برداری (عمدتاً هزینه سوخت و کمتر هزینه متغیر تعمیرات و نگهداری) است. تولیدکنندگان در این حالت ترجیح می‌دهند هزینه حاشیه‌ای (۷) خود را که همانا هزینه متغیر برای تامین یک مگاوات ساعت واحد انرژی است، به بازار انرژی پیشنهاد دهند. در طراحی حراج تبعیضی (۸) یا پرداخت بر اساس پیشنهاد (۹) نیز تولیدکنندگان تلاش می‌کنند تا مقادیر قیمت بازار انرژی را به‌طور صحیح پیش‌بینی کرده و قیمت پیش‌بینی شده را در مواقع تامین بار پایه، متوسط و پیک به بازار انرژی پیشنهاد دهند. مشخصاً برخی از انواع نیروگاه‌ها مستقل از نوع مکانیزم حراج، درآمدی بیشتر از هزینه حاشیه‌ای خود دارند. با این تفصیل، مقدار عمده‌ای از هزینه‌های ثابت واحدهای تولیدکننده از جمله هزینه‌های سرمایه‌گذاری و هزینه‌های ثابت تعمیرات و نگهداری و غیره بدون جبران باقی می‌ماند. در واقع مکانیزم ظرفیت با ایجاد مشوق‌های لازم، سازوکار مناسب برای جبران این هزینه‌ها را نیز باید فراهم کند، که در اصطلاح به این کارکرد از مکانیزم ظرفیت، حل چالش پول گمشده (۱۰) گفته می‌شود. از آنجایی که بسیاری از نیروگاه‌ها (از جمله نیروگاه‌های بخاری، هسته‌ای، بادی و غیره) اصطلاحاً فناوری‌های سرمایه‌بر (۱۱) هستند و هزینه اولیه زیادی برای ساخت و نصب این نوع نیروگاه‌ها صرف می‌شود. سرمایه‌گذاری در این نوع نیروگاه‌ها علاوه بر اطمینان از بازگشت سرمایه، مستلزم ایجاد راه‌کار مناسب برای تامین اولیه این هزینه‌های سرمایه‌گذاری هنگام تصمیم‌گیری و کسب مجوزهای لازم است. علاوه بر آورده سرمایه‌گذاران و تسهیلات بانکی که ممکن است قبل یا حین ساخت در اختیار سرمایه‌گذاران قرار گیرد، پیاده‌سازی یک مکانیزم مناسب ظرفیت نیز می‌تواند در حل این مشکل راه‌گشا باشد. استفاده از قرارداد‌های بلندمدت تامین ظرفیت که در آن هزینه تامین ظرفیت با مدت زمانی مناسب قبل از موعد تعهد تامین ظرفیت، از سوی شرکت‌های تامین‌کننده بار (LSEs) (۱۲) در اختیار سرمایه‌گذار قرار می‌گیرد، می‌تواند راه‌کاری مناسب باشد. بنابراین مهم‌ترین اهداف از اجرای مکانیزم ظرفیت که تاکنون در بازارهای برق در دنیا استفاده

مواقع خود به عنوان جزئی از مکانیزم ظرفیت شناخته می‌شود. در مدل پیشنهادی PJM، این راهکار به عنوان بخشی از مکانیزم ظرفیت معرفی شده است. با انعقاد قرارداد‌های بلندمدت با شرکت‌های تامین‌کننده بار یا صنایع مصرف‌کننده بزرگ، تا حدود بسیار زیادی میتوان از صرف هزینه‌های هنگفت ساخت نیروگاه‌ها کم کرده و در عین حال به شاخص‌های مطلوب کفایت ظرفیت در شبکه برق نیز دست یافت. اهداف فوق، از اهداف اصلی مکانیزم‌های ظرفیت هستند. در کنار این اهداف ممکن است قابلیت‌های جانبی دیگری نیز به واسطه‌ی ایجاد مکانیزم‌های ظرفیت مشاهده شوند، که به‌طور قطع اهداف اصلی نیستند. اما پیامد وجود مکانیزم‌های ظرفیت کارآمد، می‌تواند بروز این قابلیت‌ها باشد. از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: تامین قابلیت اطمینان شبکه و حفظ حقوق مصرف‌کنندگان با تامین ظرفیت کافی کاهش ریسک اقتصادی در بازار به واسطه‌ی تبدیل درآمدهای غیر یکنواخت به مقدار مشخص درآمد و با انباشتگی زیاد تشویق سرمایه‌گذاری و توسعه‌ی ظرفیت‌ها در صنعت برق

کاهش قدرت بازار (۱۳) یا رقابت‌گریزی بین عرضه‌کنندگان ظرفیت پیشبرد روند توسعه‌ی ظرفیت در بازار برق بر مبنای نوع نیروگاه‌ها، نوع فناوریها و مکان احداث و ارسال سیگنال مناسب به سرمایه‌گذاران برای نوع فناوری و مکان سرمایه‌گذاری منطبق بر نظرات سیاستگذاران شبکه و بازار برق با توجه به مطالب ذکرشده، به‌طور خلاصه می‌توان گفت، «مکانیزم ظرفیت مجموعه‌ای از سیاست‌های اعمالی توسط نهاد مستقل بازار با هدف تامین قابلیت اطمینان مورد نیاز سیستم و توسعه‌ی ظرفیت جدید با کمترین هزینه است، که با ساختار بیمه‌گونه‌ای سعی در بازگشت هزینه‌های سرمایه‌گذاری و در نتیجه کاهش ریسک اقتصادی در بازار دارد.»

مشوق‌های مالی موجود در مکانیزم ظرفیت باید به گونه‌ای باشد که سرمایه‌گذاران به بازگشت هزینه‌های ثابت خود امیدوار باشند. مبنای پیشنهاد قیمت برای بازار انرژی با طراحی حراج یکسان، بر اساس هزینه‌های متغیر تامین انرژی یا هزینه‌های بهره‌برداری (عمدتاً هزینه سوخت و کمتر هزینه متغیر تعمیرات و نگهداری) است. تولیدکنندگان در این حالت ترجیح می‌دهند هزینه حاشیه‌ای خود را که همانا هزینه متغیر برای تامین یک مگاوات ساعت واحد انرژی است، به بازار انرژی پیشنهاد دهند

شده است، عبارتند از:

تامین امنیت عرضه‌ی ظرفیت از دیدگاه بهره‌بردار شبکه‌ی برق
جبران هزینه‌های ثابت سرمایه‌گذاری (که قبلاً انجام شده است) با حل چالش پول گمشده
ایجاد مشوق‌های لازم برای سرمایه‌گذاری با تامین نقدینگی مناسب در ابتدای سرمایه‌گذاری
برنامه‌های مدیریت، کنترل و کاهش بار در بلندمدت نیز در بسیاری از بازارها به عنوان راهکار مکمل در تامین ظرفیت مورد توجه قرار گرفته و در برخی

پانوشت:

- ۱- Auction
- ۲- Bilateral Contracts
- ۳- Capacity Mechanism
- ۴- Adequacy
- ۵- PJM (PJM Interconnection LLC): یک سازمان انتقال و توزیع برق در آمریکاست، که حدود ۱۵ ایالت فعالیت دارد و در حال حاضر با ۸۳۰ شرکت عضو که با ۱۶۷ گیگاوات ظرفیت تولید برق به ۶۰ میلیون نفر خدمت می‌دهند، دارنده‌ی عنوان بزرگ‌ترین بازار برق عمده‌فروشی رقابتی در دنیاست.
- ۶- Uniform Auction Design
- ۷- Marginal Cost
- ۸- Discriminatory Auction Design
- ۹- Pay as Bid
- ۱۰- Missing Money Problem
- ۱۱- Capital-Intensive Technologies
- ۱۲- Load Serving Entities
- ۱۳- Market Power

Secure

https://

آشنایی با گواهینامه SSL

اهمیت رمزنگاری اطلاعات

در امنیت فضای «وب»

روزبه یاسایی، کارشناس شرکت کارگزاری آینده نگر خوارزمی

w3tech در ماه فوریه ۲۰۱۵، گستردگی فروش این گواهینامه‌ها در سطح دنیا به شرح جدول زیر است:

جدول ۱) گستردگی فروش گواهینامه SSL در دنیا

رتبه	شرکت صادرکننده گواهینامه	درصد از بازار	ملیت
۱	Comodo	۳۳,۶	انگلستان - آمریکا
۲	Symantec Group	۳۳,۲	آمریکا
۳	Go Daddy Group	۱۳,۲	اسکاتلند - آمریکا
۴	GlobalSign	۱۱,۳	بلژیک - آمریکا
۵	DigiCert	۲,۹	آمریکا
۶	سایر شرکت‌ها	۵,۸	-

همچنین شرکت‌های Gius. OpenTrust، Türktrust، Camerfirma، Buypass و Microsec از جمله شرکت‌هایی هستند که در این حوزه فعالیت می‌کنند. با توجه به تحریم‌های ظالمانه اخیر کشور ما، امکان استفاده از این گواهینامه‌ها برای سایت‌های ایرانی بسیار دشوار شده است. در عین حال شرکت کارگزاری آینده‌نگر خوارزمی امکان استفاده از این پروتکل را از طریق انعقاد قرارداد با یک شرکت معتبر خارجی یافته است.

گواهینامه‌های دیجیتال یک ارتباط امن را بر مبنای پروتکل SSL تضمین کرده و این کار را از دو طریق انجام می‌دهند: اول) از طریق رمزنگاری بسته‌های اطلاعاتی و دوم) از طریق تایید هویت وبسایت و سرویس نرم‌افزاری که گواهینامه دیجیتال روی آن نصب شده است. به عبارت دیگر، کاربر وبسایتی که دارای گواهینامه دیجیتال معتبر است، می‌تواند از جعلی نبودن وبسایت مذکور و هویت حقیقی آن اطمینان حاصل کند و مطمئن باشد که این وبسایت با توجه به گواهینامه معتبری که دارد، واقعا همان است که ادعا می‌کند، نه یک وبسایت جعلی که

* شرکت کارگزاری آینده‌نگر خوارزمی برای پشتیبانی اطلاعات بخش معاملات برخط خود، درحال بهره‌برداری از پروتکل SSL است.

پروتکل SSL (۱)، یک استاندارد وب برای رمزنگاری اطلاعات بین کاربر و وب سرور است. اطلاعاتی که توسط پروتکل SSL مبادله می‌شوند، به صورت رمز شده ارسال می‌شوند و به این ترتیب اطلاعات مبادله‌شده از دزدیده شدن یا (خوانده شدن) (۲) محافظت می‌شوند. گواهینامه SSL برای شرکت‌ها و مشتریان این امکان را فراهم می‌کند تا بتوانند با اطمینان، اطلاعات خصوصی (مانند رمز عبور شماره کارت اعتباری) را به یک وبسایت، به‌طور محرمانه ارسال کنند. به‌طور معمول برای ایجاد ارتباط، دریافت و ارسال داده‌ها بین سرور و کلاینت، از پروتکل HTTP (۳) استفاده می‌شود. این پروتکل داده‌ها را به صورت عادی ارسال می‌کند، که همین امر این امکان را برای هکرها و افراد غیرمجاز فراهم می‌کند تا با شنود ترافیک‌های ارسالی و دریافتی، دست به سرقت داده‌ها بزنند.

پروتکل HTTPS

پروتکلی است که در بستر آن امکان رمزنگاری (۴) اطلاعات فراهم می‌شود، به لحاظ تخصصی در HTTP پورت ۸۰ مورد استفاده قرار می‌گیرد، درحالی‌که در HTTPS این پورت ۴۴۳ است و رمزنگاری داده‌ها، توسط SSL صورت می‌گیرد.

SSL به چه معناست؟

SSL در اصطلاح به سیستم امن و رمزی انتقال داده اطلاق می‌شود. SSL را ابتدا شرکت نت‌اسکیپ (۵) به منظور نقل و انتقال امن و سری اطلاعات ایجاد کرد و اکنون تقریباً تمام مرورگرهای استاندارد از جمله فایرفاکس، اینترنت اکسپلورر، اپرا، گوگل کروم و سفاری آن را پشتیبانی می‌کنند. همچنین در این رابطه شرکت‌هایی وجود دارند که گواهی SSL ارائه می‌کنند. طبق گزارش وبسایت

شبیه به وبسایت اصلی ایجاد شده که با روش‌های متعددی که برای انحراف مسیر و هک کردن وجود دارد، کاربر را به سمت خود هدایت کرده است.

شیوه رمزنگاری اطلاعات در SSL به چه صورت است؟

در یک بیان ساده، پس از برقراری اتصال امن، SSL اطلاعات را به وسیله دو کلید رمزنگاری می‌کند، کلید اول که آن را کلید عمومی می‌نامیم، برای اشخاص غیر، قابل خواندن است، اما این کلید دوم است که تنها توسط ارسال‌کننده و دریافت‌کننده داده‌ها، قابل استفاده است.

در استاندارد SSL، از اکثر الگوریتم‌های عمومی رمزنگاری و مبادلات کلید (۶) نظیر MD۲, RSA, KEA, RSA Key Exchange DSA, DES۵, SHA۱, DES۳, Skipjack پشتیبانی می‌شود. برای مثال در گواهینامه اخذشده برای سایت معاملات برخط کارگزاری آینده‌نگر خوارزمی از الگوریتم AES, SHA۱ و RSA استفاده شده است.

اطلاعات گواهینامه SSL:

به‌طور معمول یک گواهینامه SSL دارای اطلاعات استفاده‌کننده از این سرویس به‌عنوان دارنده گواهینامه است که این اطلاعات عبارت‌اند از:

- نام دامنه
- نام شرکت سرویس‌گیرنده
- نشانی شرکت سرویس‌گیرنده
- شهر و ایالت شرکت سرویس‌گیرنده
- کشور محل اقامت شرکت سرویس‌گیرنده
- تاریخ انقضای گواهینامه

انواع گواهینامه‌های SSL:

گواهینامه SSL دارای انواع مختلفی است، که هر نوع آن تامین‌کننده نیاز خاصی است و اعتبار و قیمت متفاوتی دارد. به منظور انتخاب بهترین نوع گواهینامه SSL و صرف مناسب‌ترین هزینه به منظور برآورده کردن نیاز و کارایی مطلوب، لازم است ابتدا تعریفی از آن‌ها داشته باشیم:

برخی از کاربردی‌ترین انواع گواهینامه‌های SSL به شرح زیر است:

۱ - گواهینامه اعتبارسنجی دامنه (DV) (۷):

این نوع از گواهینامه SSL طبق نام دامنه، اعتبارسنجی را انجام می‌دهد. به‌طور معمول، درخواست اعتبارسنجی یا تاییدیه از طریق ارسال ایمیل به آدرس ایمیلی که در Whois دامنه قرار داده شده است، انجام می‌شود. پس از تایید گواهینامه SSL برای دامنه مورد نظر قابلیت SSL/TLS روی آن وبسایت فعال خواهد شد.

۲ - گواهینامه اعتبارسنجی سازمانی (OV) (۸):

این نوع گواهینامه SSL در صدد تایید اعتبار یک کسب‌وکار و تجارت است. به منظور تهیه گواهینامه OV نیاز به تایید کامل هویت درخواست‌کننده است و تنها برای شرکت‌ها، سازمان‌های دولتی، بانک‌ها، وزارتخانه‌ها و به‌طور کل اشخاص حقوقی صادر می‌شود. درخواست‌کننده باید مدارک کامل ثبتی و قانونی و هویتی شرکت، سازمان و نهاد مربوط را ارسال کند.

۳- گواهینامه اعتبارسنجی توسعه‌یافته (Ex):

این نوع از گواهینامه SSL بسیار شبیه گواهینامه OV و با اعتبار و ارزشی بیش از آن‌هاست. مدارک مورد نیاز برای سفارش این نوع از گواهینامه SSL همانند گواهینامه OV است، با این تفاوت که احراز هویت سازمان یا شرکت دقیق‌تر بوده و ممکن است شامل بررسی شماره تلفن و برقراری تماس با آن سازمان نیز باشد.

خطر جعل گواهی

با وجود امن بودن این گواهینامه‌ها، اما مواردی از جعل این گواهینامه‌ها وجود داشته است. برای مثال طبق گزارشی که شرکت کومودو در مارس ۲۰۱۱ منتشر کرد، (۱۰) اعلام شد که هکرها موفق شدند با نفوذ به سرورهای این شرکت تعداد ۹ عدد از گواهینامه‌های دیجیتال را که روی سرویس ایمیل شرکت‌های گوگل، یاهو و مایکروسافت و همچنین سایت‌های اسکایپ و موزیلا نصب شده بود، جعل و با راه‌اندازی سرورهای جعلی ترافیک کاربران را به سمت خود هدایت کنند.

هم‌چنین در سپتامبر ۲۰۱۱ گزارشی توسط شرکت هلندی دیجی نوتار (۱۱) منتشر شد که در آن از جزئیات سرقت و جعل گواهینامه‌های این شرکت پرده برداشت. (۱۲) هدف اصلی این حمله، کاربران سرویس ایمیل شرکت گوگل (Gmail) بودند که حدود ۳۰۰ هزار کاربر این سرویس مورد حمله قرار گرفتند.



منابع:

- <https://www.certcc.ir>
 - <https://www.globalsign.com>
 - <https://www.digicert.com>
 - <https://www.cnet.com>
 - <http://www.rijksoverheid.nl>
- پانوشته‌ها:
- ۱- Secure Sockets Layer
 - ۲- Sniffing
 - ۳- Hyper Text Transfer Protocol
 - ۴- encrypt
 - ۵- Netscape
 - ۶- Key Exchange Algorithm
 - ۷- domain Validation
 - ۸- Organization Validation
 - ۹- Extended Validation
 - ۱۰- <https://www.comodo.com/Comodo-Fraud-Incident>
 - ۱۱- DigiNotar
 - ۱۲- <http://www.rijksoverheid.nl/documenten-en-publicaties/rapporten/2011/09/05/diginotar-public-report-version/05092011/rapporten.html>

سرمایه‌گذاری

آیا برای دوران پساتحریم برنامه داریم؟

عکس: لوزان سوییس؛ محل تفاهم هسته‌ای ایران و ۵+۱

علی ماندگار/ کارشناس اقتصادی

از وقتی که نفس مذاکرات هسته‌ای گرم شده است و بوی رفع تحریم‌ها به مشام می‌رسد، گروهی از کارشناسان و دست‌اندرکاران دولتی به گونه‌ای سخن می‌گویند که انگاری همه‌ی نامردی‌های اقتصادی طی سال‌های گذشته را باید به پای تحریم‌ها نوشت. البته بدون شک تحریم‌ها ضربه‌ی سختی به اقتصاد ایران زدند آن‌طور که کاغذپاره نامیدن تحریم‌ها به طنز تلخی برای اقتصاد کشور تبدیل شد ولی در این سوی بازار همه‌ی تقصیرها را به گردن تحریم‌ها انداختن به نظر می‌رسد آن سوی سکه‌ای است که برای اقتصاد کشور به یادگار مانده است. شک نباید کرد که تحریم‌ها برای توسعه در ایران زبان به همراه داشتند اما در کنار زبان ناشی از تحریم‌ها، ناکارآمدی مدیریت اقتصادی را نیز باید لحاظ کرد. این مسئله مربوط به دوره‌ی خاصی نیز نمی‌شود. در ایران همه‌ی دولت‌ها کم‌وبیش در حوزه‌های اقتصادی با ناکارآمدی مواجه بوده‌اند. این مسئله یک واقعیت است و کارشناسان اقتصادی با هر ایده‌ای و اندیشه‌ای بر سر این موضوع تفاهم و توافق دارند. برای همین نباید این ناکارآمدی را تماما به پای دوره‌ی خاصی نوشت البته در برخی دوره‌ها بر دامنه‌ی ناکارآمدی‌ها افزوده شده است ولی طول موج تاریخی این ماجرا آن‌قدر زیاد است که امروز مشکلات زیادی در اقتصاد ایران به شکل ساختاری وجود دارند و باعث شده‌اند که حتی در صورت رفع تحریم‌ها در مورد برخی از امور اقتصادی نتوان با قاطعیت گفت که ورق برمی‌گردد و همه چیز به مطلوبیت نزدیک می‌شود. برای همین به نظر می‌رسد بیش از آن که بخواهیم جذب جذابیت رفع تحریم‌ها شویم و برایش به انتظار بنشینیم، باید به این فکر کنیم که بعد از رفع تحریم‌ها اقتصاد ایران چه برنامه‌ای برای میزبانی از سرمایه‌گذاران و تغییر شاخص‌ها دارد. شک نباید کرد که این ماجرا نیاز به برنامه دارد و بدون داشتن راهبرد نمی‌توان از دوره‌ای که دیگر در آن تحریمی وجود ندارد بی‌چون وچرا استقبال کرد. از همین منظر ای کاش مسئولین دولتی برنامه‌های خود را برای روزهای بعد از تحریم با کارشناسان اقتصادی در میان می‌گذاشتند. تا امروز که هنوز صاحب‌نظری پیدا نشده که بگوید از سوی دولت دعوت شده است تا در مورد شرایط پساتحریم سخن بگوید و برنامه‌ریزی کند. اگر مشکلات ساختاری در اقتصاد ایران نظیر فسادها بعد از تحریم‌ها نیز بخواهند به کار کرد خود ادامه دهند و اگر در آن شرایط فضا برای تنومند شدن فعالیت اقتصادی باز شده باشد، این گروه‌های ساختاری می‌توانند با حجم بیشتری توسعه را در تنگنا قرار دهند. این مسئله ضرورت برنامه‌ریزی برای روزهای بعد از تحریم را نشان می‌دهد. مثلا بعد از

رفع تحریم‌ها دیگر نمی‌توان صرفا به کارایی بانک‌ها برای تامین مالی فعالیت‌های تولیدی اتکا کرد. پیش از این بارها رفتار بانک‌ها نشان داده که برای محیط اقتصادی کشور زبان آور بوده است و آسیب‌های بزرگی را به شاخص‌ها تحمیل کرده‌اند. در چنان شرایطی حتما باید گره‌های سیستماتیک بورس را باز کرد تا این بازار بتواند نقش اصلی را در تامین مالی به عهده بگیرد. چنین چیزی نیاز به راهبردها و برنامه‌هایی دارد که دولتی‌ها حتما باید تا به حال آن‌ها را طراحی کرده باشند، اگر این‌گونه نیست که زمان بسیار اندکی باقی مانده و اگر نتوان شاخص‌های بورس را در این مدت ترمیم کرد، بعد از تحریم‌ها با مشکل مواجه خواهیم شد. به نظر می‌رسد بهترین کار این است که دولت شرکت‌ها و بنگاه‌های سرمایه‌گذاری و غول‌های صنعتی بورس را فرا بخواند تا با کمک آن‌ها راهبردهای فعالیت بورس بعد از تحریم‌ها را طراحی کند. این فعالیت‌ها به‌طور حتم باید نجات بخش تولید و صنعت در کشور باشد. این‌طور که از پرداختن به صورت مسئله و سطح رویی مذاکرات می‌شود فهمید، این است که هنوز به‌طور منسجم برنامه‌ای برای روزهای بعد از تحریم وجود ندارد. به نظر می‌رسد باید این مسئله را جدی گرفت. این‌که اگر تحریم‌ها برطرف شوند اتفاق خوبی در زمینه‌ی ورود سرمایه‌های خارجی و فعال شدن سرمایه‌های داخلی شکل می‌گیرد واقعیتی غیر قابل انکار است اما ما چگونه می‌خواهیم این محیط و فضا را مدیریت کنیم؟ اگر در گذشته و در همه‌ی دوره‌ها ضعف‌های مدیریتی در حوزه‌ی کلان اقتصادی به ثبت نرسیده بود، امروز با خیال آسوده‌تری می‌شد در انتظار رفع تحریم‌ها نشست اما ناکارآمدی‌های مدیریتی گذشته در سطح کلان اقتصادی این واهمه را به وجود می‌آورد که دولت حاضر نیز با وجود فعالیت‌های مثبت و تاثیرگذاری که داشته است، گرفتار همان ناکارآمدی‌های تاریخی شود. برای همین اگر قرار است برای اقتصاد ایران در دوران پساتحریم برنامه‌ای راهبردی و منسجم از سوی دولت شکل بگیرد، ای کاش زودتر جرقه‌ی آن زده شود. در غیر این صورت هیچ دور از ذهن نیست که تحریم‌ها برداشته شوند و آن‌وقت اگر بخواهیم تازه بنشینیم و در مورد چگونگی رفع گره از پدیده‌های زیادی سخن بگوییم و فکر کنیم که چه باید کرد، به کلی میدان را واگذار کرده‌ایم. ما بارها در کنار تحریم‌های تحمیلی که افتی برای اقتصاد کشور بوده‌اند از نوهی سیاست‌گذاری‌های داخلی یا بهتر است بگوییم ضعف تعامل داخلی بر سر توسعه ضربه خورده‌ایم. این بار سعی کنیم که این اتفاق رخ ندهد. در واقع بدانیم که از رفع تحریم‌ها چه می‌خواهیم و این خواسته‌ی خود را چگونه می‌توانیم جامه‌ی عمل بپوشانیم. آیا می‌شود؟

تشکر و قدردانی از کارکنان، مزایا و روشها

نسبت به خویش و نسبت به توان مشارکت خویش در فعالیت‌های کاری سازمان، از دیدگاه مثبت‌تری برخوردارند. افرادی که دارای عزت نفس هستند، جزو بهترین کارکنان سازمان قلمداد می‌شوند. یکی از مهم‌ترین دلایلی که از جانب مدیران برای کم‌رنگ شدن قدردانی از کارکنان بیان می‌شود، ضیق وقت است. بها دادن به کارکنان از جانب مدیران با تجربیات ناخوشایندی روبه‌رو شده است. برای مثال در برخی موارد، این کار باعث بروز شکایت از جانب سایر کارکنان، حسادت و ناراضی‌انگیزی آنان می‌شود. بنابراین برخی کارکنان عطایش را به لقایش می‌بخشند. یک فرمول خاص برای قدردانی از کارکنان برای همه قابل اجرا نیست و معمولاً شناخت موضوعات باارزش و باکیفیت برای کارکنان، بس مشکل و پیچیده است. در ادامه به تفصیل به بررسی مقوله قدردانی از کارکنان یک سازمان پرداخته و روش‌های اثربخشی در این زمینه ارائه خواهد شد.

دکتر اصغر ابن‌الرسول (معاون طرح و برنامه گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی)

دکتر شهرام قبادی (کارشناس ارشد برنامه‌ریزی و سنجش عملکرد معاونت طرح و برنامه گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی)

یکی از روش‌های مهم برای ایجاد انگیزه در کارکنان، برای تحقق اهداف سازمانی و فردی، تشویق و سپاس‌گزاری است. روش‌های تشویق و قدردانی به لحاظ واژگان مورد استفاده، به لحاظ افرادی که مورد تشویق و قدردانی قرار گرفته‌اند، هم از نظر تشویق‌کنندگان و هم پاداش‌های متعددی که برای افراد شایسته لحاظ شده است، از گستره وسیعی برخوردارند. به نظر می‌رسد وجه مشترک همه این جنبه‌ها، که به شیوه‌های گوناگون بیان شده است، وجه انگیزشی آن‌ها باشد. این مقاله، به بررسی و تبیین فرایند سپاس‌گزاری و تشویق کارکنان پرداخته و روش‌های مختلفی را بدین منظور ارائه می‌کند.

چنانچه به کارکنان خود بها دهید و قدردان آن‌ها باشید، یک محیط کاری مثبت، کارا و خلاق را خلق کرده‌اید. حتی با یک تشکر ساده هم می‌توان نشان داد که کارکنان برای شما اهمیت دارند. افرادی که احساس می‌کنند سازمان قدر آن‌ها را می‌داند،

آسیب‌ها و پیش‌نیازهای قدردانی از کارکنان

قبل از این که بخواهید از کارکنان زیرمجموعه خود سپاس‌گزاری کنید، ابتدا باید هدف خود از قدردانی از کارکنان را تعیین کنید. بسیاری از سازمان‌ها روش‌های جسته و گریخته‌ای برای تشکر از کارکنان دارند. مدیران این روش‌ها را به کار می‌برند تا شاید هدفی که در پس‌زمینه قدردانی وجود دارد، محقق گردد. یا آن که برخی مدیران آن قدر به‌ندرت از کارکنان خود قدردانی می‌کنند که وقتی این کار را انجام می‌دهند، کارکنان آن را باور ندارند. بنابراین برای تشکر و قدردانی از کارکنان، ابتدا هدف و سپس برنامه خود را مشخص کنید. کارها، رفتارها، روش‌ها و دستورالعمل‌هایی را که می‌خواهید در سازمان خود جاری کنید یا ارتقا بخشید، مشخص کنید. قدردانی از کارکنان را به گونه‌ای هدایت‌شده انجام دهید

می‌شود و از این پس افراد از رشد دیگران جلوگیری می‌کنند. این مسئله مادامی تشدید می‌شود که معیار قدردانی از یک کارمند، نامشخص و فقط بر اساس نظر مدیر باشد.

قدردانی از کارکنان، باید منصفانه باشد و برای افراد با دستاوردهای مشابه یکسان باشد. به همین دلیل انتخاب بهترین کارمند ماه، ایده‌چندان کارامدی نیست و معمولاً نتایج مفیدی را در پی ندارد. در چنین روش‌هایی معیار نتیجه‌گیری و عدالت برای افراد مشخص نیست. به همین دلیل، سایر کارکنان از اصطلاحاتی چون «آدم چاپلوس» یا «نور چشم مدیر» برای بهترین کارمند ماه استفاده می‌کنند. چنین روش‌هایی برای قدردانی از کارمندان به‌رغم این که نیت سازمان خیر بوده است، به نارضایتی و احساس تبعیض منتج می‌شود. جای هیچ شکی نیست که در حین تشکر از افراد موثر در موفقیت یک طرح و با یک پروژه خاص، اسامی زیادی نیز از قلم

تا به تقویت این روش‌ها و رفتارها کمک کند. عدالت، صراحت و استعداد در به رسمیت شناختن کارکنان از مصادیق قدردانی از کارکنان است. افراد نیاز به دیده شدن دارند تا به خاطر زحماتشان مورد قدردانی و سپاس‌گزاری واقع شوند. جهت قدردانی و سپاس‌گزاری نظام‌مند کارکنان در یک سازمان، باید معیاری تعیین شود تا مشخص شود که چه موضوعی یک کارمند را مستحق قدردانی و تشکر می‌سازد. بنابراین هرکس به این معیار دست یابد، مورد توجه قرار خواهد گرفت. برای مثال، اگر معیار سپاس‌گزاری، فراتر رفتن از میزان تعیین‌شده تولید یا فروش باشد، در این صورت هرکس که از این هدف، عبور کند، باید مورد قدردانی قرار گیرد. بنابراین چنانچه فقط بالاترین عملکرد را کاندیدای قدردانی قرار دهید، در سایر افرادی که از هدف تعیین‌شده فراتر رفته‌اند، احساس شکست و سرخوردگی ایجاد می‌شود و نوعی رقابت منفی ایجاد

می‌افتد. نتیجه این که کارکنانی که از آن‌ها قدردانی نمی‌شود، بدون استئنا احساس می‌کنند که کوچک شمرده شده‌اند.

از آسیب‌های دیگری که در حوزه قدردانی از کارکنان می‌توان بدان اشاره کرد، تلقی شدن قدردانی به‌عنوان یک وظیفه از سوی کارکنان است. در برخی موارد کارکنان سیاسی‌گزار از خود در قبال انجام کاری را به صورت یک حق برای خود متصور شده‌اند. بنابراین اگر کارکنان به لطف و قدردانی مدیران عادت کنند، دیگر این لطف برای آن‌ها به توقع تبدیل می‌شود و قطع آن به هر دلیلی باعث عدم رضایت کارمندان شده و بر رفتار آن‌ها تأثیر منفی می‌گذارد. تا جایی که می‌توانید، موضوع را برای افراد کاملاً روشن کنید که آن‌ها به چه دلیل مورد قدردانی قرار می‌گیرند. هدف از دریافت بازخورد این است که در نهایت یک کارمند کارایی بهتری در زمینه‌ای که مدنظر مدیرش است، از خود نشان دهد.

هدف از سپاس‌گزاری از کارکنان، ارائه بهترین بازخورد به او در قبال اثربخش بودن و مفید بودن فعالیت‌هایش است. توصیه می‌شود که از کارکنان بلافاصله بعد از انجام فعالیتی قابل تقدیر، قدردانی شود. ممکن است کارمند خودش نسبت به کارش احساس خوبی داشته باشد، اما قدردانی به‌موقع مدیر از او، باعث افزایش اعتماد در کارمند می‌شود و انگیزه‌های فراوان در او برای بهتر انجام دادن مسئولیت‌ها و وظایفش در سازمان ایجاد می‌کند.

شیوه‌های مختلف قدردانی از کارکنان

شیوه قدردانی از کارمند به موضوع مورد قدردانی بستگی دارد. ممکن است شخصی ترجیح دهد از او در جمع تجلیل شود، شخص دیگری ممکن است یک یادداشت شخصی جهت تشکر در فایل پرسنلی‌اش را پس‌نویسد بهتر بداند. بهترین راه برای دریافتن روش مناسب تجلیل از کارمند این است که شناسایی کنید او در چه مرحله‌ای از سلسله نیازهاست. از فرصت‌های بی‌شماری که برای سپاس‌گزاری از کارکنان وجود دارد، بهره ببرید. پاداش ریالی تنها روش قدردانی از یک کارمند نیست، هرچند که حقوق، پاداش و مزایا در سیستم قدردانی و ارج نهادن به آن‌ها مهم هستند، اما می‌توان سبدهای از رویکردهای مختلف را در این امر استفاده کرد. برخی از رویکردهای مناسب و مختلف تجلیل از کارکنان عبارتند از:

0 در مراسم، همایش‌ها و جلسات از پرسنل برتر قدردانی کنید، که می‌تواند همراه با ارائه لوح تقدیر یا تندیس باشد که نام فرد روی آن درج شده باشد. حتی با صحبت هم می‌شود قدردانی کرد؛ گفتن این‌گونه جملات هزینه‌ای ندارد، اما راه و روش خاص خویش را می‌طلبد. گفتن «کارت عالی بود، همین‌طور ادامه بده» اثربخش نیست و موجب انگیزش نمی‌شود. حال اگر مدیر بتواند در جمع به مدت چند دقیقه درباره کاری که فرد انجام داده است، در مقابل دیگران صحبت کند، غیرممکن است که کارمند چنین تصویری داشته

باشد که زحمات او با چند جمله سطحی پاسخ داده شده است. همین که جنس کاری که کارمند انجام داده است، توسط مدیر برای دیگران بازگو شود، در او انگیزش ایجاد می‌کند. این یک راه‌حل بدون هزینه و رایگان برای قدردانی از افراد سازمان است.

0 اجازه دهید تصویر کارمند یا حتی پرسنل فعال‌تر، در نشریه یا در پورتال سازمان، به همراه چکیده‌ای از بیوگرافی و عوامل موفقیت آن‌ها و وظیفه‌های که در آن درخشانند، درج شود.

0 برای تشکر و قدردانی می‌توانید نامه‌ای را بنویسید و به کارمند خود ارجاع دهید و رونوشت آن را نیز به مدیریت رده بالاتر خود ارسال کنید. بیش از این می‌توانید یک نسخه از نامه قدردانی را در پرونده پرسنلی آن کارمند بایگانی کنید.

0 تلفن زدن نه هزینه دارد و نه زحمت، پس می‌توانید با تلفن کردن به او، او را مورد توجه قرار دهید.

0 کارمندانی را که قصد ادامه تحصیل دارند، شناسایی و آن‌ها را به کسب علم و دانش ترغیب کنید.

0 کارت پستال یا نامه‌ای را به صورت دست‌نوشته جهت قدردانی از کارمند تهیه کنید.

0 کارمندانی را که فعالیت‌های اجتماعی و خیرخواهانه در جامعه دارند، شناسایی و آن‌ها را به استمرار در فعالیتشان ترغیب کنید.

0 برای مشخص کردن کارمند نمونه، اجازه دهید که پرسنل بهترین‌ها را انتخاب کنند.

0 اجازه دهید کارمندان زنده در جلسات به جای شما حضور پیدا کنند.

0 اگر شما در جلسات یا نشست‌های سازمانی سخنرانی می‌کنید، در آخر از کارکنانتان، به‌ویژه افراد یا تیم خاصی که بیشترین همت را از خود نشان داده‌اند، با ذکر نام قدردانی کنید.

0 اجازه دهید که کارمندان ویژه شما، در جلسات رده بالای سازمان به همراه شما حضور یابند، همین‌طور اجازه شرکت در جلسات خاص و همایش‌های بیرون سازمان را به آن‌ها بدهید.

0 با ارسال نامه تقدیر و تشکر از کارمند برتر و بیان ویژگی‌های او به همسر یا خانواده او از ایشان قدردانی کنید. این روش از موثرترین و جدیدترین متدهای تشویق است.

0 یک روز در هفته یا ماه، صبحانه/ناهار خود را با کارمند ویژه خود سرو کنید و به انجام آن مبادرت ورزید.

0 از کارمند خود بخواهید به کارمندان تازه‌وارد آموزش دهد. این عمل حس داشتن دانش و خودباوری را در فرد تحریک کرده و نقش او را در فرآیند سازمانی پررنگ می‌کند.

0 می‌توان از تابلوی اعلانات در سازمان به منظور قدردانی و تشکر از کارمندان بهره جست.

0 به‌عنوان نشانه‌ای از تشکر می‌توانید سبد کوچکی از برخی کالاهای اساسی را به‌عنوان هدیه برای کارکنان ارسال کنید.

0 می‌توان برنامه‌های تفریحی و فرهنگی برون‌سازمانی مانند کمپین زیارتی/سیاحتی، گردش، تور و اردوهای

ورزشی و غیره در نظر گرفت. 0 امکان این را فراهم کنید که کارمند بتواند به آموزش‌های تخصصی مورد علاقه‌اش در موسسات آموزشی برود و هزینه دوره را تقبل کنید. یا ایشان را ترغیب به شرکت در دوره‌های آموزشی تخصصی کنید

0 در آخر هم لازم به گفتن است که برای مثال اگر شما یک کالا به کارمند خود هدیه دهید، این کار بسیار اثربخش‌تر از دادن کارت هدیه است. پول خرج می‌شود و اثری از آن باقی نمی‌ماند، اما هر بار که کارمند از آن کالا استفاده می‌کند، حس توجه سازمانی دوباره در او احیا می‌شود، چراکه پاداش او ملموس‌تر است.

0 معیارهای عملکردی و شاخص‌های مربوط تعیین شوند و به خوب، عالی، ممتاز رده‌بندی گردند و پاداش‌های حاصل از ارزیابی عملکرد تعیین و اعلام شود و پس از اندازه‌گیری عملکرد افراد، تقدیر و پاداش تعیین‌شده عملی گردد.

قدردانی و تشویق یکی از روش‌های ایجاد انگیزه است. در قدردانی کارکنان با محوریت پاداش، اعم از پاداش‌های مادی و معنوی، نکات ذیل را باید مورد توجه قرار داد.

قدردانی باید بجا و با میزان و نوع عمل متناسب باشد و روحیه شخص در انتخاب شکل آن - تشویق کلامی، یا غیر کلامی، مادی یا معنوی - ملاحظه شود. مدیر با پی بردن به نیازمندی‌های گوناگون کارکنان، می‌تواند دریابد کدام عامل قدردانی برای کارمند حکم پاداش را دارد. نکته دیگر این که هرگونه قدردانی با توجه به مقتضای حال و بسته به موضوع مورد بررسی انجام پذیرد. بر این اساس، برخی از انواع روش‌های قدردانی نسبت به سایر روش‌ها از لحاظ اثربخشی در اولویت قرار گیرد.

قدردانی دارای حدود معین است. نه آن حد قدردانی که اثر آن خنثی شود و وظیفه مدیر تلقی گردد و نه به قدری محدود که آفت شود و نقش بازدارنده داشته باشد. شناخت دقیق زمینه‌ها و شرایط موجود نقش بسزایی در اعمال روش قدردانی مناسب دارد. هرگونه قدردانی بر مبنای ارزش‌یابی صحیح و به‌موقع مدیر صورت پذیرد.

قدردانی وسیله برانگیختن است و نباید خود به صورت هدف درآید و تمام ذهن و فکر شخص را به خود مشغول کند که در این صورت نقش بازدارنده پیدا خواهد کرد و موجب غفلت از هدف اصلی می‌شود.

هنگام قدردانی باید علت آن برای شخص روشن باشد و این کار باید به گونه‌ای صورت گیرد که شخص خود را مستحق آن ببیند و از تأیید درونی او برخوردار باشد. قدردانی باید به‌موقع انجام گیرد تا تأثیر مشخص و اثربخشی داشته باشد.

از جمله اساسی‌ترین نکاتی که در قدردانی باید به آن توجه کرد، رعایت اعتدال و تشخیص موارد اعمال آن است. ستایش بیش از اندازه استحقاق، چاپلوسی است و کمتر از مقدار شایستگی فرد، عجز، ناتوانی یا حسد است.

مراجع

- 0 پی‌راینر، استیفن، مبانی رفتار سازمانی، ترجمه علی پارسائیان و محمد اعرابی، چ سیزدهم، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی
- 0 جیمز ای. افد. و همکاران، مدیریت، سازمان‌دهی، رهبری، کنترل، ترجمه، علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی
- 0 راینر، استیفن پی دی سنزو، و دیوید ای، مبانی مدیریت، ترجمه: محمد اعرابی، محمدعلی حمید رفیعی و بهروز اسراری ارشاد، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی
- 0 رضائیان، علی، انتظار عدالت و عدالت در سازمان، تهران، سمت
- 0 رضائیان، علی، مدیریت رفتار سازمانی، تهران، سمت
- 0 عسکریان، مصطفی، روابط انسانی و رفتار سازمانی، تهران، امیرکبیر
- 0 گریفین و مورهد، رفتار سازمانی، ترجمه سیدمهدی الوانی و غلامرضا معمارزاده، تهران، مروارید

راهنمای صفر و یک برای سرمایه گذاری

در حال حاضر ظاهراً مهندس ها سکوهای نخست بیکاران فارغ التحصیل را از آن خود کرده اند (جدول زیر). مطابق این مطالعات نرخ بیکاری در بین ۲۳ رشته اصلی دانشگاهی به شرح جدول ۱ است.

همانطور که مشاهده می شود تا پایان سال ۹۳ این وضعیت بیکاران فارغ التحصیل بوده است. تحصیل کردگان رشته صنعت با نزدیک به ۴۲ درصد نرخ بیکاری بیشترین بیکارها در جامعه فارغ التحصیلان محسوب می شود. این رقم بخ اندازه کافی گویای وضع صنعت و تولید در کشور. در سال ۹۲ نیز وضع همین گونه بوده است. در سال ۱۳۹۲ نرخ بیکاری جمعیت فارغ التحصیل یا در حال تحصیل برای گروه مردان و زنان در کل کشور ۱۸.۹ درصد محاسبه شده است. این نرخ برای گروه مردان ۱۲.۸ درصد و برای گروه زنان ۳۱.۳ درصد بوده است. بیشترین نرخ بیکاری در گروه مردان در بین گروه های عمده رشته تحصیلی، به ترتیب مربوط به رشته های تحصیلی علوم کامپیوتر (۲۲.۳ درصد)، صنعت و فناوری (۲۱.۸ درصد) و معماری و ساختمان سازی ۲۰.۸ درصد است.

همچنین نرخ بیکاری در گروه زنان در بین گروه های عمده رشته تحصیلی، به ترتیب مربوط به رشته های تحصیلی حفاظت محیط زیست ۵۷.۷ درصد، کشاورزی، جنگلداری و شیلات ۵۶.۲ درصد و معماری و ساختمان سازی ۵۵.۵ درصد بوده است.

البته مرکز آمار ایران گزارش می دهد که از حدود ۱۱.۲ میلیون نفر جمعیت دارای تحصیلات عالی و یا در حال تحصیل در کل کشور، متأسفانه ۵.۷ میلیون نفر (۵۱.۴ درصد) غیرفعال هستند. یعنی به عبارتی بیش از نیمی از جمعیت تحصیل کرده کشور هیچ نقشی در ایجاد ارزش افزوده تولیدی ندارند. چنین چیزی اگر یک بحران برای اقتصاد کشور نباشد حتماً می تواند یک چالش عمیق محسوب شود که آینده توسعه را با خطری جدی مواجه کرده است.

بدون شک اگر سرمایه گذاران اقتصادی بتوانند حجمی از سرمایه خود را به سمت بیکاران با گرایش های تحصیلی صنعتی کوچ دهند شاید بتوانند انقلابی در تولید ایرانی

به وجود آورند. آیا چنین چیزی می تواند واقعیت یابد؟

اقتصاد ایران پر است از اعداد و ارقامی که برخی از آنها شیرین هستند و برخی از آنها نیز آنقدر تلخ که می توانند موجب ناخرسندی هر فعال اقتصادی شوند. البته در همه اقتصادهای دنیا می توان اعدادی با این ماهیت یافت اما به نظر می رسد در مدار توسعه ایرانی گاهی اوقات این ارقام و اعداد با تندی بیشتری می توانند این شیرینی و تلخی را تداعی کنند. چند وقت پیش یکی از اساتید دانشگاه در یک گفت و گو دوستانه می گفت که گاهی عجیب ترین اعداد را می توان در اقتصاد ایران پیدا کرد چون اعداد در فضای اقتصادی ما این خصلت را دارند که موجب حیرت می

شوند؛ آنقدر که هر شنونده ای وقتی می شنود که مثلاً در یک اتفاق ساده اقتصادی این داده به ثبت رسیده است به شدت حیرت می کند. به نظر می رسد نمی توان از کنار این ادعا به سادگی عبور کرد ما هم برای این که ببینیم تا چه حد اعداد در اقتصاد ایران جادویی هستند از این به بعد می خواهیم که هر از گاهی چندتایی از این اعداد را بدون هیچ نظم و ارتباطی در کنار یکدیگر قرار دهیم و در مورد آنها گپ بزنیم. بدون شک خیلی از فعالان بزرگ و کوچک اقتصادی خبر ندارند که در حوزه هایی که به نظر آنها زیاد هم ربطی به اقتصاد ندارد ارقام چه می گویند ولی همین که از راز آنها خبر دار شوند حتماً در جهت گیری های آنها در فعل و انفعالات اقتصادی می تواند. موثر باشد. مثلاً آیا تا به حال می دانستید که بیکار ترین فارغ التحصیلان مرد در برخی رشته های فنی هستند؟ متأسفانه مرکز آمار ایران این موضوع را تایید کرده است. در چنین شرایطی اگر یک سرمایه گذار اقتصادی به فرض در زمینه های صنعت نرم افزاری و علوم کامپیوتری سرمایه گذاری کند می داند که با فوج بیکاری از جوانان تحصیل کرده در این رشته سر و کار دارد که آنها این توانایی را دارند تا در صورت وجود امکانات صنعتی با بازدهی بالا را شکل بدهند. کشور هند هر سال بیش از ۸۰ میلیارد دلار صادرات نرم افزار دارد که از این طریق توانسته بازار منطقه را از آن خود کند. هندی ها دقیقاً با ایجاد کار از سوی سرمایه گذاران برای جوانانی که به علوم کامپیوتری آشنا بودند توانستند در مدت زمان بسیاری کوتاه به این رقم دست یابند. این در حالی است که ایران به رغم داشتن استعدادهای فراوان در حوزه علوم کامپیوتر هر سال کمتر از ۲۰ میلیون دلار صادرات نرم افزار دارد!

مهندسی های بیکار در صدر

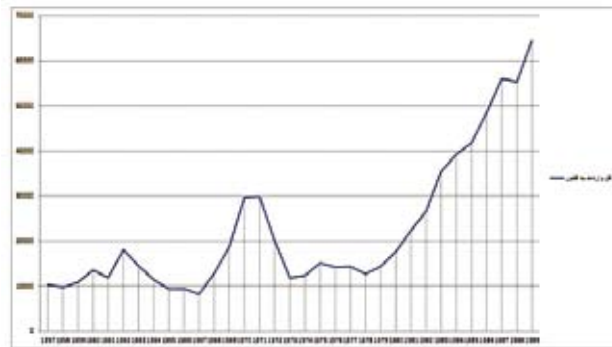
همان طور که گفته شد بر اساس اطلاعات سازمان همیاری اشتغال دانش آموختگان

جدول ۱

نرخ بیکاری	گروه تحصیلی
۴۱,۶	صنعت و فناوری
۳۰,۴	علوم کامپیوتر
۳۰,۳	روزنامه نگاری و اطلاع رسانی
۲۶,۶	علوم حیاتی
۲۶,۴	هنر
۲۵,۴	حقوق
۲۵	علوم فیزیکی
۲۴,۸	کشاورزی و شیلات
۲۲,۲	صنعت و فناوری
۲۱,۱	معماری و ساختمان سازی
۲۰	خدمات شخصی
۲۰,۴	علوم رفتاری و اجتماعی
۲۰,۳	بازرگانی و علوم اداری
۲۰,۲	دامپزشکی
۱۹,۸	خدمات بهداشتی
۱۹,۵	خدمات محیط زیست
۱۹	ریاضیات و آمار
۱۵,۲	علوم انسانی
۸,۹	خدمات امنیتی
۸	بهداشت
۷,۷	تربیت معلم
۳,۹	خدمات حمل و نقل

کاهش ۲۳،۸ درصدی واردات

نیاز به گفتن نیست که واردات کالا به یک مولفه نه چندان خوشایند در اقتصاد ایران تبدیل شده است و یا به عبارتی آلمانی است که هر کس بخواهد اوج فاجعه را در اقتصاد ایران تخمین بزند حتما اشاره ای نیز به واردات کالا دارد. البته خیلی هم بیراه نیست که کارشناسان این گونه از واردات کالا هراس دارند و یا آن را پدیده منفی در اقتصاد ایران می دانند. ارقام و اطلاعات موجود نشان می دهد که از سال ۵۷ تا پایان سال ۹۰ بیش از هزار میلیارد تومان نفت در اقتصاد ایران فروش رفته است که از این رقم بیش از ۷۷۰ میلیارد دلار صرف واردات کالا شده است. نمودار زیر به خوبی دامنه واردات کالا را تا قبل از سال ۹۰ یعنی از سال ۵۷ تا سال ۸۹ نشان می دهد.



در نقطه مقابل این واردات اما بر اساس اطلاعات موجود در سال ۹۰ نرخ تشکیل سرمایه در اقتصاد ایران به کمتر از صفر می رسد و این سقوط ادامه می یابد که در سال ۹۱ به منفی ۲۵ درصد می رسد. حالا با پشت سر گذاشتن این دوره یک اتفاق روشن در اقتصاد ایران رخ داده است. ارقام موجود نشان می دهد که در فروردین ۹۴ میزان واردات کالا کاهش یافته است. گمرک ایران گزارش می دهد که واردات کشورمان در فروردین ماه به یک میلیارد و ۹۷۱ میلیون دلار رسید که این میزان واردات ۲۳ و ۸ صدم درصد کمتر از مدت مشابه سال قبل بوده است. همچنین در فروردین ماه امسال میزان صادرات غیر نفتی کشورمان به ۲ میلیارد و ۷۳۱ میلیون دلار رسید که در مقایسه با مدت مشابه پارسال ۷ و ۷۷ صدم درصد کاهش داشت.

بنابراین گزارش، آمار تجارت خارجی کشورمان نشان می دهد که در فروردین ماه امسال فعالان اقتصادی به میزان ۷۶۰ میلیون دلار بیشتر از واردات، انواع کالا صادر کرده اند.

این رقم می تواند یک خبر خوب برای اقتصاد ایران باشد چون همه به یاد می آورند که واردات بی حساب و کتاب در دوره های مختلف چه بلایی بر سر اقتصاد ایران آورده است. به نظر می رسد سرمایه گذاران می توانند این روند کاهش واردات را این گونه ارزیابی کنند که اقتصاد ایران به سمت تولید جهت گیری کرده است مخصوصا این که از بهار سال ۹۳ نرخ تشکیل سرمایه ثابت ناخالص نیز روند مثبت خود را آغاز کرده است. در بهار گذشته و در شروع تغییر فرآیند تشکیل سرمایه این نرخ رشد ۵،۷ درصدی را نشان داد. برای آینده نیز لغو تحریم ها و واقعی شدن فعالیت بازار سرمایه در تامین مالی صنعت نیز یک چراغ روشن برای تولید محسوب می شود.

۲۰ میلیون گردشگر در راه ایران

می گویند صنعت توریسم و یا گردشگری با گردش مالی یک تریلیون دلار در سال، چهارمین صنعت پولساز جهان محسوب می شود. این رقم بدون شک انقدر بزرگ است که بتواند موجب حیرت شود و همه کشورهای دنیا را بسیج کند تا سهم خود را از این گردش بزرگ مالی افزایش دهند. در ایران اما به خاطر دلایلی که خیلی به اقتصاد ربط نداشته اند طی سال های گذشته همواره صنعت توریسم در حاشیه قرار داشته است. این در حالی است که ایران جزو کشورهای مرجع در زمینه پتانسیل های گردشگری محسوب می شود. در واقع این در حاشیه قرار گرفتن در شرایطی است که اگر می خواستیم می توانستیم سهمی بزرگ حداقل به اندازه درآمدهای نفتی خود از یک تریلیون دلار گردش مالی توریسم به دست آوریم. گزارش های موجود نشان می دهد ایران در سال ۲۰۱۰ میزبان ۲ میلیون و ۹۳۸ هزار توریست بوده است. این رقم در سال ۲۰۱۱ از پیشرفت نسبتاً خوبی برخوردار بوده و به رقم ۳ میلیون و ۳۵۴ هزار نفر رسیده است و در سال ۲۰۱۲ نیز حدوداً ۵۰۰ هزار نفر

نسبت به سال قبل افزایش داشته است. در مورد درآمد ایران از صنعت توریسم در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ به ترتیب شاهد ۲،۴ و ۲،۳ میلیارد دلار هستیم. در سال های بعد نیز وضع همین گونه بوده است اما در سال ۲۰۱۴ ورق به کلی برگشته است و ۵ میلیون گردشگر وارد ایران شده اند که ۶،۵ میلیارد دلار نیز به ایران ارز تزریق کرده اند. این پرش درآمدی می تواند به نوبه خود یک اتفاق بسیار تازه برای اقتصاد ایران باشد. اما نکته اینجاست که دولتی ها عزم خود را جزم کرده اند تا آن طور که رئیس سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی کشور می گوید تا ۱۱ سال آینده این میزان گردشگر به ۲۰ میلیون نفر برسد. در واقع با این اتفاق یک زمینه بزرگ سرمایه گذاری در حوزه گردشگری کشور به وجود آمده است که سرمایه گذاران می توانند با دقت در آن برای آینده زمینه حضور اقتصادی خود را گسترش دهند.

شهرهای پر بازدید دنیا و درآمدهایی که این شهرها از طریق صنعت گردشگری به دست آورده اند به وضوح نشان می دهد که توریسم می تواند رونق بسیاری برای سرمایه گذاران اقتصادی به همراه آورد (جدول زیر):

درآمد انتظاری (میلیارد دلار)	تعداد بازدیدکننده	کشور	شهر	دیف
۱۴،۳	۱۵،۹۸	تایلند	بانکوک	۱
۱۶،۳	۱۵،۹۶	انگلیس	لندن	۲
۱۴،۶	۱۳،۹۲	فرانسه	پاریس	۳
۱۱،۵۷	۱۳،۵	سنگاپور	سنگاپور	۴
۱۸،۶	۱۱،۵۲	آمریکا	نیویورک	۵
۸،۶	۱۰،۳۷	ترکیه	استانبول	۶
۱۰،۴	۹،۹	امارات	دبی	۷
۷،۸	۹،۲	مالزی	کوالالمپور	۸
۶،۳	۸،۷۲		هنگ کنگ	۹
۸،۹	۸،۴۱	اسپانیا	بارسلون	۱۰
۱۰،۸	۸،۲	کره	سئول	۱۱
۶،۶	۶،۸۳	ایتالیا	میلان	۱۲
۶،۴	۶،۷	ایتالیا	رم	۱۳
۶،۹	۶،۵	چین	شانگهای	۱۴
۶،۳	۶،۳۵	هلند	آمستردام	۱۵
۱۲،۷	۵،۸	ژاپن	توکیو	۱۶
۴،۸	۵،۳۷	اطریش	وین	۱۷
۸،۱	۵،۱۹	تایوان	تایپه	۱۸
۳،۴	۵	عربستان	ریاض	۱۹
۷،۸	۴،۸۴	آمریکا	لوس آنجلس	۲۰
۱۹۱،۱	۱۷۸،۲۶		جمع	

همان طور که مشاهده می شود ۲۰ شهردنیا فقط در سال ۲۰۱۳ به واسطه پذیرایی از گردشگران خارجی بیش از ۱۹۱ میلیارد دلار درآمد به دست آورده اند. این رقم بدون شک برای ایران که چندین شهر یاپتانسیل های گردشگری در سطح جهانی دارد دور از ذهن نیست مگر این که شرایط گسترش صنعت توریسم فراهم شود و سرمایه گذاران نیز این فعالیت را در برنامه خود قرار دهند.

این سرمایه های سرگردان...

برخی از ارقام و اطلاعات در دایره اقتصاد پیمایی برای سرمایه گذاری ندارد اما می تواند برای اهالی اقتصادی یک نشانه باشد که وقتی توسعه از دایره تولید دور می شود و مصرف نیز به امری ضروری در میان شهروندان تبدیل می گردد، آن وقت طبق آن ضرب المثل قدیمی برخی پیدا می شوند که می توانند از آب هم کره بگیرند. نمونه این ماجرا اجاره خودروهای لوکس با قیمت های عجیب و غریب است. در حال حاضر اجاره روزانه یک خودرو بنز یا پورشه و یا یک بی ام او کرک از یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان شروع می شود و تا ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان ادامه می یابد. توجه کنید در واقع نرخ اجاره یک روز این خودروها از حقوق ماهانه یک کارگر هم بیشتر است! شاید این هم یک نوع اشتغالزایی است. یعنی فرض کنید سرمایه گذاری با شناخت عطش مصرف در میان مردم سرمایه خود را صرف خرید خودروهای لوکس کرده است و با اجاره آن درآمد زایی می کند. اما ای کاش این سرمایه به گونه ای دیگر در اختیار اقتصاد قرار می گرفت که ضریب تولید را افزایش می داد. این ارقام فقط به این درد می خورند که سرمایه گذاران بعد از هر دور بازی با اعداد برای پیدا کردن مسیرهای تازه برای کوچاندن سرمایه به این فکر کنند که چرا به تازگی مشاغل با خاصیت ایجاد ارزش افزوده، شکل گرفته اند و هر روز نیز بر تعداد و حجم آنها افزوده می شود. واقعا چگونه!؟



در گفت‌وگو با «حسین راغفر»، پژوهشگر اقتصادی مطرح شد:

نظارت بر موسسات مالی و اعتباری ضعیف است

رضا اسدآبادی

معمولا این منابع به دست کسانی می‌رسد که از کانال واسطه‌گری وام‌ها را به کارهای نامولد و بعضا مخرب و حتی بنگاه‌های غیر نیازمند می‌رسانند. در شرایط کنونی ما شاهد هستیم که برخی بنگاه‌های بزرگ، در کشور وام‌هایی با نرخ بهره‌های غیرقانونی (از ۳۶ درصد تا حتی ۳۸ درصد) دریافت می‌کنند. وام‌هایی که حجم آنها بسیار بالاتر از محدوده‌ای است که هر بانک می‌تواند به یک بنگاه وام دهد، به این بنگاه‌های بزرگ پرداخت می‌شود. نرخ بهره‌ی این چنینی تنها به جیب دلان و بخش تجاری وارداتی غیر رسمی می‌رود. این در حالی است که سایر بنگاه‌های نیازمند، به این منابع مالی دسترسی ندارند و این میزان بازپرداخت اصل و فرع پول برای آنان مقدور نیست. شرایط جدید نیز باعث می‌شود که بیش از پیش این منابع به دست آنان نرسد. مهم این است که باید در کشور سازوکارهایی ایجاد شود که تضمین کند منابع به دست آنان که در بخش تولید فعالیت می‌کنند، برسد. این سازوکارها هنوز تعریف نشده است و این نگرانی را به وجود می‌آورد که این منابع تنها قدرت مالی گروه‌های خاصی را افزایش می‌دهد.

با توجه به بحث اخیر در باب فشار دولت به برخی تولیدکنندگان محصولات مصرفی به منظور کاهش قیمت‌ها، چرا در بخشهایی مثل بانکداری و موسسات پولی و مالی، این فشار دولت از کانال بانک مرکزی روی این موسسات (اعم از دولتی و خصوصی) وجود ندارد تا شاهد این مشکلات یا سایر مشکلاتی از قبیل «شرکت‌داری» و «بنگاه‌داری» و سایر تبعیضات نباشیم؟

با توجه به جلسه‌ی چند هفته پیش شورای پول و اعتبار و همچنین اعلام نظر دولت مبنی بر کاهش نرخ سود بانکی، دولت این بار این نرخ را حقیقتا کاهش داد. اما برخی کارشناسان مدعی هستند که این کاهش دستوری می‌تواند موجب کاهش ارزش پول سپرده‌گذارانی شود که در دوران تورم نجومی سالیان گذشته متضرر شدند. با این توصیف چه راهکاری پیش روی دولت قرار می‌دهید؟

کاهش نرخ سود بانکی را در شرایط عادی با توجه به نرخ تورم موجود و مشکلات عدیده‌ی مالی بنگاه‌های تولیدی کاملا درست می‌دانم. ولی در شرایط فعلی اقتصاد ایران و مشکلات نهادی و ساختاری موجود، این سیاست می‌تواند تنها به افزایش میزان قدرت دلان و واسطه‌گران مالی کمک کند. این سیاست می‌تواند مورد سوءاستفاده‌ی این جریان‌ها قرار گیرد و موجب شود آنان سود بالایی را به جیب بزنند. اگر یک سازوکار منطقی برای نظارت به عملکرد بانک‌ها در کشور وجود خارجی داشت، این سیاست قطعا به نفع بخش تولید خرد و متوسط و استفاده‌کنندگان حقیقی و نیازمند به منابع مالی بانک‌ها تمام می‌شد. در آن صورت این سیاست گام کاملا موثری قلمداد می‌شد. اما متأسفانه با توجه به شرایط نظام فعلی بانکی و همچنین با توجه به تجارب تاریخی ما، به وضوح می‌توان گفت که چنین اتفاقی رخ نخواهد داد. بانک‌ها نیز یک طرف این معادله‌ی ناصحیح قرار دارند. به واسطه‌ی سازوکار غلط اداری بانک‌ها و عدم نظارتی که روی این مجموعه‌ها و سایر مجموعه‌های موسسات مالی وجود دارد،

پس از اعلام بانک مرکزی مبنی بر کاهش نرخ سود بانکی، بحث‌های جنجال‌برانگیز اقتصادی همیشگی پیرامون سازوکارهای تعیین نرخ سود بانکی دوباره داغ شد. حامیان نظریات مکتب اقتصاد بازار آزاد، همچنان بر عدم دخالت دولت در امور بانک‌ها و سیاست‌های بانک مرکزی تأکید میکنند و تعیین نرخ دستوری را رد می‌کنند. از طرف دیگر برخی دیگر از کارشناسان نزدیک به دولت، مدعی هستند که این نرخ بالاست اما با توجه به مشکلات بانک‌ها و سپرده‌گذاران و مسئله‌ی تورم، اقدام به کاهش نرخ سود سپرده‌های بانکی شتابزده است. اما کارشناسانی نیز هستند که سیستم پرداخت و دریافت بهره را در چهارچوب مباحث شرعی اساسا ربوی می‌دانند. آنان مدعی هستند که گسترش قارچ‌گونه‌ی فعالیت‌های بانکی در کشور و صف طولیل موسسات بانکی و مالی - اعتباری متقاضی مجوز افتتاح بانک، در شرایط فعلی نشان از وضعیت بغرنج یک نظام بانکی است، که گویا دولت فعلی مانند دولت‌های قبل قصدی برای دخالت و اعمال قدرت برای تغییر آن را ندارد. در این شرایط به نظر می‌رسد اگر توان مالی و تعداد بانک‌ها افزایش پیدا کند، به مرور عنان نظام پولی کشور از دست دولت خارج شود و این به اقتصاد کلان و تولید ملی در بلندمدت آسیب خواهد زد. به همین بهانه با یکی از اقتصاددانان منتقد روند رشد قارچ‌گونه‌ی بانک‌ها یعنی «دکتر حسین راغفر»، عضو هیئت علمی دانشکده‌ی اقتصاد دانشگاه الزهرا و پژوهشگر اقتصادی، گفت‌وگویی صریح داشتیم تا نظر ایشان را در ارتباط با تناقضات نظری موجود در مورد سرنوشت نظام بانکی کشور بررسی کنیم.

دولت کنونی مانند چند دولت قبل، سیاست و استراتژی آزادسازی اقتصادی را دنبال می‌کند. یکی از مواردی که از نتایج این استراتژی کلان اقتصادی است، این است که دولت حداقل مداخله را در این موارد (حتی بحث‌های پولی و اعتباری کلان) داشته باشد. حتی در مورد بنگاه‌های کوچک هم قدرت اعمال نظر چندانی در دولت وجود ندارد. البته انتظار منطقی ما این است که با توجه به کاهش بخشی از محدودیت‌های بنگاه‌ها در فعالیت خود (که در اثر رفع برخی تحریم‌ها یا کاهش انگیزه‌های منفی ایجاد شد)، به مرور قیمت برخی کالاها کاهش یابد. در گذشته منابع بزرگی از کشور با هزینه‌های بالا برای وارد کردن کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای لازم برای تولید به هدر می‌رفت، که حالا بخشی از این منابع در داخل کشور باقی می‌ماند. همچنین به دلیل مشکل تحریم‌های بانکی، هزینه‌های مبادله‌ی بالایی برای پرداخت پول لازم برای خریدهای یادشده وجود داشت، که دیگر قرار نیست وجود داشته باشد (و بعضاً نیز دیگر وجود ندارد). بنابراین هزینه‌های تولید و کالاهایی که در گذشته برای تولیدکنندگان گران تمام می‌شد، اکنون دیگر ارزان تمام می‌شود. باید اکنون انتظار داشت که این قیمت‌ها کاهش پیدا کند. اما متأسفانه امروز، هم واردکنندگان و هم تولیدکنندگان در مقابل کاهش طبیعی قیمت مقاومت می‌کنند و به دنبال ایجاد حاشیه‌ی سود غیرمنطقی هستند. این یکی دیگر از نگرانی‌هاست که اگر دولت به‌خصوص بعد از تحریم‌ها این فشار را به بنگاه‌های تولیدی و وارداتی بیاورد، از دید اغلب کارشناسان منصف منطقی است. ولی در مورد بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری نکته‌ی مهم‌تری وجود دارد. بخشی از این موسسات اصلاً به قواعد و بخشنامه‌های بانک مرکزی توجهی ندارند و آن‌ها را رعایت نمی‌کنند. البته باید اذعان کرد که مسئول برخورد با این پدیده خود بانک مرکزی و مسئولین آن هستند. حاکمیت نظام در حوزه‌ی پولی از کانال بانک مرکزی اعمال می‌شود و اکنون این حاکمیت دچار نقصان است. این اصلاً مطلوب نیست که بانک مرکزی بگوید «هیچ ابزار کنترلی و اعمال فشاری از سوی این نهاد تعبیه نشده است.» این ادعا دور از مسئولیت است. نکته‌ی دیگر در ارتباط با سوال شما این است که حتی برخی بانک‌ها و موسسات خصوصی نقض قانون می‌کنند و وام‌های بزرگی با نرخ بهره‌های بسیار بالا می‌دهند. این در کنار سایر تخلفات قابل گزارش است. حتی دیده شده که برخی از آنها منابع حاصل از سپرده‌های قرض‌الحسنه را نیز وارد منابع تجاری و فعالیت‌های شرکتداری خودشان کردند، که این فعالیت‌ها سبب ایجاد سودهای عظیمی است. منابعی که باید صرف وام‌های قرض‌الحسنه شود، اکنون باعث ایجاد فرصت‌های اقتصادی ناصحیح شده است، که باید جلوی آنها گرفته شود. بانک‌ها با نقض مقررات این فرصت‌ها را ایجاد کردند و اعمال قدرت دولتی در این شرایط یک ضرورت است. چه این که تقریباً هیچ‌کدام از بانک‌های خصوصی در کشور، منابع کاملاً شخصی برای افتتاح بانک خصوصی نداشتند. آنها بعضاً با کمک منابع نفتی دولتی و همچنین وام‌های کلان از سایر بانک‌های بزرگ دولتی، توانستند نام خود را بانک «خصوصی» بگذارند. لذا به نظر بنده این منطق

که چون این بانک‌ها خصوصی هستند، دولت حق دخالت و تعیین مثنی کلی و خطوط قرمز در مورد آنان را ندارد، منطقی غیرقابل دفاع است. چه این که بازپرداخت‌های پول بانک‌های دولتی برای افتتاح برخی از این بانک‌ها، شرایط مساعد حقوقی و قانونی نداشته است. هنوز هم بسیاری از اعتبارات بنگاه‌های دولتی و منابع صندوق توسعه ملی، توسط برخی از این بانک‌ها استفاده می‌شود. لذا باید آنان متعهد شوند که به واسطه‌ی این امتیازات که تا امروز داشتند و قدرت اقتصادی خوبی که به هم زده‌اند، به دولت در زمینه‌های سیاست‌های عمومی یاری برسانند و دولت حق دارد که بر فعالیت‌های آنان نظارت کند. این از حقوق قانونی بانک مرکزی است، که علاوه بر نظارت، پیرامون منابعی که منشا آن‌ها پول‌های بخش عمومی بوده است سوال و جواب کند و حتی از آنها استقراض کند. چراکه بخشی از این منابع متعلق به جامعه است و دولت حق دارد نسبت به آنها تصمیم‌گیری کند.

برخی از کارشناسان اقتصاد اسلامی و همچنین فقها با این حال معتقدند که به

منابعی که باید صرف وام‌های قرض‌الحسنه شود، اکنون باعث ایجاد فرصت‌های اقتصادی ناصحیح شده است، که باید جلوی آنها گرفته شود. برخی با نقض مقررات این فرصت‌ها را ایجاد کردند و اعمال قدرت دولتی در این شرایط یک ضرورت است

دلیل فاصله‌ی زیاد تورم فعلی با نرخ سود بانکی، این میزان مابه‌التفاوت درصدی دقیقاً مصداق رباست...

این ایده و نظر درست است. اما باید توجه داشت که نمیتوان به این راحتی نتیجه‌گیری سیاسی کرد و تنها در بعد اقتصادی این دولت را مسئول دانست. این وضعیت نتیجه‌ی سیاست‌های پولی و بانکی دولتهای نهم و دهم است. به هر صورت این دولت میراث‌دار کجرفتاری و اشتباهات بزرگ دولت قبل است، که منابع مالی بانکی را به سمت استفاده‌ی نادرست کشاندند. این درست است که این نوع فعالیت‌های ربوی بسیار گسترده است. این فعالیت‌ها صرفاً در حوزه‌ی سود سپرده‌های مردم نیست و تنها به آنها محدود نمی‌شود. بلکه بسیاری از فعالیت‌ها خارج از قواعد منطقی یک اقتصاد اسلامی است. منتهی اصلاح این روند، منوط به نظارت گسترده‌ی بانک مرکزی است و این پذیرفته نیست که بانک مرکزی نظارت نکند. یکی از اقدامات مهمی که لازم است بانک مرکزی برای اصلاح این روند انجام دهد، این است که باید بسیاری از این بانک‌های فعلی با یکدیگر ادغام شوند. بسیاری از بانک‌های وابسته به ارگانهای دولتی اضافی و غیرضروری تاسیس شدند. بانک‌های فعال در خارج از

حوزه‌ی نظارت دولت، دلیلی برای فعالیت‌های اقتصادی ندارند. این بانک‌ها باید ادغام شوند، چراکه اقتصاد را به شدت آسیب‌پذیر کرده‌اند. این ادغام مستلزم تدوین یک طرح گسترده است. هزینه‌های اداره‌ی شعبه‌های متعدد این بانک‌ها، می‌تواند فشار زیادی به اقتصاد کشور و بودجه وارد کند و اینها هزینه‌های استفاده از منابع را به شدت افزایش می‌دهد. لذا باید طرح ادغام اینها به مجلس داده شود. خطر گسترش تصاعدی و قارچ‌گونه‌ی موسسات تجاری برای کشور بالاست. با این روند امکان کاهش سود تسهیلات و پس‌انداز عملاً منتفی می‌شود. لذا اگر دولت تمایل داشته باشد تا این اتفاقات در کشور بیفتد و نرخ سود تسهیلات کاهش یابد، باید هزینه‌های بانکی کشور را نیز از آن طریق که عرض کردم به شدت کاهش دهد.

برخی از کارشناسان که با کاهش نرخ سود بانکی در شرایط فعلی مخالفند، همصدا با مسئولین بانکی می‌گویند که به دلیل بالا بودن حجم نقدینگی در کشور، نرخ سود بانکی فعلی (قبل از کاهش) منطقی است.

چه این که نرخ سود تسهیلات بالا موجب می‌شود که تنها بنگاه‌هایی که توان بهره‌وری و سودآوری دارند از منابع بانکی استفاده کنند. همچنین نرخ سود سپرده‌ی بالا، مانع خروج نقدینگی از بانک‌ها و افتادن چرخه‌ی پول در جریان دلالتی ارز و سکه می‌شود. لذا با توجه به نظریه‌ی مقداری پول که نقدینگی را عامل اصلی تورم می‌داند، مدعی هستند که کاهش این نرخ به افزایش حجم نقدینگی در گردش و باز تولید تورم می‌انجامد و از این زاویه با آن مخالفند. حال نظر شما چیست؟

ببینید! بنده اتفاقاً برعکس معتقدم که یکی از دلایل بالا بودن تورم، همین بالا بودن نرخ سود بانکی است. این مسئله تقریباً دور باطل است. بانک‌ها باید نسبت به بهره‌وری خود همت کنند. مسئله‌ی بهینگی تعداد بانک‌ها باید مطرح شود. این که در هر خیابانی چند بانک و موسسه‌ی مالی باشد قابل پذیرش نیست. سود مازادی که ناشی از بی‌در و پیکر بودن فعالیت‌های مالی و اعتباری است، اتفاقاً با این دسته استدلال‌ها ظاهراً علمی توجیه می‌شود. اتفاقاً نرخ سود تسهیلات بالا از مواردی است که هزینه‌ی تمام‌شده‌ی تولید را بالا می‌برد و خود مولد افزایش قیمت و در نتیجه تورم در کشور است. هزینه‌ی دسترسی به منابع مالی بانک‌ها نیز با توجه به گستردگی فعالیت بانکی بالاست. این سیستم بزرگ بانکی، قطعاً سوراخ‌هایی برای ایجاد زدوبندهای اقتصادی ایجاد می‌کند. فعالیت‌های اقتصادی بانک‌ها در حوزه‌های شرکت‌داری که تمام مسئولین نسبت به آنها معترض هستند، شرايطی را ایجاد کرده است که برخورد با بانک‌ها توان و عزم ویژه‌ای را طلب کند. آنان علت حضور خود را می‌توانند توجیه کنند ولی بدون کاهش حجم فعالیت‌های بانک‌ها هیچ امیدی نمی‌توان به اصلاح این روند داشت. لذا این سیستم بانکی خود همیشه میزان تورم را بالا نگه خواهد داشت. اصلاح نظام بانکی و پولی در کشور بدون یک اراده‌ی دولتی ممکن نیست.

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ.
و همانا در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.

سوره انبیا- آیه ۱۰۵

قرارمان را با قد کشیدن شمع‌دانی‌ها میزان کنیم، برای جشنی که در آن به اندازه همه دل‌های دنیا لبخند خواهد بود. روزی که بالاخره تمام خبرهای دنیا خوب خوانده می‌شوند. روزی که دیگر دل‌های اندوه‌دیده از هراس مصیبتی دیگر نخواهند لرزید و به اتفاقی عظیم تکیه خواهند کرد. همان جشنی که قرار است ما انسان‌ها به آن برسیم. جشنی که در آن عدل پرچم‌دار هر راهی باشد و ظلم جرئت طغیان نداشته باشد. روزی که ما آدم‌ها اسیر خواستن‌هایی از جنس بیمار نباشیم. رها شده باشیم از قید خود و سایه خود، نگاهمان به خورشید افتاده باشد و با او دوستی کرده باشیم، درست مثل شمع‌دانی‌ها. این آرزوی جشن هر ساله‌مان باشد برای آمدن موعودی که نامش با انتظار عجیب شده است. این انتظار برای ماست تا به آن روز جشن برسیم. قدم‌هایمان هر چه درست‌تر و سریع‌تر برداشته شوند، انتظار زودتر به سر می‌رسد. عجیب نیست که راهی برای ما باشد و قدم‌ها هم از آن ما و باز هم از نشستن و نرسیدن و دور بودن مقصد‌گریه کنیم؟ آرزوی جشن هر ساله‌مان باشد، این که بایستیم. سراسر شوق زندگی باشیم و برای پایان انتظار قدم برداریم. قدم‌هایی که از کنارشان شمع‌دانی‌ها جوانه بزنند تا به همراه زمزمه سحرگاهی همه منتظران، نشانه‌ای برای هم‌سفران شوند.

«خدایا برسان به مولای ما امام راهنمای راه‌یافته، قیام‌کننده به فرمانت که دروذهای خدا بر او و پدران پاکش، از جانب همه مردان و زنان مؤمن، در مشرق‌های زمین و مغرب‌هایش، همواری‌ها و کوه‌هایش، خشکی‌ها و دریا‌هایش، و از طرف من و پدر و مادرم، از درودها به گرانی عرش خدا، و کشش کلماتش، و آنچه دانشش برشمرده، و کتابش به آن احاطه یافته، خدایا در صبح این روز و تا زندگی کنیم از روزهایمان، برای آن حضرت بر عهده‌ام، عهد و پیمان و بیعت تجدید می‌کنم، که از آن‌رو نگردانم، و هیچ‌گاه دست برندارم. خدایا مرا، از یاران و مددکاران و دفاع‌کنندگان از او قرار ده، و از شتابندگان به سویش، در برآوردن خواسته‌هایش، و اطاعت‌کنندگان او امرش، و مدافعان حضرتش، و پیش‌گیرندگان به جانب خواسته‌اش، و کشته‌شدگان در پیشگاهش.»*

*دعای عهد

جشنی که دنیا در آن بخندد

نسترن فتحی





هیچ تشویشی پای چوبه دار رفت. کلاه سیاه نمیشدش را از سر برداشت، شنلش را که روی دوش انداخته بود، به زمین انداخت. عینک دسته شاخی‌اش را از روی دماغ برداشت و نگاهی به جمعیت کرد. باز هم تاریخ می‌گوید اینجا دکتر حشمت آه کشید، بعد خودش با دست‌های خودش طناب دار را روی گردنش کشید و ریش انبوهش را از روی آن رد کرد. طناب دور گردنش بود که مردم گیلان شیون کردند.

۷- اواخر سال ۱۲۹۶ بود که بخش بزرگی از گیلان و مازندران و طارم، از آن طرف آستارا و تالش و تنکابن زیر نفوذ کمیته اتحاد اسلام درآمد. کمیته‌ای که بین مردم به حزب جنگ معروف بود، روزنامه‌ای به نام «روزنامه جنگل» داشت و مراسم بطلان تمام «قراردادهای به ضرر ایران»، «عدم دخالت روسیه در امور داخلی ایران» و «تساوی همه اقوام بشر در حقوق» بود. نهضت جنگ هم کرده بود، محمد ولی خان خلعت‌بری یا همان سپهسالار تنکابنی را که جد اندر جد مشروطه‌خواه بود، شکست داده بود، با ارتش روسیه و انگلیس رویه‌رو شده بود و باعث شده بود که همه دست به دست هم بدهند، بمباران کنند، حمله کنند، شکست بخورند و حتی حکومت میرزا را در گیلان به رسمیت بشناسند. اما بعد از مرگ دکتر حشمت وقتی وثوق‌الدوله آمد و قرارداد ۱۹۱۹ که امضا شد و تیمورتاش که سر رسید، کار جنگل هم تمام شد. چون برادر افتاد.

۸- چقد جنگل خوسی، ملت وسی، خسته نبستی، می‌جان جانانا
تراگمه میرزا کوچک‌خان
خدا دانه که من، نتانم خفتم از ترس دشمن، می‌دل آویزانا!
تراگمه میرزا کوچک‌خان...

چقدر در جنگل می‌خوابی، برای خاطر مردم، خسته نشدی، جان جانان؟
بتو می‌گویم میرزا کوچک‌خان
خدا می‌داند که من نمی‌توانم بخوابم، از ترس دشمن، دلم پریشان است... به تو می‌گویم میرزا کوچک‌خان
(تصنیف مردم کوچه و بازار که هشتاد و اندی سال در گیلان خواندند و از یاد نبرند)

گرفت. اسم نهر هم شد «حشمت‌رود». ۴- «جلوگیری از دخالت خارجه و نفوذ سیاست آنها در گیلان عملیاتی بوده بس مقدس که به هر مسلمانی لازم. خداوند همه ایرانیان را توفیق دهد که نیت و عملیات آنها را تعقیب و تقلید نمایند»

قسمتی از فتوای تاریخی و کوبنده سیدحسن مدرس در جمادی‌الثانی ۱۳۳۹ قمری در حمایت از نهضت جنگل
۵- دهخدا در فرهنگ لغاتش از ملاقات عجیبی می‌نویسد که نصرالله خان صوفی املشی در ۱۲۹۷ شمسی وقتی انگلیس و روسیه علیه نهضت متحد شده بودند، ترتیب داد. آن هم بین دکتر حشمت و مقامات نظامی دولت، این وسط مقامات نظامی چقدر جنگ گفتند و چه وعده‌هایی دادند، بماند.

قشنگ‌ترین وعده اما داستان اعزام دکتر و ۱۲ نفر از نزدیکانش به اروپا با خرج دولت، آن هم برای ادامه تحصیل بود؛ وعده‌ای که حتی قوی‌ترین آدم‌ها را هم فریب می‌داد. دهخدا باز هم در فرهنگش درست رویه‌روی اسم دکتر حشمت می‌نویسد که دو نفر نماینده (مظفرزاده و یحیی کرمانی) دکتر را دیدند و به او گفتند که تسلیم‌شدن به دولت برابر مرگ است، اما خودشان هم تایید کردند که یک عقب‌نشینی طولانی و دامن‌دار و بی‌پایان هیچ پایانی جز مرگ نخواهد داشت. همین بود که دل دکتر حشمت لرزید؛ مردی که جان باختن و نابودی مردانش را در سرمایه جنگل‌های گیلان، در گرسنگی محاصره ماسوله و جنگ تن به تن با افراد امیر سعد، فرزند سپهسالار تنکابنی دیده بود، مرد و مردانه به پای چوبه دار رفت.

۶- تاریخ می‌گوید در آن روز بهاری حکم اعدام را مرد سیاه‌سوخته و بدقیافه‌ای قرائت کرد. رُست دکتر حشمت به گفته شاهدان عینی مظلومانه و پر از وارستگی بود؛ تجسمی از خونسردی و بی‌اعتنایی به همه لذات زندگی. بدون

چقد جنگل خوسی

بهاریه‌ای در سالگرد اعلام حکومت جنگل و سالمرگ یکی از مشهورترین جنگلی‌ها

۱۶ خرداد صد و پنج سال پیش میرزا کوچک خان جنگلی در رشت اعلام حکومت جمهوری کرد، یک سال و اندی قبل از مرگش و تمام شدن داستان جنگل و شاید یک سال بعد کشته شدن دکتر حشمت یاروفادارش، جایی خواندم آخرین بار که دکتر حشمت و میرزا کوچک‌خان یار غار دوران جنگل، همدیگر را دیدند، سرزمینی بود در کوه‌های تنکابن در ناحیه قلعه گردن از توابع خرم‌آباد تنکابن که بعدتر دکتر حشمت در محاصره شدید قزاق‌ها خودش را تسلیم کرد؛ روزی بهاری مثل امروز، روزی نه‌چندان دور. بهار سالگرد خیلی از این قصه هاست، یکی شان را از توی کلاه بیرون می‌کشیم و می‌گوییم.

۱- دکتر ابراهیم حشمت اطباء، مردی که بعضی‌ها می‌گویند ریاکاری و وثوق‌الدوله و فرستاده‌اش تیمور تاش را باور کرد و امضای پشت قرآن رضاخان را جدی گرفت و پای چوبه دار رفت، یکی از سران نهضت جنگل و دست راست میرزا کوچک جنگلی بود. مردی که دوش به دوش میرزا کوچک پایداری کرده بود، از مسیر عجیب و غریب و غیرقابل دسترس قلعه‌های شاندرمن با پای پیاده رد شده بود، سربازانش را از محاصره ماسوله و یا حمله قزاق‌ها نجات داده بود و هفت سال برای ایران جنگیده بود، خدا می‌داند چرا، عقب نشست و امان‌نامه را باور کرد. بعضی‌ها می‌گویند فکر می‌کرد نهضت به آخر خط رسیده یا دلش طاقت مرگ تدریجی‌اش را نداشت، بعضی‌ها هم می‌گویند تسلیم شد تا میرزا جان سالم به در برد. این وسط ۲۷۰ نفر دیگر هم بودند که اسلحه زمین گذاشتند و در قلعه گردن تنکابن به دست قشون دولتی افتادند؛



همان‌هایی که میرزا قدغن کرده بود به رویشان آتش بشکنند. همان برادرهای ایرانی زنده و توهین کردند و شکنجه کردند و سوزاندند.

۲- شاید عجیب باشد گفتن قصه، آن هم از آخر به اول، اما این صفحات آخر، آن هم دو سال آخری که میرزا کوچک دیگر دکتر حشمت نداشت، یک جور دیگر دل آدم را می‌لرزاند. ما کاری نداریم میرزا بونس (کوچک جنگلی) طلبه‌ای بود که هم‌زمان با اوج‌گیری نهضت مشروطه به گروهی از آزادی‌خواهان پیوسته بود یا بعدها برای مبارزه با قرارداد ۱۹۱۹ انگلیس یا یورش آهسته و ادامه‌دار روسیه تزاری به جنگل‌ها و سرزمین گیلان، جانش را از دست داد. قصه میرزا کوچک، مردی که نهضت جنگل را ساخت، توی جنگل‌های گیلان پروراندش، با داس و تفنگ شکاری و نان خالی زنده‌اش نگه داشت، قصه‌ای است که بعدها، در روزی روشن تعریف می‌کنیم. امشب قصه اما قصه دکتر حشمت است.

۳- دکتر ابراهیم حشمت الاطباء، پسر میرزا عباسقلی حکیم‌باشی از اهالی طالقان بود، مادرش هم دیلمی بود یا همان مازندرانی امروز. خانواده‌ای روشن و فرهیخته و دوست‌داشتنی که پسرشان را - که هرچند دانش‌آموخته مدرسه فرانسویان و معلم‌های خارجی دارالفنون بود - عشق به ایران آموختند. پسر بزرگ شد، عینک گرد دسته شاخی زد، نظام ملی طب لاهیجان را تأسیس کرد و می‌گویند حتی کانال آبی ساخت که جلوی خرابی خیلی از شالیزارهای گیلان را

- منبع:
- ۱- سردار جنگل، نوشته ابراهیم فخرایی، نشر بدرقه جاویدان، تهران ۱۳۶۳
 - ۲- دکتر حشمت جنگلی، نوشته محمود پاینده، نشر شعله اندیشه، تهران ۱۳۶۸
 - ۳- تیمور تاش در صحنه سیاست ایران، نشر بدرقه جاویدان، تهران ۱۳۷۱
 - ۴- سایت موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
 - ۵- سایت پایگاه تحلیلی دیلم نیوز
 - ۶- سایت گیلان نیوز



پولتیک‌ها جواب نداد

چیا فوادی

داستان واگذاری استقلال و پرسپولیس هر روز وارد فاز تازه‌تری می‌شود و طرفداران دو تیم و این روزها به‌خصوص پرسپولیس سردرگم‌تر می‌شوند. کسی نمی‌داند در نهایت چه پیش خواهد آمد و ماجرا به کدام سمت و سو می‌رود. اتفاقات جالبی که طی یک ماه اخیر افتاده است، باعث شده تا پرده‌های جدیدی از ماجرای خریداری پرسپولیس رو شود. پس از این که حسین هدایتی اعلام کرد که سازمان خصوصی‌سازی به این دلیل صلاحیت حسین هدایتی را رد کرده است که هم وی و هم شرکت استیل‌آذین بدهکار بانکی هستند. شایعات از ارقام هزار میلیارد و دوهزار میلیارد و سه‌هزار میلیارد خبر می‌دادند و زمانی که عادل فردوسی‌پور روی آنتن زنده‌ی برنامه‌ی نود از پوری‌حسینی، رئیس سازمان خصوصی‌سازی پرسید بدهی هدایتی هزار میلیارد یا بالاتر است، وی جواب داد که نمی‌تواند رقم را بگوید اما رقم بدهی سنگین است. امیر عابدینی البته بدهکار بودن حسین هدایتی را رد نکرد، اما گفت ماجرا آن طوری هم نیست که شما می‌گویید و بدهی هدایتی مانع قانونی برای خریدن پرسپولیس ایجاد نمی‌کند.

جلسه هدایتی و عابدینی

بارئیس سازمان خصوصی‌سازی

حسین هدایتی مالک شرکت استیل‌آذین به همراه امیر عابدینی نشست با رئیس سازمان خصوصی‌سازی برگزار کردند و البته ناراحت هم بودند که نتوانسته‌اند مزایده را ببرند. آن‌ها رفتند و جلسه ویژه‌ای در این باره برگزار کردند و ظاهراً پوری‌حسینی مدارک و دلایل رد شدن شرکت استیل‌آذین در مزایده پرسپولیس را به هدایتی تحویل داده و مسئله را به‌طور کامل برای آن‌ها تشریح کرده است تا توجیه شوند. امیر عابدینی پس از پایان جلسه به خبرنگاران گفت: «ششست خوبی را با مسئولان سازمان خصوصی‌سازی داشتیم. آن‌ها یکسری ابهامات داشتند و به هدایتی اعلام کردند که هدایتی اسناد و مدارکی را در این زمینه به آن‌ها ارائه داد تا نشان دهد مسئولان سازمان خصوصی‌سازی مرتکب اشتباهایی شده‌اند. فکر می‌کنم برطرف کردن این ابهامات تا زمان برگزاری مزایده چهارم کار آسانی باشد، اما اگر این رفع ابهامات به هر دلیلی مورد توجه اعضای محترم هیئت واگذاری قرار نگیرد و آن‌ها بگویند ما قبول نداریم، بازهم در مزایده چهارم واگذاری باشگاه پرسپولیس شرکت می‌کنیم، به خاطر این که هدایتی به مردم قول داده که وارد گود شود و کنار نکشد. مطمئن باشید در این میان هر حال به نظر می‌رسد برای واگذاری اراده زیادی وجود ندارد و خریداران برای خریدن پرسپولیس و حتی استقلال رو به زدن پولتیک آورده‌اند که تا الان جواب نداده است.

به‌نام پیشرو هم کوتاه نمی‌آید

اما جعفر سبحانی، مشاور رئیس سازمان خصوصی‌سازی نکات جالبی را می‌گوید. این که مزایده‌ی چهارم پرسپولیس قابل تجدیدنظر نیست اما با توجه به عدم برداشت سپرده‌ی شرکت در مزایده توسط بهنام پیشرو و استیل‌آذین، احتمال حضور مجدد این دو خریدار در مزایده‌ی بعدی وجود دارد. البته مزایده‌ی چهارم سرخابی‌ها با همان شرایط قبلی برگزار شده و تغییری در شرایط به وجود نخواهد آمد و حتی آگهی مزایده‌ی این دو باشگاه هم در روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر شده است. سبحانی در این باره می‌گوید: «تاکنون مبلغ سپرده‌ی شرکت در مزایده توسط شرکت استیل‌آذین و بهنام پیشرو کیش برداشت نشده و شرکت بهنام پیشرو به صراحت اعلام کرده است که در دور بعدی مزایده شرکت می‌کند و احتمال حضور استیل‌آذین نیز با توجه به عدم برداشت سپرده وجود دارد.» سبحانی درباره مشکل استیل‌آذین هم صحبت کرده است: «این شرکت با توجه به عدم احراز صلاحیت به دلیل بدهی بانکی، باید بدهی خود را قبل از برگزاری مزایده تسویه کرده یا ترکیب سهامداری خود را تغییر دهد تا بتواند در مزایده چهارم شرکت کند. البته در حال حاضر مجاز به اعلام میزان بدهی نیستیم، اما به هر حال مبلغی بوده که بانک مرکزی به عنوان عدم احراز صلاحیت عنوان کرده است. در مزایده‌های قبلی سازمان خصوصی‌سازی، تعیین اهلیت مطرح نبوده و هر کسی که قیمت بالاتری پیشنهاد می‌داد به عنوان برنده معرفی می‌شد، اما در این مزایده به دلیل حساسیت‌های موجود اعلام شده است که اهلیت خریداران باید در سه مورد بدهی معوق بانکی، عدم سابقه محکومیت موثر کیفری و عدم سوءسابقه امنیتی تعیین شود.»

پولتیک عجیب هدایتی

در همین زمان بود که رئیس سازمان خصوصی‌سازی روی آنتن به سیم آخر زد و گفت که ماجرا از چه قرار است. رئیس سازمان خصوصی‌سازی روی آنتن زنده‌ی برنامه‌ی ۹۰ گفت: «اگر یک فرد یک پسر و دختر ۲۱ و ۲۳ ساله داشته باشد و ۹۸ درصد سهام را به نام آن‌ها کند و خودش بدهی سنگین داشته باشد، آیا عقل حکم نمی‌کند که محل ابهام وجود داشته باشد؟ شرکت استیل‌آذین ایرانیان سهامدارانش مشکل داشتند. البته تا مزایده‌ی چهارم همه چیز برای خریداران قابل جبران است.» البته فردوسی‌پور باز هم پرسید که بدهی چقدر است و پوری‌حسینی گفت مجاز نیست رقم را اعلام کند. اما ظاهراً بدهی بالای هزار میلیارد تومان به نظر می‌رسد و هدایتی با واگذاری سهام به پسر و دخترش که طبیعتاً آن‌ها بدهکار نبوده‌اند، قصد داشتند مالکان ۹۸ درصدی شرکت را بدهکار نشان ندهند، اما در این حال این پولتیک به جایی نمی‌رسد و هدایتی همه‌جوره چک می‌شود تا او نتواند شرایط خرید پرسپولیس را داشته باشد. در هر حال امیر عابدینی و حسین هدایتی کوتاه نمی‌آیند و هدایتی مصر است که پرسپولیس را هر طور شده خریداری کند.

مهم‌ترین جوایز ادبی آلمان و فرانسه

جوایزی به شکل خرس و خروس

به نظر می‌رسد نویسندگانی که در خرداد ماه به دنیا می‌آیند، بخت بیشتری و همچنین مهارت بهتری در کسب جایزه‌ی نوبل ادبیات دارند. نویسندگانی مانند اورهان پاموک، میخائیل شولوخوف و توماس مان نمونه‌های خوبی برای تأیید این موضوع هستند. ولی ما این بار برای ایجاد تنوع، به جای نویسندگانی که تصمصیم گرفتیم سراغ جایزه‌ها برویم. هر ساله جوایز ادبی متعددی در سرتاسر جهان برپا می‌شود. بسیاری از مردم کشور ما نمی‌دانند که نویسندگی می‌تواند شغل پردرآمدی باشد و نویسندگانی را اغلب افرادی در کنج یک اتاق تاریک و نمور تصور می‌کنند! اگر شما هم چنین تصویری دارید، پیشنهاد می‌کنم خواندن این مطلب را از دست ندهید. البته در این جا تنها به جوایز ادبی کشورهای آلمان و فرانسه پرداخته‌ایم. اگر فرصتی پیدا شود، از جوایز دیگر ادبی هم می‌نویسیم.

کشور فرانسه؛ جایزه‌ی گنکور

این جایزه که یکی از قدیمی‌ترین جوایز ادبی فرانسه است، از سال ۱۹۱۸ هر سال به زمانی تعلق می‌گیرد که در همان سال منتشر شده باشد. جایزه‌ی گنکور از



اهمیت بسیار برخوردار است، تا جایی که امروزه دارای زیرشاخه‌های مختلفی مانند گنکور جوانان، گنکور شعر و گنکور بیوگرافی شده. نویسندگانی که موفق به دریافت آن می‌شوند، یک چک به مبلغ ده یورو دریافت می‌کنند! البته این موضوع ظاهر ماجرا است و می‌توان گفت جنبه‌ی نمادین دارد؛ چراکه اعضای این آکادمی با انتخاب رمان برتر، در واقع فروش سیصد هزار نسخه از آن را تضمین می‌کنند. اعضای این آکادمی که ده نفر هستند، اولین سه‌شنبه‌ی هر ماه در تالار مخصوص خود در طبقه‌ی نخست رستوران دروان پاریس جمع می‌شوند. هر نویسنده تنها یک بار می‌تواند برنده‌ی این جایزه شود، اما «رومن گاری» نویسنده‌ی معروف فرانسوی دو بار این جایزه را دریافت کرد؛ او یک بار با اسم اصلی خود و بار دیگر با نام مستعار «امیل آزار» توانست این جایزه را به دست بیاورد.

جایزه‌ی هیلده دومین

این جایزه به نویسندگان خارجی که کتاب‌شان را به زبان آلمانی می‌نویسند تعلق می‌گیرد و در واقع جایزه‌ای است برای نویسندگان مهاجر. نکته‌ی جالب این است که حتی اگر مترجمی کتابی را به خوبی و با ظرافت به زبان آلمانی ترجمه کند، می‌تواند برنده‌ی یک‌سوم این جایزه باشد. «هیلده دومین» یکی از مشهورترین شاعران کشور آلمان بود، که در زمان دیکتاتوری نازی‌ها به جمهوری دومینیک تبعید شد. او وقتی به سن هشتادسالگی رسید، جایزه‌ای به نام «ادبیات در تبعید» به یاد او راه‌اندازی شد و خودش هم اولین برنده‌ی آن بود. پس از آن که در سن ۹۶ سالگی از دنیا رفت، اسم وی را به روی این جایزه گذاشتند. شهر هایدلبرگ هر سه سال یک بار مراسمی را برای اعطای این جایزه و به یاد این شاعر آلمانی برگزار می‌کند. در سال ۲۰۱۲ یک نویسنده‌ی عراقی-آلمانی به نام عباس خضر، موفق به دریافت این جایزه شده. او به دلیل فعالیت علیه رژیم صدام حسین دستگیر و راهی زندان شد. این جایزه ارزشی حدود پانزده هزار یورو دارد.

آلمان؛ جایزه‌ی گئورگ بوشنر

می‌توان گفت مهم‌ترین جایزه‌ی ادبی آلمان همین است. جایزه‌ای که در سال ۱۹۲۲ به یادبود «گئورگ بوشنر» نمایشنامه‌نویس و انقلابی آلمانی پایه‌گذاری شد و از همان سال به هنرمندی



تعلق پیدا می‌کرد که ساکن ایالت «هسن» بود. این جایزه در حال حاضر ارزشی به مبلغ پنجاه هزار یورو دارد. جالب است بدانید بوشنر در حالی که فقط بیست و چهار سال داشت و در تبعید به سر می‌برد، بر اثر بیماری حصبه از دنیا رفت. این جایزه حدود یازده سال، بین سال‌های ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۴ به دلیل وقوع جنگ جهانی به هیچ شخصی تعلق نگرفت و مراسمی تحت این عنوان برگزار نشد. تا سال ۱۹۵۰ این جایزه در رشته‌های موسیقی و هنرهای تجسمی به بازیگران و خوانندگان هم اهدا می‌شد، اما از آن سال به بعد به یک جایزه‌ی ادبی تبدیل شد که از طرف آکادمی زبان و ادبیات فقط به نویسندگانی آلمانی اهدا می‌شود. هرمان هسه، گونتر گراس و هاینریش بل از جمله افرادی هستند که موفق به دریافت این جایزه شدند.

جایزه‌ی رنودو

گروهی بودند از روزنامه‌نگارهای فرانسوی که هر سال با دقت خاصی به برنده‌ی جایزه‌ی گنکور نگاه می‌کردند. بعد از دقیق شدن در این مراسم و شیوه‌ی انتخاب آن، به این نتیجه رسیدند که بعضی از برنده‌های این جایزه به واقع شایسته‌ی دریافت آن نیستند. پس این عده دست به کار شدند و خودشان جایزه‌ای درست کردند و به یاد پدر مطبوعات فرانسه، اسم «رنودو» را بر آن گذاشتند. این جایزه را به کسی می‌دهند که به عقیده‌ی خودشان به درستی و به خوبی شایسته‌ی دریافت جایزه‌ی گنکور یا فمینا باشد. به هر حال این یک جایزه‌ی افتخاری است و برای برنده‌اش اعتبار گنکور را ندارد، ولی نویسندگی منتخب از فروش حدود پنجاه هزار نسخه از کتابش بهره‌مند می‌شود. برنده‌ی این جایزه پس از گذشت زمان کوتاهی از اعطای جایزه‌ی گنکور اعلام می‌شود.

جایزه‌ی فمینا

حدود ۲۰ نفر از نویسندگان مجله‌ی «La Vie heureuse» که همگی زن بودند، این جایزه را پایه‌گذاری کردند. اسم این مجله به معنی «زندگی خوش» است، که البته بعدها اسمش را به «فمینا» تغییر دادند. تمامی داورها زن هستند، اما جایزه فقط برای خانم‌ها نیست و ممکن است یک مرد برنده‌ی آن باشد. این جایزه که به اندازه‌ی گنکور قدمت دارد، ویژه‌ی داستان و رمان است و فقط یک برنده دارد که هر سال در ماه دسامبر مشخص می‌شود.



یوانیک لاهن، برنده جایزه ۲۰۱۴



بازگشت به خوشبختی یا زندگی پس از تحریم

مرضیه کارشناس حقوق است و در یک شرکت خصوصی کار می‌کند. او معتقد است تاثیر رفع تحریم‌ها روی کار او خیلی زیاد خواهد بود، زیرا شرکتی که در آن کار می‌کند، می‌تواند وارد پروژه‌های بین‌المللی هم شود و او نیز می‌تواند در حوزه‌های بین‌المللی مشاوره‌های حقوقی بدهد که در نتیجه درآمد بیشتری خواهد داشت. او می‌گوید: «بیشترین تاثیر لغو تحریم‌ها در زندگی من از نظر اقتصادی خواهد بود. علاوه بر این که من در حوزه کاری‌ام تجربه‌های جدیدی به دست خواهم آورد.»

نظر نرگس دربارهٔ به نتیجه رسیدن مذاکرات کمی متفاوت است. او ۳۳ سال دارد، گرافیست است و در حوزه انتشار کتاب فعالیت می‌کند. او می‌گوید: «از این که از این حالت که انگار در جنگیم درمی‌آییم، احساس خوبی دارم. قطعاً با از بین رفتن تحریم‌ها آرامش بیشتری به بازار می‌آید و در نتیجه فشارها و استرس‌های مالی بر من و همسرم هم خیلی کمتر خواهد شد و این برایم خوشایند است، علاوه بر این که در حوزه شغلی هم اگر قیمت کاغذ پایین بیاید، ما قطعاً امسال کتاب‌های بیشتر و باکیفیت‌تری چاپ خواهیم کرد.» حامد ۲۳ ساله هم نسبت به این تفاهم خوش‌بین است. او بازیگر تئاتر است و معتقد است رفع تحریم‌ها در حوزه شغلی او بسیار تاثیرگذار است. حامد در این باره می‌گوید: «بدون شک، توافق

تحریم‌های اعمال شده بر کشور ما در سال‌های اخیر از موضوعات چالش‌برانگیز و مهم بین‌المللی بوده که اغلب کارشناسان از نگاه‌های مختلف به آن پرداخته‌اند. حال باید دید با یک نگاه ساده تحریم‌ها می‌تواند قدرت خرید را به مردم بازگرداند و آن‌ها را دوباره در زندگی کمی امیدوارتر به اقتصاد کند؟

شهرزاد همتی



است. به شکلی که نه تنها قشر کم درآمد، بلکه جمعیت اصلی ایران که در قشر متوسط جامعه قرار دارند، در لیست تحریمها قرار گرفته‌اند. حال و روز وضعیت دارو به دلیل تاثیر نوسانات نرخ ارز و تحریمهای بین‌المللی بانکی، اگر بدتر از سایر بخش‌های زندگی نباشد، به‌طور قطع بهتر نیست. کمبود واردات این کالای حیاتی طی ماه‌های اخیر کار را به جایی رسانده است که تولید، واردات و توزیع مواد دارویی در کشور با دشواری صورت می‌گیرد و بیماران مبتلا به سرطان و سایر بیماری‌های خاص در خط مقدم تبعات انسانی تحریمها قرار گرفته‌اند. ابتدا زمانی کمبود اقلام دارویی توجه همگان را به خود جلب کرد که افرادی از جامعه که مبتلا به بیماری‌های خاص بودند و نیازی

حیاتی به دارو داشتند، با معضل کمبود اقلام دارویی مورد نیاز خود روبه‌رو شدند. گرچه بیماران خاص درصد کوچکی از جامعه را تشکیل می‌دهند، اما کمبود تدریجی داروهای عادی که می‌بایست در داروخانه‌های سراسر کشور توزیع شوند، بر بخش بسیار وسیع‌تری از جامعه تاثیر می‌گذارد. کشور ایران نیز مانند بسیاری از کشورهای جهان برای تولید داروهای مورد نیاز خود در بخش درمان، چه از نظر واردات مواد اولیه و چه از نظر تولید، نیازمند مبادلات بین‌المللی با سایر کشورهاست و کمتر کشوری در دنیا وجود دارد که در تمامی مراحل تولید داروهای مورد نیاز، خودکفا باشد. متأسفانه با این‌که گفته می‌شود تحریمها شامل غذا و دارو نمی‌شود، اما بانک‌های اروپایی از ترس مجازات‌های آمریکا، از انجام مبادلات ارزی قانونی حتی در چهارچوب تحریمها برای دارو خودداری می‌کنند و نکته جالب در رفتار اتحادیه اروپا و آمریکا است که دولت ایران را به بزرگ‌نمایی و عدم تمایل به واردات دارو متهم می‌کنند.

مدیران بانک‌های بزرگ اروپایی ترس از مجازات‌های آمریکا را علت عدم تبادلات مجاز مالی با ایران در چهارچوب‌های تعریف‌شده برای دارو و غذا می‌دانند و شرکت‌های دارویی نیز به مشکل عدم تمایل بانک‌ها برای این موضوع اذعان دارند. هم‌اکنون دامنه نگرانی‌ها از کاهش تدریجی داروهای بیماران خاص، به سازمان ملل نیز رسیده است. به شکلی که دبیرکل سازمان ملل ضمن انتشار گزارشی اعلام کرد: به دلیل مشکلات سیستم بانکی در ارتباط با ایران، شرکت‌های داروسازی صدور دارو به ایران را متوقف کرده‌اند و به همین دلیل داروها برای درمان بیماری‌های مختلف کمیاب شده‌اند. از جمله داروهایی مانند داروهای ضد سرطان، ناراحتی قلبی و تنفسی. متأسفانه بسیاری از داروهای وارداتی افزایش شدید قیمت داشته‌اند، به شکلی که بسیاری از آن‌ها کمیاب شده‌اند. همچنین بسیاری از بیماران از ترس کمبود دارو، با مراجعه به داروخانه‌ها درخواست تعداد زیادی دارو می‌کنند که این عامل نه تنها داروخانه را با کمبود دارو مواجه می‌کند، بلکه بیماران نیز در نگهداری تعداد زیاد دارو دچار مشکل می‌شوند و در بسیاری از موارد داروها در منزل بیماران فاسد می‌شود. این مشکل باعث شده است تا داروخانه ۱۳ آبان، مهم‌ترین داروخانه فروش داروهای خاص در کشور، سیستم سهمیه‌بندی دارو را برای فروش در پیش گیرد. هر چند ایران در برهه‌هایی از زمان با لیست نایابی بیش از ۳۰۰ قلم دارو نیز مواجه بوده است، ولی نقطه تمایز آن دوران با الان در تحریم‌های شدیدتری است که در حوزه پولی و بانکی وجود دارد و عملاً فرآیند واردات دارو و مواد اولیه را با مشکل جدی مواجه می‌کند.

هسته‌ای برای من و هم‌صنفان من در حوزه هنرهای نمایشی امیدوارکننده و تاثیرگذار خواهد بود. هنر نمایش به‌عنوان پیشه، منفعت مالی چندانی برای ما تئاتری‌ها ندارد. کار در این حوزه نیاز به ذهنی آرام و دلی مطمئن دارد و این مسئله در شرایطی که جنگ و تحریم و بحران بر سر کشور ما سایه افکنده باشد، امکان‌پذیر نیست. از سوی دیگر بهترین نمایش‌ها نیز بدون مخاطب فاقد هرگونه ارزشی است و مخاطب نمایش بودن نیز نیاز به دل و ذهنی به دور از تشویش و البته شرایط اقتصادی به دور از بحران دارد و قطعاً توافق هسته‌ای به ما نوید استقبال بیش از پیش مخاطبان از هنر نمایش را می‌دهد.»

علاوه بر این، او معتقد است حل معضل اقتصادی و لغو تحریمها هم بر شغلش تاثیر می‌گذارد، زیرا با مدیریت صحیح می‌توان بودجه بیشتری به این حوزه اختصاص داد. علاوه بر این، حامد برقراری ارتباط با کشورهای دیگر را نیز بر کار خود تاثیرگذار می‌داند.

محسن ۳۳ ساله اما نظر متفاوتی دارد. او یک تاجر خرد حبوبات است. محسن می‌گوید: «الان توافق و رفع تحریم به درد من نمی‌خورد، مگر این‌که قیمت دلار پایین بیاید. اگر نه، به حال من خیلی فرقی نخواهد کرد. توافق زمانی به کار من می‌آید که مردم قدرت خرید پیدا کنند. مردم امروز قدرت خرید ندارند و اگر قرار نباشد قدرت خرید آن‌ها بالا برود، پس نتیجه مذاکرات برای من اهمیتی نخواهد داشت. ما در بین کشورهای همسایه که من با آن‌ها خریدوفروش دارم، وضع بدی نداریم، ولی این به این معنا هم نیست که وضع خوبی داریم. اما اگر رفع تحریمها باعث شود قدرت خرید مردم بالا برود، اوضاع متفاوت خواهد بود و بر کسب‌وکار من تاثیر زیادی می‌گذارد و حتی می‌توانم تجارت‌م را به کشورهای دیگر به غیر از کشورهای همسایه گسترش بدهم. باید منتظر ماند و دید چه اتفاقی می‌افتد.»

داوود ۴۵ ساله هم کاسب بازار است. او که به دلیل تحریمها در سال ۸۸ اعلام ورشکستگی کرده، بعد از سال‌ها تولید براق ساختمانی حالا فروشنده براق ساختمانی است. او می‌گوید: «ما نیاز داریم که بازار به ثبات برسد و قیمت ارز ثابت شود. مسئولان باید این کار را انجام دهند، اگر نه رفع تحریمها برای ما چه فایده‌ای خواهد داشت؟» او می‌گوید در سال‌های تحریم آن‌چه بیشتر از ورشکستگی آزارش داده است، فضای فرهنگی ناسالمی بوده است که می‌دیده و آرزوی این است: «حالا که ممکن است به خاطر برداشتن تحریمها فشار اقتصادی بر مردم کمتر شود، کاش فرهنگی به وجود بیاید که ما احساس کنیم یک خانواده هستیم.»

دکتر قویدل، مدیر کانون هموفیلی نیز مسئله تحریمها را از نظر پزشکی ارزیابی می‌کند. او می‌گوید: «گرچه سازمان ملل بر حفظ سلامت تاکید دارد، اما در عمل تحریمها سلامت مردم ایران را نشانه گرفته است. کمبود نقدینگی ارزی، عدم مبادلات ارزی میان بانک‌های خارجی با ایران و افزایش قیمت مواد اولیه مورد نیاز در سبد غذایی ایرانیان، همگی قدرت خرید مردم را کاهش داده



لطفاً دور نریزید

المیرا حصارکی

آشغال های خانه می تواند به راحتی تبدیل به کابوس شوند. این کابوس ها به همان راحتی می تواند تبدیل به یک وسیله کاربردی و زیبا شوند. تنها باید چشم هایتان را باز کنید و آن ها را به عنوان یک کپه زباله که هیچ ایده ای برای آن ها ندارید نگاه نکنید. بهتر است به جای اینکه به ناچار آن ها را لا به لای جعبه های بلا استفاده در انباری بگذارید، فکر کنید ببینید که چه کار می توانید با آن ها انجام دهید.

لواستر های آوانگارد

حتما تا به حال یک سر به خیابان لاله زار برای خرید لواستر زده اید و از دیدن قیمت های عجیب و غریب و بالا بی خیال خرید شده اید و دست از پا دراز تر به خانه بازگشته اید. خب اگر واقعا دوست دارید که لواستر خانه تان را عوض کنید برای شما یک ایده هیجان انگیز داریم. به راحتی می توانید صاحب یک لواستر آوانگار شوید. برای این کار به چند شیشه مربا، ترشی، خیارشور و .. نیاز دارید. یک سیم، یک سرپیچ، لامپ و چکش. با استفاده از چاقو به آرامی در شیشه ای را به اندازه عبور سرپیچ ببرید. سر پیچ را رد کنید و لامپ را بین در و سر پیچ قرار دهید. به همین راحتی. حالا شما می توانید لواستر قدیمی تان را باز کنید و این لواستر را به سقف آویزان کنید. برای ایجاد تنوع هم می توانید روی شیشه طرح های دلخواهتان را بکشید و یک لواستر جدید و فوق العاده ارزان نهایت لذت را ببرید.



خوش بو کننده های دست ساز



استفاده از خوش بو کننده در خانه می تواند کم ترین هزینه ممکن را برای شما داشته باشد. اما همین هزینه کم را هم می توانیم به راحتی تبدیل به هیچ کنیم و در عین حال یک دکور تازه به خانه

افزافه کنیم. شیشه های کوچک قهوه یا مربا های کوچک برای این کار مناسب هستند. به غیر از آن به مقداری پارچه کنفی احتیاج دارید و روبان. البته خوش بو کننده مورد علاقه تان هم لازم است. برای این کار می توانید از ادویه های خوش بویی مانند دارچین، نعنا، وانیل، قهوه و ... استفاده کنید. آن ها را در شیشه بریزید، درب آن را با پارچه های کنفی ببندید و برای تزئین آن از روبان استفاده کنید. به همین راحتی و با هزینه خیلی کم شما صاحب یک سری خوش بو کننده جدید شدید که هم طبیعی است و هم اینکه هزینه زیادی برای تهیه آن خرج نکردید.

جای لیوان

به احتمال خیلی زیاد از نبود فضای کافی در آشپزخانه تان کلافه شده اید و دوست داشته اید تا یک دکوری کوچک و شیشه ای برای لیوان های دوست داشتنی تان داشته باشید. اما با دیدن قیمت های بالا به همان کابینت های در بسته راضی شده اید. خب، برای این مشکل هم یک ایده تازه و فوق العاده ارزان قیمت داریم. اگر اهل باغبانی کردن باشید حتما یکی از این بیبل های شخم زنی دارید. اگر هم نه با یک هزینه خیلی کم می توانید نمونه دست دوم آن را در مغازه ها پیدا کنید. به خصوص اگر دسته نداشته باشد هزینه خیلی کمی را متقبل می شوید. آن را به خانه بیاورید، تمیز کنید و به دیوار بزنید. حالا شما یک فضای جدید برای گذاشتن لیوان های خانه تان دارید. فضای عجیب و تازه ای که تازگی خیلی



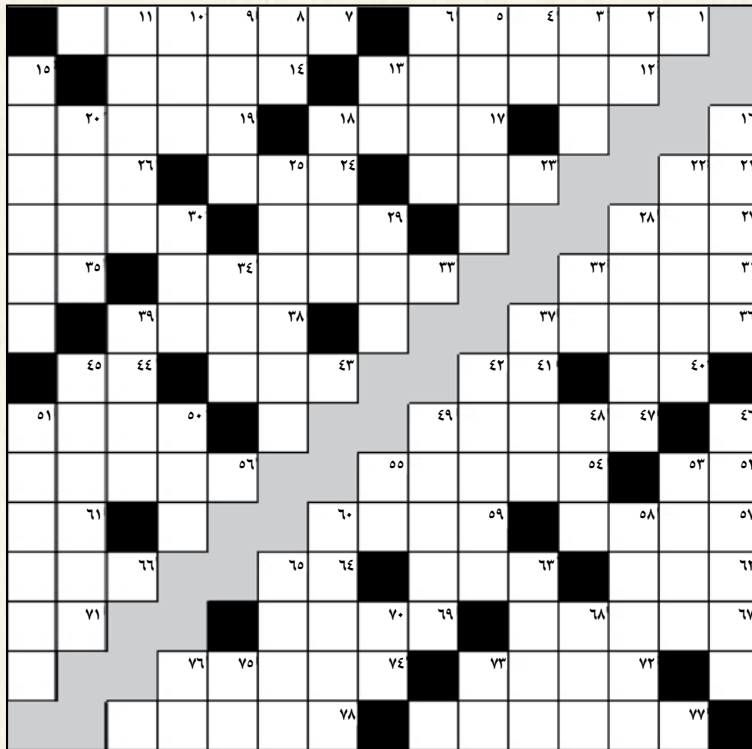
ارزانی برای شما دارا!

میزهای لاستیکی

از جلوی خیلی از مغازه های مبلمان که رد شوید این میز و صندلی های کنفی دل شما را با خود بردند. اما هزینه بالای آن شما را از خرید منصرف کرده است. اما به راحتی می توانید خودتان این میز و صندلی ها را تهیه کنید. برای این کار به دو چوب گرد به اندازه لاستیک نیاز دارید و مقداری نخ کف و چسب و میخ. از همان اول چوب های گرد را زیر و روی لاستیک میخ کنید و حسابی آن ها را محکم کنید. بعد از آن شروع به چسب زدن کنید و نخ هیا کنفی را در لاستیک بچرخانید و خیلی منظم آن را دور لاستیک بچسبانید. به همین راحتی یکی از صندلی ها آماده است. می توانید برای بالا آوردن ارتفاع از چوب یا لاستیک به عنوان پایه استفاده کنید. هزینه زیادی ندارد، زیبا است و از همه مهم تر محصول خلاقیت خود شما است!



خوانندگان گرامی مجله در این صفحه شما را دعوت می‌کنیم. تا ضمن سرگرم شدن با یافتن پاسخ مربوطه در قرعه کتبی جایزه‌های نفیس شرکت کنید. با جواب دادن به جدول این صفحه اسم خود را در گردونه شانس قرار دهید. در ضمن پاسخ‌های خود را تا تاریخ ۲۰ هر ماه به آدرس ای‌میل صفحه ارسال کنید. همراهان گرامی جواب‌ها را هم در شماره آینده و خازرم مشاهده خواهید کرد.



عمودی:

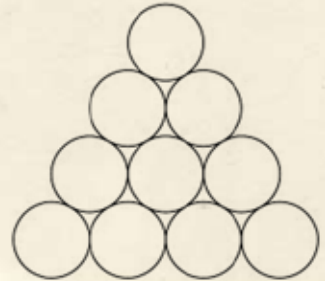
- ۲- جهت، دید چشم، نور اندک ۳-
- واحد شمارش فشنگ، ماه پرتابی، انداختنی با
- کمان ۴- حیوان بارکش ۵- پایین کوه ۶- از
- گل‌های زینتی ۸- گریز حیوان، مرکز ایتالیا ۹-
- ملاطفت ۱۰- وای درهم ۱۱- پشت سر هم،
- پی در پی ۱۳- فتنه، بدی ۱۵- شهری در
- اصفهان ۱۶- سور، کرنا ۱۸- مخالف خوبتر ۲۰-
- نشستن ۲۲- مظهر حبله ۲۵- ملخ دریایی،
- میگو ۲۸- نوعی پرند شکاری، پرند ترازو ۲۹-
- پن‌دار، گمان و خیال ۳۰- مرد خمیده ۳۲-
- طایفه ایرانی، قوم غبور ۳۴- کفش اسب ۳۷-
- بلندمرتبه، برتر ۳۹- شوهر خواهر ۴۲- از
- زبان‌های کهن ۴۵- کبودرنگ ۴۶- محرم
- اسرار ۴۸- بلا ۴۹- تازه بنا شده ۵۰- واحد
- پول تایلند ۵۱- حالت بین نشسته و برخاسته
- ۵۳- رنگ سیاه ۵۵- شهر مذهبی، من
- تبریزی، برکت پنج ۵۸- شهری در آذربایجان
- شرقی ۶۰- ردیاب ۶۳- شریک ۶۵- صفت
- سیب زمینی، بی غیرت، بی تعصب ۶۸-
- خرسندی، لقب امام هشتم ۷۰- برهنه، همسر
- اسکارلت ۷۳- یادگان تهران، اصفهان قدیم
- ۷۵- همراه لرز، نشانه بیماری ۷۶- رمق آخر

افقی:

- ۱- خدمتگزار ۷- اسب زور ۱۲- ادیت
- ۱۴- همسر خسرو ۱۷- ویران کننده ۱۹-
- جیره غذایی روزانه ۲۱- واحد سطح، پسوند
- فاعلی ۲۳- کیف سفری ۲۴- فارسی
- باستان، نوعی کبک ۲۶- ای دل ۲۷- قرقی
- ۲۹- امتیاز قدرتمندان شورای امنیت ۳۰-
- کارها، دستورات، رود آسیایی ۳۱- سختی
- ۳۳- زندان ۳۵- جنبش ۳۶- دالان ۳۸-
- در توضیح کلام استعمال می‌شود ۴۰- بانگ
- نزدیک، بانگ چوپان، ضمیر عربی ۴۱-
- خاندان ۴۳- عضو پرواز، اندام پرواز پرند
- ۴۴- کامل کننده مرد ۴۷- در حال شیون ۵۰-
- ۵۲- پسر ۵۲- مادر عرب، عزیز تازی ۵۴- ولرم
- ۵۶- سستی ۵۷- جلال، بزرگی ۵۹- آسان
- ۶۱- ناپیدا، مفقود ۶۲- بسیار گریه کننده
- ۶۳- مجلس اعیان ۶۴- نماد روشنی ۶۶-
- خانه محقر روستایی ۶۷- ستاره متحرک ۶۹
- ۷۱- بیماری یرقان ۷۱- گیاه مرداب، ساز مولانا،
- ساز شاک ۷۲- میوه رسیده ۷۴- عنکبوت
- ۷۷- حداد، آهنگر ۷۸- پشت سر هم

معما سکه‌ها

ده سکه، مطابق شکل کنار هم قرار گرفته اند، و یک مثلث متساوی الاضلاع را تشکیل داده اند که راس آن رو به بالاست. چطور می‌توانید فقط با جابه جایی سه سکه، کاری کنید که راس مثلث رو به پائین قرار بگیرد؟



در این معما دو اتاق در مجاورت هم داریم که هیچکدام پنجره ندارند ولی هر کدام یک در ورود و خروج دارند. در یکی از اتاق‌ها سه چراغ برق و در اتاق دیگر سه کلید برق مثل هم وجود دارند. ما نمی‌دانیم کدام کلید کدام چراغ را روشن می‌کند. معلوم کنید که هر کلید کدام چراغ را روشن می‌کند؟ (مثلاً: کلید وسطی لامپ وسط را روشن می‌کند یا یکی از دو چراغ کناری را؟، باید معلوم کنید که هر سه کلید مربوط به کدام چراغ‌ها هستند.)

توجه داشته باشید

می‌توانید هر چند مرتبه که بخواهید کلیدها را روشن و خاموش کنید

نباید بیش از یک بار وارد اتاقی که چراغ‌ها در آن قرار دارند شوید. فقط یک بار می‌توانید وارد اتاق چراغ‌ها شوید و وقتی بیرون آمدید دیگر نمی‌توانید به اتاق چراغ‌ها برگردید.

نباید از کسی کمک بگیرید و هیچ وسیله‌ای هم در اختیار ندارید.

پاسخ جدول و برنده شماره قبل

آزیتا رفیعی سرشکی، از خانواده بانک ملت، به قید قرعه برنده خوش شانس شماره قبل نشریه هستند که برای دریافت جایزه با ایشان تماس می‌گیریم.

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵
۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰
۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵
۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰
۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰	۱۰۱	۱۰۲	۱۰۳	۱۰۴	۱۰۵

در آستانهٔ ۳ خرداد، سالروز فتح خرمشهر

یک وجب خاک، یک دنیا حرف

فتح خرمشهر فتح خاک نیست، فتح ارزش‌های اسلامی است. خرمشهر شهر لاله‌های خونین است. خرمشهر را خدا آزاد کرد.
بیانات رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی(ره)

اردیبهشت سال ۱۳۶۱، چند هدف عمده‌ی استراتژیک و تاکتیکی از جانب نیروهای ایرانی دنبال می‌شد، این اهداف عبارت بودند از:

بیرون راندن نیروهای متجاوز به پشت مرزهای بین‌المللی
نشان دادن برتری قدرت سیاسی-نظامی و اجتماعی جمهوری اسلامی به عراق و حامیان او در منطقه

انهدام نیروهای متجاوز در منطقهٔ بین غرب کارون تا خط مرزی آزادسازی خرمشهر از اشغال متجاوزین

آزادسازی خرمشهر درحقیقت از اهداف مرحلهٔ چهارم عملیات بیت‌المقدس بود. در ساعت ۲۲:۳۰ شامگاه شنبه، ۱ خردادماه ۱۳۶۱، مرحلهٔ چهارم این عملیات با اعلام رمز یامحمدبن عبدالله، از بی‌سیم فرماندهی قرارگاه مرکزی کربلا به واحدهای عمل‌کننده، با هدف آزادسازی خرمشهر آغاز شد. در پایان این نبرد علاوه بر پایان بخشیدن به اشغال بخشی از حساس‌ترین مناطق خوزستان و آزادسازی خرمشهر، ضربهای سنگین به توان رزمی و روحیهٔ نیروهای عراقی وارد آمد. در جریان آزادسازی خرمشهر حدود ۱۶ هزار نیروی عراقی کشته و زخمی شدند و همچنین ۱۹ هزار نفر نیروی عراقی به اسارت نیروهای ایرانی درآمدند.

فتح خرمشهر یک چیزی کم داشت. چیزی که هر سال در نبودش خوانده می‌شود: ممد نبودی بیینی ... شهر آزاد گشته.

جای محمد جهان‌آرا که خود نماد ایستادگی خرمشهر بود، در این پیروزی خالی بود. کسی که خود زادهٔ خرمشهر بود و مانند تمام هم‌زمانش تا پای جان ایستاد تا ذره‌ای از این خاک کم نشود. تا خانهٔ آبا و اجدادش زیر پای غریبه ویران نشود. تا بتواند بگوید من اهل خرمشهر، اهل ایرانم ...
گرچه نبود اما دید که چگونه در نبودش از شهرش دفاع کردند.
در ۳ خرداد جای خیلی‌ها خالی بود...

۳ خرداد... همیشه در ذهن تاریخ می‌ماند. وقتی یک شهر می‌شود ناموس و به دست دشمن می‌افتد باید سینه سپر کرد مقابلش تا به دنیا نشان بدهی که یک وجب از خاک برای سرزمین ما چه معنا و مفهوم ازلی و ابدی دارد. مفهومی که هشت سال از آن دفاع کردیم. بی هیچ ادعایی و خون‌های جوانانی که که البته هدر نرفت و امروز ما می‌توانیم سربلند و پر غرور از خاطرات این دفاع بگوییم.

بعد از ۵۷۸ روز که شهر به دست بعثی‌های عراق اشغال شده بود و آنان سرمست از این اتفاق بودند، به‌طوری که طی اطلاعیه‌ای به آن‌ها دستور داده بودند که به هیچ عنوان نباید این شهر را از دست بدهند و باید به منزله‌ی بغداد و بصره به این شهر نگریست، طی عملیات بیت‌المقدس این شهر بازپس گرفته شد.

حالا دیگر صدای گوینده‌ای که با شور خاصی از رادیو اعلام کرد: «شنوندگان عزیز توجه فرمایید، خرمشهر آزاد شد.» تبدیل به یک سرود حماسه‌ای شده است. چه خبری خوش‌تر از این. خبری که از بعد خبر بودن هم گذشته است و وارد یک فضای احساسی و ملی شده.

در پی آغاز عملیات بیت‌المقدس در نیمه شب دهم

